

دفتر شانزدهم پرسش ها و پاسخ ها «رساله دانشجویی» - قسمت دوم

پرسش ۱۸۰ . هنگامی که روزه می‌گیرم، به شدت بدنم سست می‌شود و نمی‌توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه من چیست؟
همه مراجع: این گونه ضعف و سستی‌ها تا حدودی لازمه روزه است و برای نوع افراد پیش می‌آید و به جهت آن نمی‌توان روزه را خورد؛ ولی اگر ضعف به قدری باشد که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. ۱.
تبصره. البته انسان می‌تواند در این شرایط به مسافرت برود (حداقل ۲۲/۵ کیلومتر) و روزه خود را بخورد و به وطن برگردد. در این صورت لازم نیست تا مغرب از خوردن و آشامیدن خودداری کند و بعد از ماه رمضان، قضای آن را به جا آورد و کفاره هم ندارد.

فراموشی قضای روزه

پرسش ۱۸۱ . در ماه رمضان مدتی روزه نگرفته‌ام، اما تعداد روزه‌ها را فراموش کرده‌ام؛ وظیفه‌ام چیست؟
همه مراجع: می‌توانید به مقدار حداقل اکتفا کنید؛ یعنی، هر مقدار از روزه‌ها را که یقین دارید کمتر از آن نبوده، قضا کنید و بیش از آن لازم نیست.

کفاره روزه

پرسش ۱۸۲ . روزه‌ها را از روی عمد نگرفتم؛ ولی نمی‌دانستم افزون بر قضا، کفاره هم دارد، آیا در این فرض کفاره واجب می‌شود؟
همه مراجع: آری، افزون بر قضای روزه‌ها، باید کفاره نیز بدهید و ناآگاهی از کفاره، باعث سقوط آن نمی‌گردد. ۲.

کفاره روزه زن

پرسش ۱۸۳ . کفاره روزه زن، بر مرد است یا بر زن؟
همه مراجع: کفاره در موارد یاد شده، بر خود زن واجب است و در صورتی که زن درآمد ندارد، کفاره از او ساقط است. ۳.

پرسش ۱۸۴ . کسی که به واسطه بیماری نتوانسته روزه‌های ماه رمضان را بگیرد، اگر چند سال قضای آن را به تأخیر اندازد، تکلیف چیست؟
همه مراجع: اگر بیماری او در میان سال خوب شد، باید روزه‌ها را قضا کند و اگر به سال‌های بعد انداخت، علاوه بر قضای روزه، باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد اما اگر بیماری او تا سال بعد ادامه یافت - به طوری که نمی‌تواند قضا کند - فقط باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. ۴.

جنابت قبل اذان

پرسش ۱۸۵ . شخص جنبی که در ماه رمضان، قبل از اذان صبح دسترسی به آب ندارد، وظیفه‌اش چیست؟
همه مراجع: اگر تا پیش از اذان صبح به آب دسترسی ندارد، تیمم بدل از غسل کند و روزه او صحیح است. بعد از اذان در صورت دسترسی به آب، برای نماز صبح غسل کند و در غیر این صورت، با تیمم نماز صبح خود را بخواند. ۵.

تأخیر غسل جنابت

پرسش ۱۸۶ . اگر در شب ماه رمضان، جنب شویم و تا نزدیک اذان صبح غسل را به تأخیر اندازیم و سپس تیمم کنیم؛ آیا روزه صحیح است؟

همه مراجع (به جز صافی و وحید): در این فرض (هر چند تأخیر غسل، گناه است)؛ ولی چنانچه قبل از اذان صبح تیمم کنید، روزه تان صحیح است. ۶
آیات عظام صافی و وحید: در این فرض (هر چند تأخیر غسل، گناه است)؛ بنابر احتیاط واجب تیمم کنید و روزه بگیرید و قضای آن را نیز به جا آورید. ۷

جنابت روزه دار

پرسش ۱۸۷. اگر شخصی بعد از نماز صبح، محتلم شود و تا غروب غسل نکند، آیا اشکالی به روزه او وارد می شود؟

همه مراجع: خیر، لازم نیست فوری غسل کند و روزه او صحیح است؛ ولی برای نماز باید غسل کند. ۸

پرسش ۱۸۸. چندین سال با حال جنابت، روزه گرفتم و نماز خواندم؛ در حالی که نمی دانستم جنب باید غسل کند، تکلیف چیست؟

آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، خامنه ای، مکارم و وحید: نماز و روزه هایی را که در حال جنابت انجام داده اید، باید قضا کنید. ۹

آیات عظام سیستانی، صافی و فاضل: اگر در یاد گرفتن مسائل کوتاهی نکرده اید، روزه ها صحیح است و قضا ندارد؛ ولی نمازهایی را که در حال جنابت خوانده اید، در هر حال باید قضا کنید. ۱۰

آیه الله نوری: روزه ها صحیح است و قضا ندارد؛ ولی نمازهایی را که در حال جنابت خوانده اید، باید قضا کنید. ۱۱
تبصره. طهارت نسبت به نماز شرط واقعی است؛ از این رو اگر از روی ناآگاهی نیز بدون طهارت نماز بخواند، نمازش باطل است.

فراموشی غسل جنابت

پرسش ۱۸۹. اگر در ماه رمضان، غسل جنابت را فراموش کنیم و پس از چند روز یادمان بیاید، چه تکلیفی داریم؟ همه مراجع: باید نمازها و روزه آن چند روز را قضا کنید؛ ولی کفاره ندارد. ۱۲

پرسش ۱۹۰. کسی که مدتی نماز خوانده و روزه گرفته است و بعد بفهمد جنب بوده، تکلیف او چیست؟ همه مراجع: اگر متوجه اصل جنابت نبوده، روزه های او صحیح است؛ ولی نمازهای او قضا دارد. ۱۳

استمنای روزه دار

پرسش ۱۹۱. اگر کسی به عمد روزه خود را در ماه مبارک رمضان، به وسیله استمنای باطل کند، چه حکمی دارد؟ همه مراجع (به جز خامنه ای، سیستانی و صافی): علاوه بر قضا، بنابر احتیاط واجب، باید «کفاره جمع» (۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد. ۱۴

آیات عظام سیستانی و خامنه ای: علاوه بر قضا، کفاره دارد و بنابر احتیاط مستحب کفاره جمع (۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد. ۱۵

آیه الله صافی: علاوه بر قضا، باید کفاره جمع (۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد. ۱۶

پرسش ۱۹۲. در جوانی گاهی در ماه رمضان استمنای می کردم؛ ولی به هیچ وجه از حرمت آن آگاهی نداشتم و نیز نمی دانستم که روزه را باطل می کند، تکلیف من چیست؟

آیات عظام امام، صافی و نوری: اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی داده اید، کفاره واجب نیست؛ ولی بنابر احتیاط واجب، باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید. ۱۷

آیات عظام بهجت، خامنه ای و فاضل: اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی داده اید، کفاره واجب نیست؛ ولی باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید. ۱۸

آیات عظام تبریزی و وحید: باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید؛ ولی کفاره واجب نیست. ۱۹
آیه الله سیستانی: پرداخت کفاره واجب نیست و اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی داده اید،

قضای روزه ها نیز واجب نیست. ۲۰

آیه الله مکارم: بنابر احتیاط واجب باید روزه هایی را که با حال جنابت گرفته اید، قضا کنید؛ ولی کفاره واجب نیست. ۲۱

جهت آگاهی درباره مسائل جنابت و روزه به بخش احکام جنابت مراجعه فرمایید.

مسافرت ماه رمضان

پرسش ۱۹۳. آیا می‌شود در ماه رمضان مسافرت کرد؟ حکم روزه چگونه است؟
همه مراجع: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد؛ ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است. ۲۲

پرسش ۱۹۴. آیا می‌توانیم نذر کنیم که روزه ماه رمضان و یا قضای آن را در سفر به جا آوریم؟
همه مراجع: خیر، این نذر صحیح نیست. ۲۳

احکام اول ماه

رؤیت هلال

پرسش ۱۹۵. راه‌های ثبوت اول ماه را به طور مختصر بیان کنید؟
اول ماه از چند راه ثابت می‌شود:

۱. خود انسان ماه را ببیند؛
 ۲. دو مرد عادل شهادت بدهند که ماه را دیده‌اند؛
 ۳. عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌اند؛
 ۴. سی روز از اول ماه شعبان بگذرد؛
 ۵. حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط) حکم کند که اول ماه است. ۲۴
- تبصره. آیه‌الله سیستانی و آیه‌الله وحید معتقدند با حکم حاکم اول ماه ثابت نمی‌شود.

اختلاف نظر مراجع

پرسش ۱۹۶. علت اختلاف نظر مراجع تقلید، در اعلام اول ماه رمضان و عید فطر چیست؟ آیا در گذشته این اختلاف بوده است؟

اختلاف نظر مراجع تقلید در ثبوت اول ماه، امری نیست که تازه به وجود آمده باشد؛ بلکه در گذشته نیز این مسئله، در نزد ایشان مورد فکر و نظر بوده است. عوامل متعددی باعث اختلاف نظر گردیده است که موارد ذیل را می‌توان از مهم‌ترین آنها دانست:

۱. اعتبار اتحاد افق؛ عده‌ای بر این باورند که اگر هلال ماه، در نقطه‌ای از کره زمین دیده شود - که افق در آنجا با جاهای دیگر تفاوت داشته باشد ولی در شب مشترک باشند - اول ماه در آن مکان‌ها ثابت می‌شود. در مقابل این نظریه، فقهایی هستند که اتحاد در افق را معتبر می‌دانند و معتقدند: اگر هلال ماه در شهری دیده شود که افق آن، با شهر یا کشور دیگر اختلاف داشته باشد، اول ماه از نظر شرعی برای شهر دوم ثابت نمی‌شود. بدیهی است طبق نظر اول به طور معمول، اول ماه یک روز زودتر ثابت می‌شود.
۲. اعتبار حکم حاکم؛ حجیت و نفوذ حکم حاکم میان فقیهان، نظری مشهور است؛ ولی برخی از آنان، حکم حاکم را در رؤیت هلال ماه معتبر نمی‌دانند.
۳. شهادت بی‌تسه نزد حاکم؛ گاه مجتهد جامع شرایط، از شهادت کسانی که ماه را دیده‌اند، اطمینان پیدا می‌کنند و بر این اساس ثبوت اول ماه را اعلام می‌دارند. چه بسا ممکن است به جهت فقدان برخی شرایط، برای مجتهد دیگری این اطمینان حاصل نشده باشد.

اختلاف فقیهان در امور یاد شده، به جهت اختلاف در یک سری از مبانی نظری و اصول فکری است که آرا و افکار متفاوتی را برمی‌تابد. نظریه‌پردازی مختلف در ادبیات و اصول فقه، برداشت متفاوت از آیات و روایات و اختلاف نظر در سند احادیث و شناخت روایان، به طور طبیعی موجب تفاوت در بعضی از فتاوا می‌شود.

پرسش ۱۹۷. شما می‌گویید اگر دو نفر عادل شهادت بدهند کافی است؛ آیا اعلام عید از سوی چند مرجع، به اندازه دو نفر عادل نیست؟

کسی منکر عدالت مرجع تقلید نیست. آنچه گفته شده، آن است که دو نفر عادل، شهادت دهند که خودشان ماه را دیده‌اند؛ ولی مراجع معظم خودشان ماه را نمی‌بینند؛ بلکه از گفته دیگران اطمینان به رؤیت پیدا می‌کنند و این دو جهت با

هم تفاوت می‌کند و شهادت بر شهادت - که شهادت علمی نامیده می‌شود - در این مورد اعتبار شرعی ندارد. ۲۵

پرسش ۱۹۸ . با توجه به اینکه هر سال در ثبوت اول ماه رمضان، دچار اختلاف می‌شویم، تکلیف شب قدر چه می‌شود؟

برای انجام اعمال شب قدر کافی است هر کس در مسئله رؤیت هلال، به دیدگاه مرجع تقلید خود یا حکم حاکم و یا اطمینان شخصی خود، عمل کند و سه شب را به احیا و شب زنده داری بپردازد در این صورت به طور حتم خداوند او را از ثواب و پاداش معین شده، محروم نمی‌سازد و به احتمال قوی شب قدر را نیز درک می‌کند. برای درک حتمی شب قدر و فیوضات و برکات آن، بهتر است شش شب را احیا نماید تا آن شب بزرگ و با عظمت و مخفی درک گردد. شاهد این امر، روایات منقول از معصوم (علیه السلام) است. ۲۶

پرسش ۱۹۹ . اگر بین مراجع تقلید در ثبوت عید فطر، اختلاف پیش آید، وظیفه مکلف چیست؟ آیا هر مقلد باید به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند؟

همه مراجع: در ثبوت اول ماه تقلید راه ندارد، بلکه اگر شخص از گفته و اعلام نظر مرجع تقلید، اطمینان به رؤیت ماه پیدا کند، باید روزه خود را افطار کند و اگر شك داشت، باید آن روز را روزه بگیرد. ۲۷

ثبوت ماه رمضان

پرسش ۲۰۰ . اگر پیش از ظهر اعلام کردند که امروز اول ماه رمضان است؛ تکلیف روزه آن روز چه می‌شود؟ همه مراجع (به جز تبریزی و وحید): اگر مبطلات روزه را مرتکب نشده، باید نیت کند و روزه اش صحیح است و اگر یکی از آنها را مرتکب شده، روزه او باطل است؛ ولی (به احترام ماه رمضان) باید تا اذان مغرب از کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نموده و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند. ۲۸

آیات عظام تبریزی و وحید: اگر مبطلات روزه را مرتکب نشده، باید نیت کند و روزه بگیرد و بنابر احتیاط واجب بعد از ماه رمضان قضا نماید و اگر یکی از آنها را مرتکب شده، روزه اش باطل است؛ ولی (به احترام ماه رمضان) باید تا اذان مغرب از کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نموده و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند. ۲۹

محاسبات تقویمی

پرسش ۲۰۱ . آیا اول ماه بر اساس تقویم محاسبات منجمان ثابت می‌شود؟ همه مراجع: خیر، ثابت نمی‌شود؛ مگر آنکه انسان از گفته آنان اطمینان پیدا کند. ۳۰

رؤیت هلال در سفر

پرسش ۲۰۲ . افرادی که برای کار به کشورهای حوزه خلیج فارس می‌روند، با توجه به اینکه در آنجا رؤیت هلال اول ماه، يك روز زودتر اعلام می‌شود؛ تکلیف روزه آنان در ماه رمضان و عید فطر باید بر مبنای کدام محل باشد؟ همه مراجع: اگر از راه‌های شرعی و معتبر اول ماه در آنجا ثابت شود، باید بر مبنای محلی که هلال رؤیت می‌شود، عمل کنند. ۳۱

اختلاف افق

پرسش ۲۰۳ . اگر هلال ماه در عربستان دیده شود، آیا برای ایران نیز اول ماه ثابت می‌شود؟ همه مراجع (به جز تبریزی، صافی و نوری): خیر، برای ایران اول ماه ثابت نمی‌شود. ۳۲

آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: اگر از راه‌های شرعی و معتبر ثابت شود، برای ایران نیز اول ماه ثابت می‌شود. ۳۳

تبصره. دیدگاه آیات عظام: تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید بر اساس آن است که اشتراك در شب بین مناطق مختلف جهت ثبوت اول ماه کفایت می‌کند و لازم نیست اتحاد افق داشته باشند.

پرسش ۲۰۴ . اگر هلال ماه رمضان یا شوال، در کشوری دیده شود - که افق آنها يك یا دو ساعت با شهر ما تفاوت دارد - آیا اول ماه برای ما هم ثابت می‌شود؟ آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای و مکارم: اگر شهر یا کشوری که ماه در آن دیده شده از بلاد شرقی باشد، اول ماه ثابت می‌شود و اگر از بلاد شرقی نباشد (مانند عربستان)، اول ماه ثابت نمی‌شود. ۳۴

آیات عظام تبریزی، فاضل، صافی، نوری و وحید: اگر در شب مشترك باشند، اول ماه ثابت می‌شود؛ هر چند در افق یکی نباشند و از بلاد شرقی نباشد. ۳۵
تبصره ۱. به عنوان مثال کشور افغانستان در بخش شرقی ایران قرار دارد؛ اگر ماه در آنجا دیده شود، برای کشور ایران نیز ثابت می‌شود و یا اگر ماه در شهر مشهد دیده شود، برای شهر تهران نیز ثابت می‌شود.
تبصره ۲. باید رؤیت هلال در آنجا از راه‌های شرعی و معتبر ثابت شود، تا برای کشور ما نیز اول ماه ثابت شود.

پرسش ۲۰۵. اگر هلال ماه در عراق دیده شود، آیا برای مردم ساکن تهران نیز اول ماه ثابت می‌شود؟
آیات عظام امام، بهجت، سیستانی، خامنه‌ای، مکارم و نوری: با توجه به اینکه اختلاف افق بین این دو مکان، کم و ناچیز است (تقریباً ده دقیقه)، اول ماه برای مردم ساکن تهران ثابت می‌شود. ۳۶
آیات عظام تبریزی، صافی، نوری و وحید: آری اول ماه برای آنان ثابت می‌شود. ۳۷

حکم حاکم

پرسش ۲۰۶. آیا حکم حاکم شرع، در ثبوت اول ماه، برای غیرمقلدان او نیز حجت است؟
همه مراجع (به جز سیستانی و وحید): آری، حکم حاکم شرع در ثبوت اول ماه، برای همه حجت است و باید به حکم او عمل کنند؛ مگر آنکه بفهمند حاکم شرع اشتباه کرده است. ۳۸
آیه‌الله سیستانی: اول ماه با حکم حاکم شرع ثابت نمی‌شود. ۳۹
آیه‌الله وحید: بنا بر احتیاط واجب، اول ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی‌شود. ۴۰

اخبار عادل

پرسش ۲۰۷. اگر چند نفر عادل شهادت بدهند که دو نفر عادل ماه را دیده‌اند؛ آیا اول ماه رمضان یا شوال ثابت می‌شود؟
همه مراجع: خیر، باید دو نفر عادل خودشان برای انسان شهادت بدهند که ماه را دیده‌اند و اگر رؤیت ماه را با واسطه نقل کنند، کافی نیست؛ مگر آنکه از گفته آنان، اطمینان به رؤیت هلال پیدا شود. ۴۱

چشم مسلح

پرسش ۲۰۸. آیا رؤیت ماه به وسیله چشم مسلح و تلسکوپ‌ها و وسایل نجومی، اعتبار دارد؟
همه مراجع (به جز خامنه‌ای و فاضل): خیر، مگر آنکه از این راه برای شخص اطمینان پیدا شود که اول ماه است. ۴۲
آیات عظام خامنه‌ای و فاضل: آری، اول ماه به وسیله چشم مسلح و تلسکوپ و یا وسایل نجومی، ثابت می‌شود. ۴۳

حدس و گمان

پرسش ۲۰۹. اگر از گفته عده‌ای حدس بزنیم که فردا عید فطر است، آیا می‌توانیم روزه بگیریم؟
همه مراجع: تا هنگامی که برای شخص اطمینان پیدا نشود که فردا عید فطر و اول شوال است، نمی‌تواند روزه را افطار کند. ۴۴

احکام زکات فطره

معنا و فلسفه فطره

پرسش ۲۱۰. معنای فطره و فواید پرداخت آن را توضیح دهید؟
«فطره» در لغت چند معنا دارد که مهم‌ترین آنها، خلقت و اسلام است. در اصطلاح عبارت است از: «زکاتی که هر مسلمان برای خود و هر کس که نان خور او محسوب می‌شود، به مستحق می‌پردازد». زمان ادای آن مغرب روز آخر ماه رمضان تا ظهر روز عید فطر است.
با توجه به اینکه پرداخت این نوع حق مالی، باعث سلامت جسم (خلقت) و روح می‌شود، آن را زکات بدن یا فطره می‌نامند. شاید وجه تناسب آن با معنای اسلام، این باشد که زکات فطره مقتضای اسلام است؛ از این رو کسی که پیش از غروب شب عید فطر مسلمان شود، تکلیف از او ساقط نمی‌شود.

«زکات فطره» به اتفاق شیعه و سنی، واجب است و در متون دینی برای آن، فلسفه و فواید متعددی برشمرده است که مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. زکات فطره مکمل و تمام کننده روزه است؛ همان گونه که درود و صلوات بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مکمل و تمام کننده نماز است. ۴۵
۲. باعث قبولی روزه ماه مبارک رمضان می‌گردد. ۴۶
۳. موجب حفظ انسان از مرگ در آن سال می‌شود. ۴۷
۴. باعث سلامتی جسم و پاکسازی روح از رزایل اخلاقی است. ۴۸
۵. مکمل و تمام کننده زکات مال است. ۴۹

فطریه دانشجو

پرسش ۲۱۱. آیا زکات فطره برای دانشجویی که در خوابگاه سکونت دارد، واجب است؟
همه مراجع: اگر مخارج او را پدر و مادر می‌دهند و نان خور ایشان محسوب می‌شود، بر عهده آنها است و اگر دانشجو مستقل است، بر عهده خودش می‌باشد. ۵۰

نان خور دولت

پرسش ۲۱۲. فطره دانشجویان و سربازانی که به طور رایگان از غذای دولتی استفاده می‌کنند، بر عهده چه کسی است؟
همه مراجع (به جز صافی، مکارم و نوری): بر عهده خودش است و چنانچه تمکن مالی نداشته باشد از او ساقط است. ۵۱
آیه‌الله نوری: در فرض یاد شده زکات فطره بر کسی واجب نیست. ۵۲
آیه‌الله مکارم: اگر تمکن مالی دارد، بنابر احتیاط واجب خودش بپردازد. ۵۳
آیه‌الله صافی: هر کدام تمکن داشته باشند، بنابر احتیاط خودشان بپردازند. ۵۴
تصریح از نظر کسانی که زکات فطره بر عهده دانشجو نیست؛ اگر وی تمکن مالی دارد، احتیاط مستحب آن است که خودشان بپردازند.

فطریه نامزد

پرسش ۲۱۳. فطره دختری که در حال عقد است، بر عهده کیست؟
همه مراجع: اگر نان خور پدرش باشد، بر عهده او است. ۵۵

فطریه جنین

پرسش ۲۱۴. آیا فرزندی که هنوز متولد نشده، زکات فطره دارد؟
همه مراجع: پرداخت زکات فطره برای بچه‌ای که در شکم مادر است، واجب نیست؛ مگر آنکه پیش از غروب شب عید فطر به دنیا آید. ۵۶

پرداخت فطریه به والدین

پرسش ۲۱۵. آیا زکات فطره را می‌توان به پدر و مادر خود، در صورت مستحق بودن، پرداخت کرد؟
همه مراجع: اگر پدر و مادر فقیر باشند، بر فرزندان واجب است که مخارج آنان را بپردازند و نمی‌توان چیزی از زکات فطره به ایشان داد. ۵۷

پرداخت فطریه به فرزند

پرسش ۲۱۶. آیا پدر می‌تواند زکات فطره را به فرزند خود که محتاج است، بدهد؟
همه مراجع: اگر فرزندان فقیر باشند، بر پدر و مادر واجب است که مخارج آنان را بپردازند و نمی‌توان چیزی از زکات فطره به آنها داد. ۵۸

احکام اعتکاف

اهمیت اعتکاف

پرسش ۲۱۷. درباره اهمیت اعتکاف و چگونگی آن توضیح دهید؟
«و عهدنا إلى إبراهيم و إسماعيل أن طهرا بيّتي للطائفين و العاكفين و الرُّكع السُّجود» ؛ «و ما به ابراهيم و اسماعيل امر كرديم كه خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و ركوع کنندگان و سجده کنندگان، پاك و پاکیزه کنید» ۵۹.
اعتکاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در اصطلاح فقه، عبارت است از: «ماندن حداقل سه روز در مسجد، به قصد عبادت خداوند، با شرایطی خاص».

مراسم اعتکاف، به زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بر می‌گردد و بعد از او در بعضی از شریعت‌ها و در زندگی برخی از صالحان - از جمله حضرت مریم و زکریا - به چشم می‌خورد. با ظهور دین اسلام این امر، شکل تازه‌ای به خود گرفت و در میان مسلمانان به عنوان يك عبادت مستحب با آداب و شرایط خاص، رایج شد.
اعتکاف عبادتی است که استحباب و فضیلت فراوان دارد و صفای خاصی به روح و جان می‌بخشد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) همه ساله در ماه رمضان - به ویژه دهه آخر آن - اعتکاف می‌کرد و دستور می‌داد رختخوابش را برچینند و چادری در مسجد بر پا کنند و همیشه می‌فرمود: «ده روز اعتکاف در ماه رمضان، برابر با دو حج و دو عمره است» ۶۰.

اعتکاف حکمت‌ها و فواید فراوانی دارد که بخشی از آنها عبارت است از:

- الف. ایجاد زمینه مناسب برای اندیشه و تفکر و خردورزی ؛
- ب. فراهم آمدن زمینه توبه و بازگشت ؛
- ج. فراهم شدن فرصت نیایش، نماز و تلاوت قرآن ؛
- د. به وجود آمدن دوره‌ای کوتاه برای محاسبه نفس و خودسازی که حداقل سه روز طول می‌کشد و انسان را از حاکمیت غریزه‌ها، عادت‌ها و اشتغالات معمول زندگی آزاد می‌سازد.
در زمینه اعتکاف توجه به چند امر ضروری می‌نماید:
۱. اصل اعتکاف مستحب است ؛ ولی گاهی به واسطه نذر، عهد، قسم و مانند آن واجب می‌شود.
۲. اعتکاف باید در یکی از مساجد چهارگانه و یا در مسجد جامع شهر باشد و در غیر آن صحیح نیست ۶۱.
۳. حداقل اعتکاف سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ؛ ولی بیش از آن اشکال ندارد.
۴. این عبادت را می‌توان به نیابت از مردگان انجام داد.
۵. اعتکاف زمان خاصی ندارد و در هر زمان که روزه صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است. بنابراین کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد (مانند مسافر، مریض، حائض و کسی که به عمد روزه گیرد) ؛ اعتکافش صحیح نیست.
بهترین زمان برای انجام دادن آن، ماه رمضان و دهه آخر آن است.
۶. اگر اعتکاف با حق شوهر منافات داشت، با اجازه او باشد.
۷. اگر اعتکاف باعث اذیت و آزار پدر و مادر شود، با اجازه آن دو باشد.

محرمات اعتکاف

پرسش ۲۱۸. محرمات اعتکاف کدام است؟

محرمات اعتکاف عبارت است از:

۱. نزدیکی با همسر،
۲. خرید و فروش غیر ضروری،
۳. استمنا (بنابر احتیاط واجب)،
۴. بوییدن عطر و گیاهان خوشبو به قصد لذت بردن،
۵. مجادله به منظور غلبه بر دیگری و اظهار فضل.

مکان اعتکاف

پرسش ۲۱۹. با توجه به اینکه اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد، آیا جایز است در مسجد دانشگاه اعتکاف را به قصد رجا انجام داد؟

همه مراجع (به جز خامنه‌ای): اعتکاف در مسجد دانشگاه صحیح نیست. ۶۲
آیه الله خامنه‌ای: به قصد رجا اشکال ندارد. ۶۳

اعتكاف در دانشگاه

پرسش ۲۲۰. آیا در ایام اعتكاف، رفتن به كلاس و شركت در درس‌ها جایز است؟
همه مراجع: خروج از مسجد و شركت در كلاس‌های درسی، اشكال دارد. ۶۴

پرسش ۲۲۱. آیا در حیاط مسجد هم اعتكاف صحیح است؟ همچنین در پشت بام و زیرزمین مسجد چطور؟
همه مراجع: اگر جزء مسجد باشد، صحیح است. ۶۵

نذر اعتكاف

پرسش ۲۲۲. با توجه به اینکه بیشتر مراجع، اعتكاف را تنها در مساجد جامع جایز می‌دانند؛ آیا دانشجویان می‌توانند نذر کنند که سه روز در مسجد دانشگاه اجتماع کنند و در این مدت به طور معمول به نماز و روزه و عبادت و اجرای برنامه‌های دینی بپردازند؟

همه مراجع: آری، نذر یاد شده صحیح است. ۶۶
تصیر. متعلق نذر به هر صورت که نیت شود، باید طبق آن عمل گردد. از این رو می‌توان روزهای عبادت و یا ساعت حضور را تغییر داد.

مطالعه هنگام اعتكاف

پرسش ۲۲۳. آیا می‌توانیم در روزهایی که معتكف هستیم، درس‌های خود را مطالعه و یا مسأله درسی حل کنیم؟
همه مراجع: آری، مانعی ندارد. ۶۷

تلفن هنگام اعتكاف

پرسش ۲۲۴. گفت‌وگو با تلفن همراه در مسجد، در موارد غیر ضروری و مکرر، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اشكال ندارد. ۶۸

اعتكاف بدون روزه

پرسش ۲۲۵. به علت بیماری از روزه گرفتن معذورم، آیا می‌توانم بدون روزه اعتكاف کنم؟
همه مراجع: خیر، چون روزه شرط صحت اعتكاف است. ۶۹
تصیر. تردیدی نیست که اصل توقف در مسجد و عبادت، خود مستحب و دارای ثواب است؛ هر چند به عنوان اعتكاف نباشد.

روزه اعتكاف

پرسش ۲۲۶. آیا روزه‌های قضای خود را می‌توانیم در اعتكاف بگیریم؟
همه مراجع: آری، جایز است. ۷۰

خروج از اعتكاف

پرسش ۲۲۷. در چه مواردی می‌توان از مسجد خارج شد؟
همه مراجع: خارج شدن از مسجد جایز نیست، مگر به جهت ضرورت عقلی، عرفی و شرعی؛ مانند: مراجعه به پزشک در موارد اضطرار، رفتن به دستشویی (ضرورت عقلی)، عیادت بیمار، تشییع جنازه مرده‌ای که با او نسبت دارد (ضرورت عرفی)، غسل کردن و وضو گرفتن (ضرورت شرعی). ۷۱

ترك اعتكاف

پرسش ۲۲۸. اگر کسی به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و خروج او طولانی گردد، اعتكافش چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر به قدری باشد که صورت اعتكاف را به هم زند، اعتكاف او باطل می‌شود. ۷۲

قطع اعتكاف

پرسش ۲۲۹. آیا قطع اعتكاف گناه دارد؟
همه مراجع: اگر اعتكاف واجب باشد و یا دو روز اعتكاف مستحبی را گذرانده باشد و بخواهد اعتكاف را به هم بزند،

معصیت کرده است. ۷۳
تبصره. اگر بخواهد برای قطع اعتکاف دچار معصیت نشود، می‌تواند پیش از اعتکاف، با خدای خود شرط کند که هر زمان برای او عذر و پیشامدی رخ داد، دست از اعتکاف بکشد. در این صورت قطع اعتکاف جایز است. ۷۴

نماز جمعه در اعتکاف

پرسش ۲۳۰. آیا برای رفتن به نماز جمعه، می‌توان از محل اعتکاف خارج شد؟
همه مراجع (به جز تبریزی، نوری و وحید): آری، جایز است. ۷۵
آیات عظام تبریزی و وحید: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. ۷۶
آیه‌الله نوری: جایز نیست. ۷۷
تبصره. بنابر فتوای کسانی که رفتن به نماز جمعه را در ایام اعتکاف جایز می‌دانند؛ باید حداقل زمان لازم رعایت شود تا شکل و صورت اعتکاف، به هم نخورد.

احکام خمس

اهمیت خمس

پرسش ۲۳۱. درباره خمس و اهمیت آن توضیح دهید؟
«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» ۷۸؛
«و بدانید که هر چه غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و از آن خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است».

«خمس» در لغت به معنای پنج يك می‌باشد و در اصطلاح فقه عبارت است از: «پرداخت يك پنجم درآمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات گوناگون، به دست می‌آید. ۷۹
خمس به امام (علیه السلام) و سادات اختصاص می‌یابد و باید آن را در عصر غیبت به فقیه جامع شرایط داد». ۸۰
شارع مقدس به صاحب مال، فرصت داده چنانچه تا يك سال، آن را در مؤونه و نیازهای خود و خانواده استفاده نکند و تمام و یا مقداری از آن تا پایان سال زیاد بیاید، خمس آن را بپردازد.
آیه خمس، در عصر رسالت، نازل شده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این فریضه را به اجرا درآورده است. به طور مسلم آن حضرت، خمس غنیمت‌های جنگی را دریافت می‌کرد. اما خمس سود تجارت - هر چند بنا به ضرورت و مصالحی - تا عصر امامان (علیهم السلام) به تأخیر افتاد؛ ولی بی‌شک وجود آن در دوره امامان، غیر قابل انکار است. ۸۱

«خمس» یکی از فریضه‌های اسلامی است و قرآن مجید آن را در کنار جهاد قرار داده و هر دو را از ریشه ایمان دانسته است؛ چه اینکه نشانه صداقت ایمان، مبارزه با مال اندوزی و تطهیر نفس است. حضرت باقر (علیه السلام) فرموده است: «برای هیچ کس جایز نیست از مالی که خمس به آن تعلق گرفته، چیزی بخرد؛ مگر اینکه حق ما را به ما برساند». ۸۲

آیه ۴۱ سوره «انفال» به طور روشن و صریح، بر اصل وجوب خمس دلالت می‌کند؛ از این رو شیعه و سنی بر اصل آن اتفاق نظر دارند. البته ممکن است دلالت آیه بر مواردی از آن (مانند درآمد کسب) روشن و شفاف نباشد؛ ولی بی‌شک به کمک روایات متعددی، به خوبی وجوب خمس درآمد استفاده می‌شود. ۸۳
خمس دارای حکمت‌ها و اسرار گوناگونی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. خمس به منظور تأمین هزینه‌های امام (علیه السلام) به عنوان رئیس حکومت، برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه، واجب گردیده است. ۸۴؛ از این رو در روایت از خمس به عنوان «وجه الاماره» یاد شده است. ۸۵
۲. خداوند متعال برای حفظ کرامت و عزت پیامبر اسلام، محل تأمین بودجه فقیران بنی هاشم و منسوبان به آن حضرت را از خمس قرار داد و سهم آنان را قرین سهم خود و رسول کرد تا زمینه تحقیر نسبت به آنان از بین برود. ۸۶

۳. خمس برای تأمین بودجه هر کار خیری است که امام بخواهد انجام دهد و برای هر موردی که صلاح بداند، مصرف کند. ۸۷

۴. خمس وسیله‌ای برای رشد و کمال انسان محسوب می‌شود که ادای آن، باعث جلب روزی و وسیله آمرزش گناهان می‌گردد. ۸۸

۵. خمس برای احیای دین خدا و تحقق حکومت اسلامی واجب گردیده است. ۸۹

پرسش ۲۳۲. مؤونه چیست؟

«مؤونه» به مخارجی گفته می‌شود که در زندگی، هزینه می‌گردد و شامل موارد ذیل است:

۱. هزینه‌های زندگی شخصی؛ مانند: خوراک و پوشاک، خانه مسکونی، وسایل زندگی، وسایل نقلیه، وسایل تحصیلی، رایانه، هزینه ازدواج و...؛
۲. هدایا و بخشش‌ها؛ مانند: خیرات، صدقات، جوایز و...؛
۳. مخارج سفر حج (واجب و مستحب)، سفر زیارت، گردش و تفریح؛
۴. حقوقی که بر عهده شخص است؛ مانند: دیه، غرامت و کفاره ۹۰.۹۱

خمس درآمد دانشجو

پرسش ۲۳۳. آیا به درآمد دانشجویی که تحت تکفل خانواده است، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: چنانچه از درآمد کسب تهیه شده و یک سال از آن گذشته باشد، خمس دارد. ۹۲
تبصره. حکم درآمدهایی مانند هدیه، جایزه و... در بخش «خمس هدیه» بیان شد.

خمس کمک هزینه

پرسش ۲۳۴. آیا به پولی که در مدت تحصیل در دانشگاه به عنوان کمک هزینه دریافت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: خیر، خمس ندارد. ۹۳

تبصره ۱. کمک هزینه تحصیلی، وامی است که در مدت تحصیل، به دانشجویان پرداخت می‌شود و اقساط آن چند سال بعد، باز پس گرفته می‌شود.

تبصره ۲. چنانچه کمک هزینه تحصیلی تا پس از پرداخت اقساط آن پس انداز شود، به اصل و سود آن خمس تعلق می‌گیرد.

خمس کتاب

پرسش ۲۳۵. آیا به کتاب‌هایی که برای ترم‌های آینده تهیه می‌کنیم، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز بهجت، فاضل، نوری): در فرض یاد شده خمس دارد مگر آنکه داشتن آنها مورد نیاز و در شأن شخص باشد، در این صورت خمس ندارد. ۹۴
آیات عظام بهجت، فاضل و نوری: آری، خمس دارد؛ مگر آنکه نتوانید در سال آینده تهیه کنید، در این صورت خمس ندارد. ۹۵

خمس درآمد زن

پرسش ۲۳۶. آیا به درآمد زنی که برای خود کسبی داشته و مخارج او را شوهر می‌دهد، خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع: آری، باید خمس آن را بدهد؛ ولی اگر مقداری از آن را در نیازهای زندگی خرج کرده باشد، تنها باید خمس باقی مانده را بدهد. ۹۶

خمس بورسیه

پرسش ۲۳۷. آیا پولی که به عنوان بورسیه به دانشجو می‌دهند، خمس دارد؟

همه مراجع: آری، چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد. ۹۷

تبصره. دانشجویان بورسیه دبیری و... کسانی‌اند که چند سال آموزش می‌بینند و در این مدت، از سوی دانشگاه یا وزارتخانه مربوطه حقوق دریافت می‌کنند و تعهد می‌دهند که پس از پایان تحصیلات، در مقابل حقوق دریافت شده، خدمت کنند. این حقوق تفاوتی با سایر درآمدها ندارد؛ از این رو به آن خمس تعلق می‌گیرد.

خمس سپرده‌گذاری

پرسش ۲۳۸. آیا به پولی که در بانک سپرده‌گذاری شده و از درآمد (سود) آن ارتزاق می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، سیستانی، فاضل و مکارم: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد کسب باشد، خمس دارد. [اما در صورتی

که] با پرداخت خمس (هر چند به صورت اقساط) نتواند زندگی خود را اداره کند، خمس ندارد. ۹۸
آیات عظام بهجت، تبریزی و نوری: اگر از درآمد کسب باشد، آن مقدار از پول سپرده - که اداره زندگی به آن بستگی دارد - خمس ندارد؛ ولی به مقدار بیشتر از آن، خمس تعلق می‌گیرد. ۹۹
آیات عظام خامنه‌ای، صافی و وحید: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد کسب باشد، خمس دارد و چنانچه نمی‌تواند با پرداخت خمس آن، امرار معاش کند، می‌تواند با حاکم شرع دستگردان نماید. ۱۰۰
تبصره ۱. به سود حاصل از آن، خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره ۲. اگر پول سپرده‌گذاری از راه هدیه، جایزه و مانند آن به دست آمده باشد، حکم اصل را دارد. ۱۰۱

خمس سهام بورس

پرسش ۲۳۹. آیا سهامی که از سازمان بورس خریداری می‌کنیم، خمس دارد؟
همه مراجع: آری، سر سال باید خمس آن را بدهید؛ چون حکم سرمایه را دارد. ۱۰۲

خمس شرکت

پرسش ۲۴۰. اگر شریک من، خمس سهم و سرمایه خود را ندهد، تکلیف چیست؟ آیا ادامه شرکت با او جایز است؟
همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): هیچ کدام نمی‌توانید در آن تصرف کنید و ادامه شرکت با او جایز نیست؛ مگر آنکه از حاکم شرع اجازه بگیرید. ۱۰۳
آیات عظام تبریزی و سیستانی: اگر شما خمس سهم و درآمد خود را بدهید، می‌توانید در سرمایه مشترک تصرف کنید. ۱۰۴

خمس هدیه

پرسش ۲۴۱. اگر چیزی به انسان هدیه یا جایزه بدهند، آیا باید خمس آن را پرداخت؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: هدیه، خمس ندارد. ۱۰۵
آیات عظام بهجت، فاضل و مکارم: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، بنابر احتیاط واجب، باید خمس آن را بدهد. ۱۰۶
آیات عظام تبریزی و وحید: چنانچه مقدار آن زیاد و قابل توجه باشد و از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. ۱۰۷
آیات عظام سیستانی و صافی: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد. ۱۰۸

پرسش ۲۴۲. آیا به پولی که برای خرید وسایل ضروری زندگی ذخیره می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: چنانچه سال خمسی از آن بگذرد، خمس دارد. ۱۰۹
آیه‌الله بهجت: اگر بدون پس‌انداز کردن، نمی‌توانند وسایل مورد نیاز خود را در آینده تهیه کنند؛ چنانچه پس‌انداز کوتاه مدت (مثلاً تا سه سال) باشد، خمس ندارد. ۱۱۰
آیات عظام فاضل و نوری: اگر بدون پس‌انداز کردن، نمی‌توانند وسایل مورد نیاز خود را در آینده تهیه کنند، خمس ندارد. ۱۱۱
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر برای تهیه وسایل مورد نیاز در آینده نزدیک (مثلاً تا سه ماه پس از سال خمسی) پس‌انداز شده باشد و با پرداخت خمس آن نتواند آنها را تهیه کند، خمس ندارد. ۱۱۲
آیه‌الله صافی: اگر هم اکنون به آن وسیله نیاز دارد و تهیه آن بدون پس‌انداز در مدت چند سال ممکن نباشد، خمس ندارد. ۱۱۳
تبصره. چنانچه در آینده با پس‌انداز خود، لوازم مورد نیاز خویش را تهیه نکند، باید خمس آن را بدهد.

خمس وام مسکن

پرسش ۲۴۳. آیا به پولی که جهت گرفتن وام مسکن، در بانک گذاشته می‌شود و چندین سال از آن می‌گذرد، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم و وحید: آری، خمس دارد. ۱۱۴
آیات عظام بهجت، فاضل و نوری: اگر برای تهیه خانه مورد نیاز، راهی جز این ندارد، به پول پس‌انداز شده خمس تعلق نمی‌گیرد. ۱۱۵

آیه‌الله صافی: اگر خانه مسکونی در حال حاضر مورد نیاز او و در شأنش باشد و راهی جز طریق یاد شده ندارد، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد. ۱۱۶

تبصره. بنا بر نظر مراجعی که معتقدند پول مزبور خمس ندارد؛ چنانچه در آینده، صرف خرید منزل نشود، خمس آن را باید بدهد.

خمس فیش حج عمره

پرسش ۲۴۴. کسانی که قصد تشریف به حج و عمره دارند، برای حفظ نوبت باید مبلغ مقرری را به بانک بپردازند که این مبلغ مطابق قرارداد مضاربه است و سودی نیز به آن تعلق می‌گیرد. زمانی که نوبت تشریف آنان فرا می‌رسد، اصل پول و سود را دریافت و به سازمان حج و زیارت می‌پردازند و به عمره و حج مشرف می‌شوند و چنانچه کسی این پول را به بانک نپردازد، نوبتی برای تشریف او منظور نخواهد شد؛ آیا در این فرض به اصل پول و سود آن خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز بهجت و مکارم): اگر در سال سپرده‌گذاری پول به بانک (همان سال خمسی) به حج مشرف شود، خمس ندارد؛ ولی اگر نوبت حج پس از آن سال است، به اصل پول سپرده‌گذاری خمس تعلق می‌گیرد، اما سود آن اگر قابل وصول نباشد و برای تشریف به حج از آن استفاده شود خمس ندارد. ۱۱۷

آیه‌الله بهجت: اگر برای رفتن به حج و عمره چاره‌ای جز سپرده‌گذاری و ثبت نام ندارد، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد. ۱۱۸

آیه‌الله مکارم: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد سالی باشد که نام نویسی کرده، خمس ندارد (نه اصل و نه سود آن). ۱۱۹

تبصره. حکم یاد شده در صورتی است که شخص با بانک قرارداد شرعی (مانند مضاربه و...) انجام دهد.

خمس وسایل ضروری

پرسش ۲۴۵. به جهت نیاز وسایلی خریده‌ام؛ ولی با اینکه بیش از یک سال از خرید آنها می‌گذرد، هیچ استفاده‌ای نکرده‌ام، آیا به اینها خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز سیستانی و وحید): چنانچه در معرض استفاده بوده، خمس ندارد. ۱۲۰

آیه‌الله سیستانی: باید خمس آن را بپردازد؛ مگر اینکه وجود آن در خانه ضروری باشد و در وقت نیاز نتواند فوری آن را تهیه کند. در این صورت اگر تهیه آن از قبل، متعارف باشد، خمس ندارد. ۱۲۱

آیه‌الله وحید: خمس دارد. ۱۲۲

تبصره. هر چند عبارت رساله‌ها در مورد «کتاب» است؛ ولی کتاب خصوصیتی ندارد و این حکم شامل هر وسیله‌ای است که مورد نیاز انسان باشد.

خمس زمین

پرسش ۲۴۶. از درآمد خود، زمینی خریده‌ام تا دو سال دیگر آن را بسازم و در آن زندگی کنم، آیا سر سال به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز تبریزی، مکارم و وحید): چنانچه برای تهیه خانه مسکونی، راهی جز نگه داشتن زمین تا چند سال نیست، خمس ندارد. ۱۲۳

آیات عظام تبریزی و وحید: باید خمس زمین را به قیمت فعلی بدهد. ۱۲۴

آیه‌الله مکارم: خمس ندارد. ۱۲۵

خمس رهن

پرسش ۲۴۷. آیا به پولی که از درآمد کسب تهیه شده و به عنوان رهن به صاحبخانه پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

آیات عظام امام و سیستانی: خمس دارد و هر زمان دریافت شد یا دریافت آن ممکن گردید، باید فوری خمس آن را بپردازد. ۱۲۶

آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل و وحید: چنانچه بدون پول رهن، نیاز مسکن او تأمین نمی‌شود، خمس ندارد و هر زمان آن را باز پس گرفت و نیازی به آن نداشت و از مخارج سال زیاد آمد، خمس دارد. ۱۲۷

آیه‌الله خامنه‌ای: هنگامی که برای این منظور نیاز دارد، پرداخت خمس آن واجب نیست؛ ولی هر زمان آن را باز پس

گرفت، باید خمس آن را بدهد؛ مگر آنکه برای اجاره در جای دیگر، به آن نیاز داشته باشد. ۱۲۸
آیات عظام صافی و مکارم: پول رهن جزء مؤونه است و خمس ندارد؛ ولی اگر آن را باز پس گرفت و نیازی به آن
نداشت، بنابر احتیاط خمس آن را بپردازد. ۱۲۹
آیه‌الله نوری: اگر نتواند خانه را از راه دیگری اجاره کند، به مبلغ مذکور خمس تعلق نمی‌گیرد. ۱۳۰
تبصره. اصطلاح «رهن» در رهن و اجاره خانه غلط مشهور است، اصطلاح قرض و اجاره (اجاره به شرط قرض)
صحیح است. از این رو اصل قرض خمس ندارد.

خمس پول ازدواج

پرسش ۲۴۸. آیا به پولی که انسان برای ازدواج ذخیره کرده، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و صافی: خمس دارد. ۱۳۱
آیه‌الله بهجت: چنانچه پس‌انداز کوتاه مدت و در حد متعارف (مثلاً تا سه سال) باشد، خمس ندارد. ۱۳۲
آیات عظام فاضل و نوری: چنانچه بدون پس‌انداز نمی‌تواند در آینده ازدواج کند، خمس ندارد. ۱۳۳
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر برای تهیه هزینه‌های ازدواج در آینده نزدیک (مثلاً تا سه ماه پس از سال خمسی) پس‌انداز شده
باشد و با پرداخت خمس آن، نتواند آنها را تهیه کند، خمس ندارد. ۱۳۴

خمس جهیزیه

پرسش ۲۴۹. شخصی وسیله‌ای برای جهیزیه دختر خود خریده و چندین سال نگه داشته است؛ اکنون نمی‌خواهد آن
را به عنوان جهیزیه به دختر بدهد. حال اگر آن را برای زندگی خویش استفاده کند، باز باید خمس آن را بپردازد یا
نه؟ اگر بفروشد چطور؟
همه مراجع: اگر جهیزیه را به دختر بخشیده، جایز نیست آن را از او بگیرد و اگر نبخشیده، باید خمس آن را
بپردازد. ۱۳۵

خمس موبایل و خودرو

پرسش ۲۵۰. آیا به پول درآمدی که برای تهیه موبایل و خودروی مورد نیاز، به حساب ریخته می‌شود و سال هم بر
آن می‌گذرد، خمس تعلق می‌گیرد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، صافی و وحید: خمس دارد. ۱۳۶
آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل و نوری: چنانچه خودرو، مورد نیاز بوده و تنها راه تهیه آن، واریز کردن پول به
حساب است، خمس ندارد. ۱۳۷
آیه‌الله مکارم: اگر به عنوان پیش‌خرید به حساب ریخته است، خمس ندارد و چنانچه به صورت ودیعه باشد، خمس
دارد. ۱۳۸
تبصره ۱. پولی که به سازمان مربوطه ریخته می‌شود، چنانچه سود داشته باشد و یک سال از آن بگذرد، به سود آن
خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره ۲. حکم بالا به خودرو اختصاص ندارد؛ بلکه هر گونه وسیله مورد نیازی را که با ثبت نام خریداری شود،
شامل می‌شود.

خمس قرض الحسنه

پرسش ۲۵۱. به پولی که از درآمد کسب تهیه شده و به عنوان قرض الحسنه به دیگری داده‌ایم، آیا خمس تعلق
می‌گیرد؟
همه مراجع: چنانچه سرسال خمسی دریافت آن (بدون زحمت) ممکن باشد، باید خمس آن را بپردازد و در غیر این
صورت هر زمان دریافت کرد، باید فوری خمس آن را بدهد. ۱۳۹

بدهی مؤجل

پرسش ۲۵۲. بدهی که به جهت نیاز زندگی بوده و چند ماه بعد از سال خمسی، زمانش فرا می‌رسد؛ آیا می‌توان
هنگام محاسبه مقدار آن را از درآمد کم کرد؟
همه مراجع: اگر بدهی را پیش از سال خمسی ادا کند، به مقدار آن، از درآمد کسر می‌شود. ۱۴۰

خمس طلا

پرسش ۲۵۳. خانمی از حقوق خود طلا و زیورآلاتی که همیشه خود را با آن زینت می‌کند، خریده است. شوهرش پولی ندارد که وی بتواند در این زمینه صرف کند، آیا دادن خمس این گونه خریدها بر زن لازم است؟ همه مراجع: اگر به مقدار متعارف و مناسب شأن او باشد، خمس ندارد. ۱۴۱

خمس سکه

پرسش ۲۵۴. آیا به سکه بهار آزادی، خمس تعلق می‌گیرد؟ همه مراجع: اگر از درآمد کسب تهیه شده و از مخارج سال زیاد بیاید، خمس دارد. ۱۴۲
تبصره ۱. سکه بهار آزادی جزء مؤونه (هزینه زندگی) شمرده نمی‌شود؛ از این رو سر سال به آن خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره ۲. بنابر نظر مراجعی که معتقدند هدیه خمس دارد، چنانچه سکه بهار آزادی به آنها بخشیده شود و از مخارج سال زیاد بیاید، خمس دارد.

پرداخت خمس

پرسش ۲۵۵. خمس را باید به چه کسی پرداخت کرد؟ امام: باید به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیّت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بپردازد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. ۱۴۳
آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم، نوری و وحید: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیّت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بدهد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. سهم سادات را بنابر احتیاط واجب، باید به مرجع تقلید خود و یا با اجازه او به سادات بدهد. ۱۴۴
آیه‌الله تبریزی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برساند و چنانچه بخواهد به مجتهد دیگری بدهد، بنابر احتیاط واجب باید از مرجع تقلید خود، اجازه بگیرد. سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد. ۱۴۵
آیه‌الله سیستانی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد، برساند و احتیاط واجب آن است که او مرجع علم و آگاه بر جهات عامه باشد. سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد. ۱۴۶
آیه‌الله خامنه‌ای: باید خمس را به ولی امر مسلمین یا وکیل او بدهد و اگر به فتوای مرجع تقلید خود نیر عمل کند، موجب برائت ذمه می‌شود. ۱۴۷
آیه‌الله صافی: باید سهم امام را به مرجع تقلید خود یا مجتهدی که مانند او از نظر کمیّت و کیفیت به مصرف می‌رساند، بدهد و نیز می‌تواند در جایی مصرف کند که مرجع تقلیدش اجازه می‌دهد. سهم سادات را می‌توان به خود آنان داد. ۱۴۸
تبصره. خمس دو قسمت می‌شود: نصف آن سهم امام و نصف دیگر سهم سادات است. آیات عظام سیستانی، تبریزی و صافی در پرداخت سهم سادات، اجازه مجتهد را لازم نمی‌دانند.

مصرف خمس

پرسش ۲۵۶. آیا می‌توان خمس را در امور فرهنگی و احداث اماکن علمی و دانشگاهی، مصرف کرد؟ همه مراجع: باید طبق اجازه حاکم شرع مصرف شود. ۱۴۹

سهم سادات

پرسش ۲۵۷. آیا به سیدی که بیش از مخارج سالش داشته باشد، می‌توان خمس داد؟ همه مراجع: خیر، در سهم سادات «فقر» شرط است. ۱۵۰

زن سیده

پرسش ۲۵۸. آیا می‌توان به زن سیده‌ای که فقیر است و شوهرش قادر به اداره زندگی او نیست، سهم سادات داد؟ آیات عظام امام و خامنه‌ای: با اجازه حاکم شرع اشکال ندارد. ۱۵۱
آیات عظام بهجت، فاضل، مکارم، نوری و وحید: بنابر احتیاط واجب، باید با اجازه حاکم شرع انجام گیرد. ۱۵۲
آیات عظام تبریزی، سیستانی و صافی: آری، جایز است. ۱۵۳

پرسش ۲۵۹. آیا در پرداخت خمس لازم است به مستحق گفته شود که این پول خمس است؟
همه مراجع: خیر، لازم نیست گفته شود؛ بلکه می‌تواند به عنوان هدیه به او بدهد و نیت خمس کند. ۱۵۴
تبصره. فرض مسئله جایی است که شخص برای به مصرف رساندن سهم سادات (طبق برخی فتاوا) و سهم امام
(علیه السلام)، از حاکم شرع اجازه گرفته باشد.

پرسش ۲۶۰. از کسی طلبکار هستم؛ آیا جایز است طلب خود را بابت خمس حساب کنم؟
آیات عظام امام، بهجت، فاضل و نوری: اگر بدهکار مستحق است، باید با اجازه حاکم شرع باشد. ۱۵۵
آیه‌الله تبریزی: اگر بدهکار مستحق است، در مورد سهم سادات می‌تواند طلب خود را بابت خمس حساب کند؛ ولی
نسبت به سهم امام (علیه السلام) بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه حاکم شرع باشد. ۱۵۶
آیه‌الله سیستانی: اگر بدهکار مستحق است، در مورد سهم سادات می‌تواند از مستحق وکالت گرفته و از جانب او قبض
نموده و بابت طلبش دریافت کند و نسبت به سهم امام (علیه السلام)، باید با اجازه حاکم شرع باشد. ۱۵۷
آیه‌الله صافی: اگر بدهکار مستحق است، می‌تواند سهم سادات را به او بدهد و تعد مستحق بابت بدهی، به او برگرداند،
ولی نسبت به سهم امام (علیه السلام) باید با اجازه حاکم شرع باشد. ۱۵۸
آیه‌الله مکارم: اگر بدهکار مستحق است، در مورد سهم سادات می‌تواند طلب خود را بابت خمس حساب کند، ولی
نسبت به سهم امام (علیه السلام)، باید با اجازه حاکم شرع باشد. ۱۵۹
آیه‌الله وحید: اگر بدهکار مستحق است، بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه حاکم شرع باشد. ۱۶۰
تبصره. فرض مسئله جایی است که طلب انسان پول است، نه جنس و کالا.

سال خمسی

پرسش ۲۶۱. شخص از چه زمانی باید سال خمسی داشته باشد؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و فاضل: آغاز سال خمسی برای کسانی که درآمد تدریجی روزانه دارند
(مانند تاجر و کاسب)، از وقتی است که شروع به کار می‌کند و برای کارمند و کارگر اولین درآمد و حقوق آنان
است و برای کشاورز و مانند آن، از اولین محصولی است که برداشت می‌کند و چنانچه از مخارج سال زیاد آمد، باید
خمس آن را بپردازد. ۱۶۱
آیات عظام تبریزی، مکارم و نوری: آغاز سال خمسی برای هر کس، اولین درآمد او است و چنانچه از مخارج سال
زیاد آمد، باید خمس آن را بپردازد. ۱۶۲
آیات عظام سیستانی و وحید: آغاز سال خمسی برای هر کس، از وقتی است که شروع به کار می‌کند و چنانچه از
مخارج سال زیاد آمد، باید خمس آن را بپردازد. ۱۶۳

زمان خمس

پرسش ۲۶۲. کسی که درآمد او کمتر از مخارجش باشد و در عین حال سر سال مقداری پول، خوراکی و... زیاد
می‌آورد، آیا باز هم واجب است حساب سال داشته باشد و خمس بپردازد؟
همه مراجع (به جز بهجت و نوری): آری اگر درآمد او تا یک سال در نیازهای زندگی مصرف نشود و سر سال زیاد
بیاورد، باید خمس آن را بدهد. ۱۶۴
آیات عظام بهجت و نوری: خیر و چنانچه سر سال پول و یا چیزهایی از مؤونه زیاد بیاورد، می‌تواند آنها را در مخارج
مورد نیاز صرف کند و خمس ندارد. ۱۶۵

پرسش ۲۶۳. آیا پرداخت خمس به صورت اقساط جایز است؟
همه مراجع: خیر، پرداخت خمس به صورت اقساط جایز نیست؛ ولی اگر حاکم شرع صلاح بداند، می‌تواند با او یا
نماینده‌اش، مقدار بدهی خود را دستگردان کند و به ذمه بگیرد و به صورت اقساط بپردازد. ۱۶۶

محاسبه خمس

پرسش ۲۶۴. راه محاسبه خمس را ذکر کنید.
کشاورزان، کارمندان، کارگران، کاسب‌ها و کسانی که درآمد کسب دارند، باید برای خود حساب سال خمسی داشته
باشند و جهت محاسبه خمس، به صورت زیر عمل کنند:

هنگامی که از دریافت اولین درآمد ۱۶۷ يك سال گذشت، آن روز، وقت حساب سال است. هر چه از مؤونه که مورد استفاده قرار می‌گیرد و عین آن از بین می‌رود (مانند خوراکی‌ها، موادهای شوینده، وسایل تحصیلی دفتر، خودکار و غیر آنها) چنانچه تا آخر سال خمسی زیاد بیاید و در بازار ارزشی داشته باشد، باید خمس (يك پنجم) آن را با قیمت روز بپردازند. چیزهایی از مؤونه که مورد نیاز انسان است و با استفاده عین آن، از بین نمی‌رود (مانند وسایل زندگی مثل فرش، یخچال، وسیله نقلیه و...)، هر چند سال هم بر آنها بگذرد، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد. ۱۶۸

مثال: کارمندی در پایان خرداد سال ۸۰، اولین حقوق خود را دریافت می‌کند؛ حساب سال او پایان خرداد سال ۸۱ است. در این تاریخ ده کیلو برنج، پنج کیلو لپه، پنج عدد تاید و مبلغ پنجاه هزار تومان زیاد آمده است. او باید يك پنجم هر يك از اجناس بالا را جدا کرده و بابت خمس بپردازد و جایز است قیمت آن را به روز حساب کرده و يك پنجم آن را به صورت پول نقد بدهد.

تبصره ۱. کسی که شغل ندارد، اگر اتفاقا معامله‌ای کند و سودی ببرد - بعد از آنکه يك سال از وقتی که فایده برده، بگذرد - باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد. ۱۶۹

تبصره ۲. درباره خمس بعضی از درآمدها (مانند حقوق خانواده شهدا، هدیه، جایزه بانکی و...) میان مراجع تقلید اختلاف نظر هست.

پرسش ۲۶۵. اگر مال مخمس با مال غیرمخمس، در يك حساب بانکی جمع شود؛ آیا می‌توانیم برای مخارج زندگی نیت کنیم مال غیرمخمس کسر شود؟

آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، سیستانی و نوری: آری، جایز است. ۱۷۰

آیات عظام خامنه‌ای، فاضل، مکارم و وحید: خیر، جایز نیست؛ بلکه باید در پایان سال، خمس باقی‌مانده را به نسبت اموال بپردازید؛ مگر آنکه پیش از هزینه کردن، آن دو را جدا و از مال غیرمخمس خرج کنید. ۱۷۱

آیه‌الله صافی: بنابر احتیاط واجب، باید در پایان مال، خمس باقیمانده را به نسبت اموال بپردازید؛ مگر آنکه پیش از هزینه کردن، آن دو را جدا و از مال غیرمخمس خرج کنید. ۱۷۲

فرار از خمس

پرسش ۲۶۶. آیا شخص قبل از رسیدن سال، می‌تواند اموال خود را به قصد فرار از خمس به همسرش ببخشد تا بعد از سال خمسی، او دوباره همان پول را به شوهرش ببخشد؟

همه مراجع (به جز مکارم): خیر، باید خمس آن را سر سال بپردازد. ۱۷۳

آیه‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب، باید خمس آن را سر سال بپردازد. ۱۷۴

پرسش ۲۶۷. آیا به پولی که خمس تعلق گرفته، جایز است به مقدار خمس جدا کرد و در بقیه آن تصرف نمود؟

همه مراجع (به جز بهجت): خیر، جایز نیست؛ مگر با اجازه حاکم شرع. ۱۷۵

آیه‌الله بهجت: آری، اشکال ندارد. ۱۷۶

مال خمس نداد

پرسش ۲۶۸. رفت و آمد با خانواده‌ای که خمس پرداخت نمی‌کنند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): معاشرت با آنان اشکال ندارد و اگر یقین نداشته باشد به غذای آنها خمس تعلق گرفته، خوردن آن نیز جایز است و چنانچه احتمال تأثیر بدهد، آنان را ارشاد کند. ۱۷۷

آیات عظام تبریزی و سیستانی: معاشرت با آنان اشکال ندارد و می‌تواند از غذای آنها استفاده کند؛ هر چند بدانند که خمس آن پرداخت نشده است. چنانچه احتمال تأثیر بدهد، آنان را ارشاد کند. ۱۷۸

پرسش ۲۶۹. جنسی که به آن خمس تعلق گرفته فروخته‌ام؛ آیا می‌توانم در پولی که به دست آورده‌ام، تصرف کنم؟ وظیفه‌ام چیست؟

همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): معامله يك پنجم جنس فضولی است و نیاز به اجازه حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط) دارد. اگر آن را امضا کرد، خریدار باید خمس جنس را به حاکم شرع بدهد و به مقدار آن از شما پس بگیرد. ۱۷۹

آیات عظام تبریزی و سیستانی: باید خمس جنس را بدهید و بر خریدار چیزی نیست. ۱۸۰

احکام نذر

اهمیت نذر

پرسش ۲۷۰. درباره اهمیت نذر و سابقه تاریخی آن توضیح دهید؟
«يُؤْفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» ؛ «آنان به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است (قیامت) می‌ترسند». ۱۸۱

«نذر» در لغت به معنای وعده دادن و پیمان به چیزی است و در اصطلاح پیمان خاصی با خداوند است که انسان آن را بر خود واجب می‌کند. نذر به دو صورت می‌تواند انجام گیرد: نذر مشروط و نذر مطلق.
«نذر مشروط» آن است که شخص به خاطر انجام دادن عمل نیک و یا اجتناب از کار ناشایست، آن را بر خود واجب می‌کند تا در نتیجه آن، خداوند متعال حاجت او را برآورد. به عنوان مثال می‌گوید: «اگر فرزندم خوب شد و سلامتی خود را بازیافت، هزار تومان به فقیر کمک می‌کنم».
«نذر مطلق» نذری است که هیچ قید و شرطی در آن مطرح نیست؛ به عنوان مثال می‌گوید: «من برای خدا نذر می‌کنم که نماز شب بخوانم».

نذر دارای پیشینه زیادی است و انسان در طول تاریخ از آن سود جسته و با نذر سعی کرده تا رضایت معبود خویش را در جهت تأمین نیازهایش جلب کند. این امر همواره مورد توجه پیامبران و امت‌های گذشته بوده ۱۸۲ و در اسلام نیز مشروعت یافته است. قرآن کریم در آیاتی، داستان نذر حضرت مریم (علیها السلام) و مادرش را بیان می‌کند. ۱۸۳ همچنین ویژگی‌های بندگان خدا را وفای به نذر برمی‌شمارد: «آنان به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است (قیامت) می‌ترسند». ۱۸۴

امام صادق (علیه السلام) در شأن نزول این آیه می‌فرماید: «هنگامی که حسن و حسین (علیهم السلام) مریض بودند، روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به ملاقات آنان آمد و به علی (علیه السلام) فرمود: خوب است جهت سلامتی فرزندان نذر کنی. علی (علیه السلام) فرمود: من نذر می‌کنم: «چنانچه این دو بهبود یابند، سه روز را به جهت تشکر از خداوند روزه بگیرم». سپس فاطمه (علیها السلام) و فضه (خدمتگزار آنان)، همین نذر را تکرار کردند. خدای متعال نیز لباس عافیت به اندام آن دو امام پوشاند و ایشان نیز روزه گرفتند» ۱۸۵.
نذر ممکن است حکمت‌های گوناگونی داشته باشد که مهم‌ترین آنها، رسیدن به مطلوب و برآورده شدن حاجت و تقویت انگیزش در جهت سیر و سلوک معنوی است.

نذر یکی از احکام عملی و جاری اسلام و دارای احکام و شرایطی است. این عمل نیاز به صیغه خاص دارد که اگر به هر زبانی خوانده شود، کفایت می‌کند. البته باید نام «الله» یا ترجمه آن ذکر شود. بدون رعایت این شرایط، نذر تحقق نمی‌یابد. پس اگر بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده تومان به فقیر بدهم»، نذر او صحیح است.

شرایط نذر

پرسش ۲۷۱. شرایط نذر کدام است؟

شرایط نذر عبارت است از:

۱. نذر کننده بالغ باشد، عاقل و با قصد و اختیار باشد.

۲. انجام دادن آن ممکن باشد.

۳. انجام دادن آن مطلوب شرع باشد (مانند نماز، روزه، قربانی کردن، کمک به دیگران، عیادت مریض و ...).

۴. ترک آنها مطلوب شرع باشد (ترک حرام یا مکروه).

تیسره. اگر متعلق نذر مباح باشد؛ یعنی، انجام دادن یا ترک آن از هر جهت مساوی باشد، نذر باطل است. اما اگر انجام دادن یا ترک آن، از جهتی بهتر باشد، صحیح است. برای مثال نذر کند: غذایی بخورد که برای عبادت نیرو بگیرد و یا غذایی نخورد که مایه سستی بدن او از انجام دادن عبادت می‌شود.

صیغه نذر

پرسش ۲۷۲. صیغه نذر چیست و آیا جمله خاصی دارد؟

همه مراجع: آری، نذر صیغه خاصی دارد؛ برای مثال شخصی در مورد شفا یافتن بیماری اش نذر می‌کند که مبلغی به فقیر بدهد؛ پس چنین می‌گوید: «إِنَّ شَفَى اللَّهِ مَرَضِي فَلِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُعْطِيَ الْفَقِيرَ كَذَا». البته لازم نیست به عربی

بخواند. همین اندازه کافی است که بگوید: اگر بیماری من شفا یابد، برای خدا بر عهده من است که فلان مبلغ را به فقیر بدهم. ۱۸۶

تغییر نذر

پرسش ۲۷۳. آیا تغییر نذر جایز است؟ برای مثال کسی که نذر کرده در روز عاشورا، به مردم حلیم بدهد، آیا می‌تواند به جای آن خوراکی دیگری بدهد؟ یا حلیم را در روزهای دیگر ماه محرم به مصرف برساند؟ همه مراجع: اگر نذر طبق صیغه معتبر شرعی بوده، تغییر آن جایز نیست؛ بلکه باید به همان صورت که نذر کرده، عمل کند و در غیر این صورت تغییر مورد نذر، اشکال ندارد. ۱۸۷

عمل به نذر

پرسش ۲۷۴. آیا عمل به نذر فوری است؟ مثلاً چنانچه شخص نذر کند که اگر حاجتش برآورده شود، ده روز روزه بگیرد؛ آیا باید بلافاصله این کار را بکند؟ همه مراجع: اگر برای گرفتن روزه‌ها زمان معین نکرده، لازم نیست بعد از برآورده شدن حاجتش، بلافاصله روزه بگیرد. ۱۸۸
تبصره. البته سهل انگاری و کوتاهی در عمل به نذر، جایز نیست.

زمان نذر

پرسش ۲۷۵. اگر انسان برای نذر خود وقت تعیین کند؛ ولی در زمان خود نتواند آن را انجام دهد، وظیفه‌اش چیست؟ همه مراجع: اگر نذر او روزه است، چنانچه در وقت عمل به آن عذری مانند بیماری، سفر ضروری و... پیش آید، عمل به آن واجب نیست و کفاره هم ندارد ولی باید قضای آن را بجا آورد. و در غیر روزه، اگر در وقت انجام دادن نذر، نتواند آن را به جا آورد، تکلیف از او ساقط است و کفاره هم ندارد. ۱۸۹

شك در نذر

پرسش ۲۷۶. نذری کرده‌ام، ولی بین دو چیز (روزه گرفتن و صدقه دادن به فقیر) شك دارم و نمی‌دانم کدام يك از آن دو است؛ تکلیف چیست؟ همه مراجع: باید احتیاط کرده و به هر دو عمل کنید. ۱۹۰

فراموشی نذر

پرسش ۲۷۷. کسی نذر کرده به فقیر مبلغی پول بدهد، ولی فراموش کرده که مقدار آن چقدر است؛ تکلیف چیست؟ همه مراجع: اگر نذر طبق صیغه معتبر شرعی بوده، می‌تواند به مقدار حداقل اکتفا کند. به عنوان مثال اگر بین هزار تومان یا بیشتر تردید دارد؛ پرداخت همان هزار تومان کافی است [و اگر بیشتر هم بدهد، کار پسندیده‌ای است]. ۱۹۱

کفاره نذر

پرسش ۲۷۸. کفاره نذری که از روی عمد به جا نیاورده و چندین مدت از زمان آن گذشته، چگونه است؟ همه مراجع (به جز تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و وحید): کفاره آن آزاد کردن يك بنده، یا اطعام شصت فقیر و یا گرفتن دو ماه روزه پی‌درپی به طور تخییر است. ۱۹۲
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و وحید: کفاره آن آزاد کردن يك بنده یا اطعام ده فقیر یا پوشاندن آنان است و اگر اینها را نتوانست، باید سه روز پی‌درپی روزه بگیرد. ۱۹۳

نذر فرزند

پرسش ۲۷۹. آیا برای نذر اجازه پدر لازم است؟ آیات عظام امام و خامنه‌ای: خیر، اجازه پدر لازم نیست و او نمی‌تواند فرزند را از نذر منع کند. ۱۹۴
آیه‌الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب، اجازه پدر لازم است و اگر بدون اجازه او نذر کند، بنا بر احتیاط باید به نذرش عمل کند. ۱۹۵
آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: خیر، اجازه پدر لازم نیست؛ ولی اگر پدر از کاری منع کند که

فرزند نذر آن را کرده، نذر او صحیح نیست. ۱۹۶
آیه‌الله سیستانی: خیر، اجازه پدر لازم نیست؛ ولی اگر پدر از کاری منع کند که فرزند آن را نذر کرده - چنانچه نهی او از روی شفقت و دوستی باشد و مخالفت فرزند باعث آزار او گردد - نذر او صحیح نیست. ۱۹۷
آیه‌الله مکارم: خیر، اجازه پدر لازم نیست؛ مگر آنکه کار او باعث آزار پدر باشد. در این صورت نذر صحیح نیست. ۱۹۸.

نذر زن

پرسش ۲۸۰. آیا زن می‌تواند بدون اذن شوهر، از مال خودش نذر کند؟
آیات عظام امام و خامنه‌ای: خیر، نذر زن در اموال خودش، بدون اذن شوهر صحیح نیست. ۱۹۹
آیه‌الله بهجت: نذر زن بدون اذن شوهر [حتی در اموال خودش]، بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست. ۲۰۰
آیات عظام تبریزی و مکارم: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او [در هر حال] صحیح نیست و اگر مزاحم نباشد، احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد [حتی در اموال خودش]. ۲۰۱
آیات عظام سیستانی، صافی و وحید: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او (در هر حال) صحیح نیست و بنا بر احتیاط واجب در اموال خودش نیز - غیر از حج، زکات، صلّه رحم و احسان به پدر و مادر - با اذن شوهر نذر کند. ۲۰۲
آیه‌الله فاضل: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او [در هر حال] صحیح نیست و اگر مزاحم نباشد، احتیاط واجب آن است که با اذن او باشد؛ به خصوص در نذر اموال (هر چند متعلق به خودش باشد). ۲۰۳
آیه‌الله نوری: آری، نذر زن از مال خودش، بدون اذن شوهر صحیح است. ۲۰۴

نذر روزه

پرسش ۲۸۱. آیا نذر روزه در سفر صحیح است؟
آیات عظام امام، تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: در مسافرت، نذر روزه جایز نیست. ۲۰۵
آیات عظام بهجت، خامنه‌ای و سیستانی: آری، در مسافرت نذر روزه جایز و صحیح است. ۲۰۶
آیه‌الله مکارم: روزه در سفر در هر صورت جایز نیست، هر چند نذر کرده باشد. ۲۰۷

احکام موسیقی و جشن‌ها

آثار موسیقی

پرسش ۲۸۲. درباره موسیقی و دلیل حرمت آن توضیح دهید؟
«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ» ۲۰۸؛ «و برخی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند».
«موسیقی» - یا «موسیقیا» - واژه‌ای یونانی است که در فرهنگ لغت، معادل «غنا» است؛ ولی در حوزه مفاهیم دینی و اصطلاح فقهی، با یکدیگر تفاوت دارد. «غنا» در اصطلاح شرعی عبارت است از: «آوازی که از حنجره آدمی بیرون آمده و در گلو چرخانده (چهچه) شود و در شنونده حالت سرور و وجد ایجاد کند و مناسب با مجالس لهو و خوش‌گذرانی باشد». اما موسیقی به «صوت و آهنگی گفته می‌شود که از آلات موسیقی، پدید آید». بر این اساس بین موسیقی علمی و موسیقی فقهی، عموم و خصوص مطلق است. ۲۰۹
در قرآن چند آیه در این مورد نازل شده است که با توجه به بعضی از آیات قرآن و احادیث، حرمت غنا و موسیقی لهوی، به خوبی ثابت می‌شود. ۲۱۰ افزون بر آن، تمامی فقیهان شیعی نیز بر حرمت موسیقی و غنا اتفاق نظر دارند. ۲۱۱
با بررسی کوتاه در قرآن و روایات و سخن روان‌شناسان، می‌توان موارد ذیل را از فلسفه‌های حرمت موسیقی دانست:

۱. انسان را به فساد و فحشا گرایش می‌دهد. ۲۱۲
 ۲. او را از یاد خدا غافل می‌سازد. ۲۱۳
 ۳. بر روان و اعصاب، تأثیر سوئی دارد. ۲۱۴
- در زمینه غنا و موسیقی توجه به چند نکته بایسته است:

یکم. هر نوع آواز و آهنگی، حرام شمرده نمی‌شود؛ بلکه تنها آهنگ‌های مناسب با مجالس لهو و فساد، مشمول حرمت است و گوش دادن به آهنگ‌هایی که از این مشخصه عاری بوده و یا مشکوک به نظر می‌رسد، اشکال ندارد. دوم. طرب و لهو، دو واژه کلیدی است که در باب غنا و موسیقی به کار می‌رود. «طرب» به حالت سبک وزنی و سبک عقلی گفته می‌شود که در اثر شنیدن آواز یا آهنگ، در روان و نفس آدمی پدید می‌آید و او را از حد اعتدال خارج می‌کند. این امر تنها به حالت شادی اختصاص نمی‌یابد؛ بلکه ممکن است از آهنگ‌های غم و حزن آور نیز به دست آید. ۲۱۵ «لهو» سازگاری و هم‌نوایی آواز و آهنگ نواخته شده با مجالس فساد و خوش‌گذرانی است؛ بدین معنا که ممکن است نغمه‌ای طرب‌انگیز نباشد؛ ولی از نغمه‌هایی باشد که فقط در جلسات فاسقان و هواپرستان رایج باشد، به این آهنگ لهوی می‌گویند و اگر از هر دو مشخصه (طرب و لهو) برخوردار باشد، به آن مطرب لهوی می‌گویند. تمامی مراجع تقلید، «لهوی بودن» را جزء و قید موسیقی حرام می‌دانند؛ ولی در قید «طرب‌انگیزی» اختلاف نظر دارند. ۲۱۶

سوم. آلات موسیقی دو قسم است: آلات مختص حرام؛ آلات مشترک. «آلات مختص» به آلاتی از موسیقی گفته می‌شود که نوعاً در لهو و لعب به کار می‌رود و منفعت حلالی در بر ندارد. «آلات مشترک» به آلاتی از موسیقی گفته می‌شود که هم برای منافع مشروع و حلال به کار می‌رود و هم برای منافع نامشروع و حرام. استفاده از آلات مختص به هیچ وجه جایز نیست؛ ولی آلات مشترک بستگی به کیفیت نواختن آن دارد. بیشتر مراجع تقلید ۲۱۷ استفاده از آلات مشترک را به طور مطلق حرام نکرده‌اند؛ بلکه براساس کیفیت نواختن آن فتوا داده‌اند.

حکم نوازندگی

پرسش ۲۸۳. حکم نواختن با آلات موسیقی را بیان کنید؟
همه مراجع (به جز بهجت و صافی): اگر از آلاتی است که به لهو و حرام اختصاص دارد، نواختن آن (در هر حال) جایز نیست؛ ولی اگر از آلات مشترک باشد، استفاده از آن به منظور منافع مشروع و حلال اشکال ندارد. ۲۱۸. آیات عظام بهجت و صافی: به طور کلی نواختن با آلات موسیقی (لهو)، حرام است. ۲۱۹.

حکم انواع موسیقی

پرسش ۲۸۴. آیا میان انواع موسیقی‌ها - از قبیل اصیل (سنتی)، کلاسیک، محلی، پاپ و... - تفاوتی در حکم هست؟
همه مراجع: خیر، هیچ گونه تفاوتی میان آنها در حکم نیست و معیار حرمت استماع موسیقی، طرب‌انگیزی و لهوی بودن آن است. ۲۲۰

شنیدن آهنگ

پرسش ۲۸۵. حکم گوش دادن به آهنگ بدون کلام چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهوی و مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی است، جایز نیست (هر چند مشتمل بر کلام نباشد). ۲۲۱.
آیات عظام بهجت و صافی: گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهوی و مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی است، جایز نیست و گوش دادن به آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید می‌شود، حرام است. ۲۲۲.
آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: گوش دادن به هر آهنگ لهوی که مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی است، جایز نیست (هر چند مشتمل بر کلام نباشد). ۲۲۳.

موسیقی حرام

پرسش ۲۸۶. اگر استماع موسیقی هیچ گونه تأثیری در انسان نداشته باشد، آیا باز حرام است؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد، گوش دادن به آن جایز نیست؛ هر چند در شخص تأثیر نداشته باشد. ۲۲۴

تصره. موسیقی حرام، غالباً آثار مخرب دارد و باعث بیگانگی از خدا و تحریک شهوت و آلودگی به مفساد دیگر می‌شود؛ ولی حکم تابع این امور نیست و اگر به فرض، در موردی موسیقی حرام هیچ تأثیری در روح و روان انسان بر جای نگذارد، باز گوش دادن به آن جایز نیست.

موسیقی لَهوی

پرسش ۲۸۷. آیا در موسیقی، «لهوی بودن» آن مطرح است یا محتوای شعرهایی که خوانده می‌شود؟ به تعبیر دیگر اگر اشعار خوب و مذهبی در قالب موسیقی مطرب و لهوی خوانده شود، آیا باز حرام است؟
همه مراجع: معیار در حرمت موسیقی، مطرب و لهوی بودن آن است؛ هر چند محتوای آن اشعار مذهبی و اسلامی باشد. ۲۲۵
تبصره. برخی از مراجع تقلید (آیات عظام: تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید)، قید «مطرب» را جزء موسیقی حرام نمی‌دانند.

نواختن موسیقی

پرسش ۲۸۸. ویژگی‌های نواختن موسیقی حرام (بدون کلام) کدام است: داشتن ریتم تند، ایجاد رقص در شنونده، طرب‌انگیزی آن و یا هیچ کدام؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: معیار حرمت موسیقی، طرب‌انگیزی و لهوی بودن آن است که با مجالس گناه و خوش‌گذرانی و فساد تناسب دارد. ۲۲۶
آیات عظام بهجت و صافی: استفاده از آلات موسیقی به طور مطلق حرام است. ۲۲۷
آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: معیار حرمت موسیقی، لهوی بودن آن است که با مجالس گناه، خوش‌گذرانی و فساد تناسب دارد. ۲۲۸
تبصره. موسیقی حرام معمولاً دارای نشانه‌های یاد شده است؛ ولی گاه ممکن است لهوی و مناسب مجالس گناه و خوش‌گذرانی باشد؛ اما با وجود آن دارای ریتم تند و ایجاد حالت رقص در شنونده نباشد. در این صورت نیز گوش دادن به آن حرام است.

موزیک‌های ورزشی

پرسش ۲۸۹. اگر گوش دادن به موزیک، باعث نیرو گرفتن و ایجاد علاقه به کار باشد؛ چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد، گوش دادن به آن جایز نیست (هر چند باعث علاقه پیدا کردن به کار شود). ۲۲۹

موسیقی تحریکی

پرسش ۲۹۰. آیا زن و شوهر به جهت تمایل به یکدیگر و افزایش شهوت، می‌توانند به موسیقی لَهوی گوش فرا دهند؟
همه مراجع: گوش دادن به موسیقی حرام، جایز نیست و صرف افزایش تمایل به همسر، مجوز شرعی برای استماع آن محسوب نمی‌شود. ۲۳۰

موسیقی درمانی

پرسش ۲۹۱. امروزه موسیقی برای معالجه بعضی از بیماری‌های روانی (مانند افسردگی، اضطراب، مشکلات جنسی و سرد مزاجی زنان) به کار می‌رود، حکم آن چیست؟
همه مراجع: اگر نظر پزشک متخصص و امین، بر این است که تنها راه معالجه و درمان آن، استفاده از موسیقی است؛ گوش دادن به آن - به مقداری که درمان بیمار اقتضا می‌کند - اشکال ندارد. ۲۳۱
تبصره. این فرض بسیار نادر است و خداوند متعال در کارهای حرام - از جمله موسیقی ممنوع - شفا قرار نداده است و پاسخ یاد شده تنها در هنگام ضرورت و به مقدار حداقل به کار می‌آید.

مجالس موسیقی

پرسش ۲۹۲. در صورتی که در مجلسی، مجبور باشیم موسیقی مطرب و لهوی را تحمل کنیم، آیا باز هم مرتکب گناه شده‌ایم؟
همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید - با فراهم بودن سایر شرایط - باید نهی از منکر کنید. اگر نمی‌پذیرند - چنانچه حضور شما در آنجا باعث استماع موسیقی حرام و یا تأیید گناه گردد - مجلس را ترك کنید؛ مگر آنکه باعث فتنه و فساد شود. در این صورت ماندن در آن محل به مقدار ضرورت، اشکال ندارد. البته در صورت امکان باید از گوش دادن به موسیقی حرام، اجتناب ورزید و اگر صدای آن بدون دلخواه به گوش شما رسید، اشکال ندارد. ۲۳۲

پرسش ۲۹۳ . شرکت در مجالسی که موسیقی و ترانه مبتذل پخش می‌کنند - در حالی که تذکر دادن فایده ندارد - چگونه است؟

همه مراجع: شرکت در مجالسی که باعث استماع موسیقی حرام و یا تأیید گناه می‌گردد، جایز نیست؛ مگر آنکه بتواند نهی از منکر کند. ۲۳۳

تشخیص موسیقی

پرسش ۲۹۴ . ملاک و مرجع تشخیص موسیقی و غنای حرام در نظام اسلامی کیست: وزارت ارشاد، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، کارشناسان موسیقی، فقیهان، عرف مردم و یا شخص؟
همه مراجع: در تعیین و تشخیص موسیقی حرام و حلال، باید به عرف عام مراجعه کرد. ۲۳۴
تبصره. فقیهان، کارشناسان موسیقی و نهادهای فرهنگی نیز می‌توانند در زمینه موضوعات، اظهار نظر کرده و موسیقی حرام و حلال را (بر اساس نظر عرفی خود) معرفی کنند.

تکثیر نوار موسیقی

پرسش ۲۹۵ . درآمدی که از رهگذر تکثیر و توزیع نوار و سی‌دی‌های موسیقی به دست می‌آید، حلال است یا حرام؟
همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام است، خرید و فروش و درآمد حاصل از آن، حرام می‌باشد. ۲۳۵

موسیقی شب عروسی

پرسش ۲۹۶ . حکم استفاده از دف و دایره زنگی در عروسی چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و فاضل: استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی مطرب و لهوی (مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی)، جایز نیست و بین مجلس عروسی و غیر آن، تفاوتی وجود ندارد. ۲۳۶
آیات عظام بهجت و صافی: استفاده از آلات موسیقی به طور کلی جایز نیست و بین مجلس عروسی و غیر آن، تفاوتی وجود ندارد. ۲۳۷
آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری و وحید: استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی (مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی)، جایز نیست و بین مجلس عروسی و غیر آن، تفاوتی وجود ندارد. ۲۳۸

مجالس عروسی

پرسش ۲۹۷ . آیا جایز است زن در شب عروسی (در مجلس زنان)، غنا و آواز بخواند و عده‌ای به رقص و زدن بر روی میز و صندلی مشغول شوند؟ حکم شرعی چنین مجلسی چیست (البته از آلات موسیقی استفاده نمی‌شود)؟
همه مراجع (به جز تبریزی و خامنه‌ای): در فرض مذکور اشکال دارد. ۲۳۹
آیه‌الله تبریزی: اگر مرد یا پسر ممیز در مجلس زنانه حضور نداشته باشد و از موسیقی لهوی نیز استفاده نکنند؛ آواز زن در مجلس زنان و رقص زن برای زنان و زدن بر میز و صندلی و مانند آن - که از آلات موسیقی محسوب نمی‌شود - اشکال ندارد. ۲۴۰
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر کیفیت زدن به شیوه متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهو محسوب نشود و نیز رقص زن برای زنان، باعث تحریک شهوت و یا مفسده دیگر نگردد، اشکال ندارد. ۲۴۱

موسیقی مجلس عروسی

پرسش ۲۹۸ . اگر به مجلس عروسی و مانند آن دعوت شدیم؛ ولی در آنجا موسیقی و ترانه مبتذل پخش کردند، تکلیف چیست؟ آیا باید محل را ترک کنیم؟
همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید، با فراهم بودن شرایط، نهی از منکر کنید و اگر نمی‌پذیرند - چنانچه حضور شما باعث استماع موسیقی حرام یا تأیید گناه گردد - باید مجلس را ترک کنید؛ مگر آنکه عسر و حرج لازم آید. ۲۴۲

آهنگ‌های صدا و سیما

پرسش ۲۹۹ . گاهی از صدا و سیما و یا نوار ضبط صوت، آهنگ‌هایی پخش می‌شود که به نظر می‌رسد مناسب با مجالس لهو و خوش گذرانی است؛ در حالی که در نظر دیگران این چنین نیست! آیا می‌توانم آنان را از گوش دادن به آن منع کنم؟
همه مراجع: بر شما واجب است به آن گوش ندهید؛ ولی نهی دیگران، مبتنی بر این است که آنان هم آن را موسیقی

حرام بدانند. ۲۴۳

تبصره. یکی از شرایط وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، آن است که حرام بودن منکر، درباره انجام دهنده آن ثابت باشد و یا او بر گناه اصرار ورزد. فرض مسأله در جایی است که موسیقی یاد شده، در نظر دیگران از نوع موسیقی حلال است؛ در نتیجه نهی از منکر در اینجا ساقط می‌شود.

آهنگ مبتذل

پرسش ۳۰۰. استفاده از آهنگ‌های مبتذل (موسیقی حرام)، در مجالس عروسی زنان چه حکمی دارد؟ همه مراجع: گوش دادن به موسیقی حرام - هر چند در مجالس عروسی زنان - جایز نیست. ۲۴۴
تبصره. «موسیقی» و «غنا و آواز خوانی» دو مقوله است. آنچه که در مجالس عروسی زنان جایز شمرده شده، غنا و آواز خوانی زن است؛ ولی موسیقی لهوی، در هر حال و زمانی حرام است.

موسیقی محل کار

پرسش ۳۰۱. من در مکانی کار می‌کنم که صاحب آن همیشه به نوارهای موسیقی مبتذل و حرام گوش می‌دهد و من هم مجبور به شنیدن آن هستم؛ آیا این کار برای من جایز است یا خیر؟ همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید - با تحقق سایر شرایط - باید او را نهی از منکر کنید و اگر نمی‌پذیرد، چنانچه مجبورید در آن مکان حضور داشته باشید، کارکردن در آنجا برای شما اشکال ندارد؛ ولی باید به موسیقی حرام گوش ندهید. و اگر صدای آن بدون دلخواه به گوش شما رسید، اشکال ندارد. ۲۴۵
تبصره. اگر این شخص بتواند بدون زحمت و مشقت، شغل مناسب دیگری پیدا کند، باید این راه را برگزیند. فرض مسأله جایی است که ترك آن مکان و انتخاب شغل دیگر، برای او دشوار و حرجی است.

کف زدن

پرسش ۳۰۲. حکم دست زدن در مراسم عروسی چیست؟ آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و مکارم: اگر به طور متعارف و غیر لهوی باشد، اشکال ندارد. ۲۴۶
آیات عظام تبریزی، سیستانی و فاضل: دست زدن فی نفسه (به تنهایی)، اشکال ندارد. ۲۴۷
آیه‌الله نوری: اگر جلف و سبک نباشد، اشکال ندارد. ۲۴۸
آیه‌الله وحید: احتیاط واجب در ترك آن است. ۲۴۹

جشن ولادت امامان (علیهم السلام)

پرسش ۳۰۳. حکم دست زدن در مراسم و جشن‌هایی که به مناسبت ایام ولادت و اعیاد امامان (علیهم السلام) برگزار می‌شود، چیست؟

آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل و مکارم: اگر دست زدن به نحو متعارف (غیر لهوی) باشد، اشکال ندارد؛ ولی این کار با مجالس اهل بیت (علیهم السلام) مناسبت ندارد و بهتر است فضای این مراسم، به ذکر صلوات و تکبیر و مانند آن، معطر گردد. ۲۵۰

آیات عظام تبریزی و سیستانی: دست زدن در این گونه مجالس، اشکال ندارد؛ ولی این کار با مجالس اهل بیت (علیهم السلام) مناسبت ندارد و بهتر است فضای این مراسم، به ذکر صلوات و تکبیر و مانند آن معطر گردد. ۲۵۱
آیه‌الله نوری: دست زدن در این گونه مجالس - اگر سبک و جلف نباشد - اشکال ندارد؛ ولی بهتر است فضای این مراسم، به ذکر صلوات و تکبیر و مانند آن معطر گردد. ۲۵۲
آیه‌الله وحید: احتیاط واجب در ترك آن است. ۲۵۳

حکم رقص

پرسش ۳۰۴. آیا رقص زن و مرد اشکال دارد؟

آیات عظام امام و خامنه‌ای: رقص اگر باعث تحریک شهوت، ارتکاب گناه و یا ترتب مفسده شود و یا زن در بین مردان نامحرم برقصد، حرام است. ۲۵۴

آیه‌الله بهجت: به طور کلی رقص اشکال دارد. ۲۵۵

آیه‌الله تبریزی: رقص زن برای شوهر و رقص زن برای زنان، در مجالس عروسی و مانند آن - در صورتی که در معرض نگاه مرد (حتی پسر ممیز) نبوده و مشتمل بر حرام دیگری مثل موسیقی و مانند آن نباشد - اشکال ندارد.

رقص در غیر این دو مورد، از مصادیق لهو بوده و سزاوار است که مؤمن، از لهو اجتناب کند. ۲۵۶
آیات عظام سیستانی و وحید: تنها رقص زن برای شوهر و بر عکس آن، جایز است. ۲۵۷
آیات عظام صافی، فاضل و مکارم: تنها رقص زن برای شوهر جایز است. ۲۵۸

رقص همسر

پرسش ۳۰۵. آیا زن می‌تواند برای شوهرش برقصد و همراه با آن، به موسیقی طرب انگیز و شاد گوش کنند؟
همه مراجع (به جز بهجت): رقص زن برای شوهر، در صورتی که با موسیقی حرام همراه نشود، جایز است. ۲۵۹
آیه‌الله بهجت: اگر همراه با موسیقی حرام انجام گیرد، جایز نیست و اگر بدون آن باشد، بنابر احتیاط واجب جایز نیست. ۲۶۰

نگاه به رقص

پرسش ۳۰۶. آیا نگاه به رقص از تلویزیون داخلی و خارجی، اشکال دارد؟
همه مراجع: نگاه به رقص از تلویزیون، اگر باعث تحریک شهوت یا استماع موسیقی حرام و یا مفسده گردد، جایز نیست. ۲۶۱
تبصره. نگاه به رقص از طریق تلویزیون، حکم حضور در مجلس گناه را ندارد؛ مگر آنکه باعث گناه و مفسده شود.

خوانندگی زن

پرسش ۳۰۷. گوش دادن به نواری که خواننده‌اش زن باشد از سروده‌های شعرایی مثل حافظ و مولوی و... استفاده کند، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، بهجت، صافی، فاضل، مکارم و وحید: گوش دادن به آن جایز نیست. ۲۶۲
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و نوری: گوش دادن به آواز زن، اگر غنا نباشد و باعث التذاذ جنسی و تهییج شهوت نشود و مفسده‌ای بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد. ۲۶۳
تبصره. «غنا» عبارت است از ترجیع صدا، به نحوی که طرب‌انگیز و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد.

همخوانی زنان

پرسش ۳۰۸. همخوانی زنان و یا زنان و مردان در سرودها و تواشیح، چه حکمی دارد و آیا شنیدن آن جایز است؟
همه مراجع (به جز بهجت، صافی و مکارم): اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت و مفسده نگردد، اشکال ندارد. ۲۶۴
آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: اگر باعث مفسده شود، حرام است و بدون آن نیز بنابر احتیاط واجب، جایز نیست. ۲۶۵

مداحی زنان

پرسش ۳۰۹. در برخی موارد مرثیه خوانی و یا مداحی زنان در مجلس خودشان، به گونه‌ای است که صدای آنان با بلندگو به گوش مردان رهگذر می‌رسد؛ آیا این عمل جایز است؟
همه مراجع (به جز مکارم): اگر صدای آنان در معرض ریه، تَلَدُّ و تهییج شهوت باشد، جایز نیست. ۲۶۶
آیه‌الله مکارم: خیر، جایز نیست. ۲۶۷

احکام پوشش

اهمیت حجاب

پرسش ۳۱۰. درباره حجاب و دلیل وجوب آن توضیح دهید؟
«وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» ۲۶۸؛ «و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]».

«حجاب»، در لغت به معنای پرده، حاجب و پنهان کردن است و در اصطلاح «پنهان کردن زن خود را از دید مرد

بیگانه است». آنچه دین اسلام بر زنان لازم دانسته، همان پوشش است که در متون دینی و در کلام فقیهان، از آن به ستر، پوشش، ساتر و پوشاننده تعبیر شده است.

حجاب و پوشش پیش از اسلام، در میان برخی از ملت‌ها - از جمله ایران باستان و قوم یهود و شاید در هند - مطرح و از آنچه که در قانون اسلام آمده، سخت‌تر بوده است. ۲۶۹

این دستور در دین اسلام، حدود سال‌های چهارم و پنجم تشریح گردیده است. ۲۷۰
حجاب، یکی از احکام ضروری اسلام به شمار می‌آید و شیعه و سنی بر آن، اتفاق نظر دارند. خداوند متعال در این باره سه آیه ۲۷۱ در شهر مدینه، نازل کرده و در دو مورد آن، به مسأله پوشش بانوان اشاره کرده است. ۲۷۲ علاوه بر این، احادیث بسیاری درباره اهمیت و چگونگی حجاب نقل شده است.
حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پوشیدگی زن به حالش، بهتر است و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌سازد». ۲۷۳
پوشش برای زن دو هدف و فلسفه اساسی دارد:

۱. مصونیت زن، در برابر طمع و ورزی‌های هوس‌بازان.
 ۲. پیشگیری از تحریکات شهوانی و تأمین سلامت و بهداشت جامعه. ۲۷۴
- در زمینه حجاب و پوشش، توجه به چند نکته بایسته است:
- یکم. زن باید بدن و زیور آلات و آرایش خود و هر آنچه را که نزد عرف زینت محسوب می‌شود، در برابر مرد نامحرم بپوشاند و تنها دست و صورت از آن استثنا شده است.
- دوم. هر چند دین اسلام نسبت به نوع و رنگ و حتی دوخت لباس، تأکید چندانی ندارد و تنها به اصل پوشش - اعم از چادر، مانتو و مانند آن - تکیه کرده است؛ ولی روشن است که لباس نباید تنگ، محرک، نازک، بدن‌نما و باعث جلب توجه گردد. از این رو چادر برترین پوشش به شمار می‌آید. از مواردی که مشکلی بودن آن مکروه نیست؛ بلکه نشانه وقار و متانت است، چادر و عبا می‌باشد که در روایات به آن اشاره شده است.
- سوم. پرهیز از نرمش در سخن که باعث طمع نامحرم شود و متانت در راه رفتن و استفاده نکردن از کفش‌هایی که باعث توجه نامحرم می‌گردد، بخشی از حجاب زن را تشکیل می‌دهد.
- چهارم. گرچه پوشش کامل برای مرد واجب نیست؛ ولی نگاه زن به بدن او حرام است. همان گونه که پوشش صورت و دست‌ها تا مچ بر زن، واجب نیست؛ ولی نگاه مرد به آن از روی شهوت حرام است.

حکم مانتو

پرسش ۳۱۱. پوشیدن مانتو‌هایی که برجستگی‌های بدن (مانند سینه و پشت) را نمایان می‌سازد، چگونه است؟ همه مراجع: اگر باعث تهییج شهوت باشد، جایز نیست. ۲۷۵

پوشش در برابر کودکان

پرسش ۳۱۲. آیا بر زن لازم است خود را در مقابل بچه نابالغ بپوشاند؟ همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و مکارم): اگر خوب و بد را می‌فهمد و احتمال می‌دهد که نگاهش به بدن زن، موجب تحریک شهوتش شود؛ بنابراین احتیاط واجب، باید بدن و موی خود را از او بپوشاند. ۲۷۶
آیه‌الله بهجت: اگر خوب و بد را می‌فهمد، بنابر احتیاط واجب باید بدن و موی خود را از او بپوشاند. ۲۷۷
آیات عظام تبریزی و مکارم: خیر، لازم نیست؛ ولی بهتر است، بدن و موی خود را از پسری هم که خوب و بد را می‌فهمد، بپوشاند. ۲۷۸

پوشش زیرچانه

پرسش ۳۱۳. آیا پوشاندن زیر چانه و کف و روی پا، در مقابل نامحرم واجب است؟ همه مراجع (به جز تبریزی و مکارم): آری، باید آنها را از نامحرم بپوشاند. ۲۷۹
آیه‌الله مکارم: پوشاندن زیر چانه واجب است؛ ولی پوشاندن کف و روی پا تا مچ، بهتر است پوشانده شود و اگر احتمال مفسده بدهد واجب است پوشانده شود. ۲۸۰
آیه‌الله تبریزی: پوشاندن زیر چانه واجب است؛ ولی پوشاندن کف و روی پا تا مچ بنابر احتیاط، واجب است. ۲۸۱

آستین کوتاه

پرسش ۳۱۴. پوشیدن پیراهن آستین کوتاه در مقابل زن نامحرم، چه حکمی دارد؟ آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و مکارم: اشکال ندارد. ۲۸۲

آیه‌الله نوری: اگر مخالف عفت عمومی نباشد و در نظر افراد متشرع، منکر محسوب نشود، اشکال ندارد. ۲۸۳
آیه‌الله وحید: اگر بداند زنان از روی تعمد و لذت به او نگاه می‌کنند، واجب است مرد لباس آستین‌دار بر تن کند و در غیر این صورت اشکال ندارد. ۲۸۴

آیات عظام بهجت و صافی: بنابر احتیاط واجب، باید لباس آستین‌دار بر تن کند. ۲۸۵
تبصره. اگر در جایی پوشیدن لباس آستین کوتاه، باعث مفسده خاص گردد، اجتناب از آن واجب است.

پوشش صورت

پرسش ۳۱۵. زنی که می‌داند به جهت چهره زیبایی که دارد، مردان نامحرم به او نگاه می‌کنند، چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا پوشاندن آن واجب است؟

آیات عظام امام، سیستانی، فاضل، مکارم و نوری: اگر باعث مفسده نشود، پوشاندن چهره بر او واجب نیست؛ ولی مردان وظیفه دارند به او نگاه نکنند. ۲۸۶

آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید: اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم شود، بنابر احتیاط واجب باید چهره خود را بپوشاند. ۲۸۷

آیه‌الله صافی: باید چهره خود را در برابر نامحرم بپوشاند. ۲۸۸

ادکلن زنان

پرسش ۳۱۶. آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟

همه مراجع: خیر، جایز نیست. ۲۸۹

تبصره. حکم فوق بر این اساس است که بیرون رفتن زن از منزل با حالت معطر، باعث تحریک و جلب توجه مرد نامحرم می‌شود و اگر در جایی باعث این مفسده نشود، بیرون رفتن او با آن حالت اشکال ندارد.

زیورآلات زنان

پرسش ۳۱۷. زیورآلات زن، اگر در معرض دید نامحرم باشد، چه حکمی دارد؟

آیات عظام امام، بهجت، صافی، خامنه‌ای، فاضل و وحید: باید از دید مرد نامحرم پوشانده شود. ۲۹۰

آیه‌الله تبریزی: پوشاندن زیورآلات پنهانی (مانند دستبند، انگو و گردن بند)، از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن انگشتری که پیش زنان بزرگسال و یا کمی پایین‌تر متعارف است، واجب نیست. ۲۹۱

آیه‌الله سیستانی: پوشاندن گردن بند از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن انگو، دستبند، حلقه ازدواج و انگشتر واجب نیست. ۲۹۲

آیات عظام مکارم و نوری: پوشاندن زیورآلات پنهانی (مانند دستبند، انگو و گردن بند) از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن حلقه ازدواج و انگشتر، واجب نیست. ۲۹۳

پوشش آرایش صورت

پرسش ۳۱۸. آیا باید سرمه چشم، اصلاح صورت و ابروهای رنگ کرده را از نامحرم پوشاند؟

امام: پوشاندن اصلاح صورت واجب نیست؛ ولی پوشاندن سرمه چشم و رنگ ابرو - اگر نزد عرف زینت محسوب شود - واجب است. ۲۹۴

آیات عظام بهجت و صافی: باید آن را از نامحرم پوشاند. ۲۹۵

آیه‌الله تبریزی: پوشاندن اصلاح صورت - به گونه‌ای که نزد زنان کهنسال و یا کمی کمتر از آن متعارف است - واجب نیست. ۲۹۶

آیات عظام سیستانی، مکارم و نوری: پوشاندن آن از نامحرم واجب نیست. ۲۹۷

آیات عظام خامنه‌ای، فاضل و وحید: اگر زینت محسوب می‌شود، باید آن را از نامحرم پوشاند. ۲۹۸

تبصره. اگر موارد یاد شده به گونه‌ای باشد که باعث مفسده و جلب توجه مرد نامحرم شود، پوشاندنش واجب است.

احکام نامحرم

گفت و گوی تلفنی

پرسش ۳۱۹. آیا در گفت‌وگوی زن و مرد نامحرم، فرقی بین گفت‌وگوی مستقیم و از راه دور هست؟
همه مراجع: خیر، هیچ تفاوتی در حکم نمی‌کند و در هر دو مورد، اگر با قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال دارد. ۲۹۹

صحبت برای ازدواج

پرسش ۳۲۰. آیا صحبت کردن با کسی که قصد داریم در آینده با او ازدواج کنیم، گناه است؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد و باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. ۳۰۰

چت با جنس مخالف

پرسش ۳۲۱. چت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت‌های معمولی، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست. ۳۰۱

چت اینترنتی

پرسش ۳۲۲. چت کردن با شخصی که از جنسیت او بی‌اطلاعیم، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. ۳۰۲

چشم‌های دانشگاه

پرسش ۳۲۳. برگزاری جشن‌ها و مراسم در دانشگاه - که در آن دختران و پسران مختلط اند - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اصل اجتماع دختران و پسران، در يك محیط اشکال ندارد؛ ولی اگر بانوان حجاب کامل را رعایت نکنند و آقایان نگاه گناه‌آلود داشته باشند و محرّمات دیگری (از قبیل موسیقی حرام و مانند آن) انجام گیرد، اجتماع آنان در آن محل جایز نیست. ۳۰۳

اردوی مختلط

پرسش ۳۲۴. آیا دانشجویان دختر و پسر، می‌توانند به طور مشترك به اردوهای تفریحی و سیاحتی بروند؟
همه مراجع: با توجه به اینکه اختلاط دختران و پسران باعث مفسده است، باید از آن اجتناب شود. ۳۰۴

سلام به نامحرم

پرسش ۳۲۵. آیا سلام کردن مرد به زن نامحرم و زن به مرد نامحرم، جایز است؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. ۳۰۵
تبصره. اگر جنس مخالف، دختر جوان باشد، بهتر است به او سلام نکند تا از افتادن در گناه، در امان باشد.

شوخی با نامحرم

پرسش ۳۲۶. شوخی کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر با قصد لذت (جنسی) باشد و یا بترسد به گناه بیفتد، جایز نیست. ۳۰۶

خنده با نامحرم

پرسش ۳۲۷. خنده زن هنگام صحبت با مرد نامحرم، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر خنده او طوری باشد که باعث تحریک نامحرم شود، جایز نیست. ۳۰۷

همکاری دختر و پسر

پرسش ۳۲۸. آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری یا میهمانی اشکال دارد؟
همه مراجع: دوستی بین دختر و پسر جایز نیست؛ چون ترس افتادن به گناه در میان است. اما ارتباط شغلی، اگر باعث مفسده نشود و موازین شرع در آن رعایت شود، اشکال ندارد. ۳۰۸

خلوت با نامحرم

پرسش ۳۲۹. آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در يك مکان، جایز است؟

امام، خامنه‌ای و نوری: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود و آنها بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آنجا حرام است. ۳۰۹

آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید: اگر احتمال فساد برود، ماندنشان در آنجا حرام است؛ هر چند طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود. ۳۱۰

آیات عظام تبریزی و فاضل: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود - در صورتی که احتمال فساد برود - ماندنشان در آنجا حرام است. ۳۱۱

آیه‌الله صافی: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، ماندنشان در آنجا حرام است؛ هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری بپردازند. ۳۱۲

آیه‌الله مکارم: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندنشان در آنجا حرام است؛ هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری مانند آن بپردازند. ۳۱۳

نشستن کنار نامحرم

پرسش ۳۳۰. گاهی در وسایل نقلیه به جهت نشستن مرد کنار زن، بدنشان به یکدیگر برخورد می‌کند، در اینجا تکلیف چیست؟

همه مراجع: اصل تماس بدن زن و مرد با یکدیگر از روی لباس حرام نیست؛ ولی اگر باعث تحریک شهوت و فساد گردد، جایز نمی‌باشد. ۳۱۴

تبصره. اگر در تماس بدنی، فشار و اتکا پیدا شود، باید از آن پرهیز کرد.

دست دادن با نامحرم

پرسش ۳۳۱. هرگاه در منطقه یا محیطی، رسم بر این باشد که هنگام برخورد با یکدیگر مصافحه می‌کنند (حتی زنان با مردان) و اگر این کار را ترک کنند، اهانت و اسائه ادب نسبت به طرف مقابل محسوب می‌شود؛ حکم دست دادن زن و مرد با این فرض چیست؟

همه مراجع: دست دادن با زن نامحرم جایز نیست و شعائر دینی باید حفظ شود و با بیان حکم شرعی، حمل آن بر اسائه ادب از بین می‌رود. ۳۱۵

داستان تحریک‌کننده

پرسش ۳۳۲. آیا خواندن داستان‌های تحریک‌کننده جنسی، جایز است؟

همه مراجع: اگر باعث تحریک شهوت گردد، خواندن آن جایز نیست. ۳۱۶

نامه‌نگاری نامحرم

پرسش ۳۳۳. نامه‌نگاری با نامحرم و طرح مسائل شهوانی از طریق ایمیل، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: طرح مسائلی که باعث ایجاد فتنه و فراهم آمدن زمینه فساد است، اشکال دارد. ۳۱۷

احکام نگاه

نگاه نامحرم

پرسش ۳۳۴. درباره حرمت نگاه به نامحرم توضیح دهید؟

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» ۳۱۸؛ «به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم فرو گیرند.»

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» ۳۱۹؛ «و به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند.»

نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا مچ)؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن. و نیز نگاه به صورت و دست‌ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. همچنین نگاه زن به مرد نامحرم (به جز صورت، گردن و دست‌ها و مقداری از پا)؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا یک نگاهی که

حسرتی طولانی بر جای گذارد.» ۳۲۰

نگاه های حلال

پرسش ۳۳۵. نگاه های جایز و حلال کدام است؟
نگاه های جایز عبارت است از:

۱. نگاه به زن روستائین که نوعاً خود را نمی پوشاند، ۳۲۱
 ۲. نگاه به عکس بی حجاب زن ناشناس،
 ۳. نگاه همجنس به همجنس (به جز عورت)،
 ۴. نگاه به زن به منظور ازدواج (با شرایط خاص)،
 ۵. نگاه به زن که سنش ۳۲۲ که هیچ گونه رغبتی به ازدواج با او نیست،
 ۶. نگاه به زن غیرمسلمان؛ خواه از اهل کتاب باشد یا نه. ۳۲۳
- تبصره. جواز نگاه های یاد شده در صورتی است که با قصد لذت و یا ترس افتادن به گناه همراه نشود.

نگاه های حرام

پرسش ۳۳۶. نگاه های ممنوع و حرام کدام است؟
نگاه های حرام عبارت است از:

۱. نگاه به چهره آرایش کرده زن،
۲. نگاه به زیور آلات زن،
۳. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا،
۴. نگاه با ریبه (ترس افتادن به حرام)،
۵. نگاه به بدن مرد نامحرم (به جز صورت و دست ها)،
۶. نگاه به تمام بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست ها تا مچ)،
۷. نگاه هوس آلود (هر چند به صورت و دست ها و یا به بدن همجنس).

نگاه به عکس دختر

پرسش ۳۳۷. آیا مرد می تواند برای آگاهی از خصوصیات جسمی و زیبایی دختری که می خواهد با او ازدواج کند، عکس یا فیلم او را مشاهده کند؟ در صورتی که دختر، فامیل و آشنا باشد، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر بدون قصد لذت باشد، اشکال ندارد؛ هر چند آن دختر از فامیل و آشنایان باشد. ۳۲۴

نگاه به دختران

پرسش ۳۳۸. شخصی قصد ازدواج دارد، آیا می تواند بدون قصد لذت به چهره و موی خانم ها (مثلاً در خیابان) نگاه کند، تا یکی را ببیند و بعد از او خواستگاری کند؟
همه مراجع: این نوع نگاه ها جایز نیست. ۳۲۵
تبصره. نگاه به بدن زن، به منظور ازدواج با او شرایطی دارد و پرسش یاد شده، خارج از این موارد است.

نگاه به نامزد

پرسش ۳۳۹. آیا نگاه مرد به بدن نامزد خود - که هنوز نامحرم است؛ ولی ازدواج با او قطعی است - جایز است؟
همه مراجع: خیر، نامزد نامحرم، با سایر زنان تفاوتی ندارد. ۳۲۶

نگاه خواستگاری

پرسش ۳۴۰. مرد تا چه اندازه می تواند به بدن زن، هنگام خواستگاری نگاه کند (البته با رعایت شرایط خاص خود)؟
آیات عظام امام، خامنه ای و فاضل: می تواند به بدن دختر نگاه کند؛ هر چند احتیاط مستحب است که تنها به دست و صورت و پاها، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) اکتفا کند. ۳۲۷
آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی و مکارم: تنها می تواند به دست و صورت، پاها، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) دختر نگاه کند. ۳۲۸

آیه‌الله صافی: بنا بر احتیاط واجب، تنها به صورت و دست‌ها تا مچ اکتفا کند ۳۲۹.
آیه‌الله نوری: می‌تواند به دست و صورت، پاهای، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) دختر نگاه کند و اگر نتواند از خصوصیات سایر بدن، از روی لباس آگاهی پیدا کند، نگاه به تمام بدن جایز است. ۳۳۰
تبصره. نگاه به دختر برای خواستگاری شرایطی دارد که عبارت است از:

۱. به قصد لذت و ریبه نباشد.
۲. برای آگاهی از وضع جسمانی او باشد.
۳. مانعی از ازدواج در میان نباشد.
۴. احتمال بدهد که دختر او را رد نمی‌کند.

نگاه به برجستگی‌ها

پرسش ۳۴۱. آیا نگاه به برجستگی‌های بدن زن نامحرم (مانند سینه و پشت)، از روی لباس و مانند جایز است؟
همه مراجع: اگر با قصد لذت باشد و یا بترسد که به گناه بیفتد، نگاه به این مواضع جایز نیست. ۳۳۱

نگاه لذت آور

پرسش ۳۴۲. اگر انسان همان طور که از دیدن باغ و گلستان لذت می‌برد، از نگاه کردن به چهره زن لذت ببرد؛ آیا این کار حرام است و مصداق قصد لذت به حساب می‌آید؟
همه مراجع: این گونه نگاه‌ها، چون جنبه لذت جنسی دارد، جایز نیست. ۳۳۲

نگاه به چشم خواهری

پرسش ۳۴۳. نگاه به زنان نامحرم - به ویژه فامیل و آشنا - بدون قصد لذت و تنها از روی علاقه و محبت (مثلاً به چشم خواهری)، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز صافی): اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، نگاه به صورت و دست آنان تا مچ جایز است؛ ولی نگاه به جاهای دیگر (هر چند بدون قصد لذت) حرام است. ۳۳۳
آیه‌الله صافی: نگاه به بدن آنان (هر چند بدون قصد لذت) حرام است و بنابر احتیاط واجب، به صورت و دست آنان تا مچ نیز بدون قصد لذت نگاه نشود. ۳۳۴

نگاه از آینه

پرسش ۳۴۴. آیا نگاه به موهای زن نامحرم، از داخل آینه جایز است؟
همه مراجع: خیر، جایز نیست. ۳۳۵
تبصره. حکم نگاه از آینه، شیشه، آب صاف و مانند آن، با نگاه به عکس و فیلم زن تفاوت دارد. نگاه از داخل آینه به زن نامحرم جایز نیست؛ ولی نگاه به عکس و فیلم او (اگر نا آشنا باشد)، جایز است.

نگاه به مرد

پرسش ۳۴۵. حکم نگاه کردن زن به بازو و آرنج مرد نامحرم چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و صافی: جایز نیست. ۳۳۶
آیه‌الله بهجت: بنابر احتیاط واجب جایز نیست. ۳۳۷
آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد. ۳۳۸

نگاه به دختر بچه

پرسش ۳۴۶. آیا نگاه کردن به مو و بدن دختر نابالغ جایز است؟
آیات عظام امام و سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد؛ ولی بنابر احتیاط (مستحب) به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می‌پوشانند، نگاه نکند. ۳۳۹
آیه‌الله بهجت: اگر دختری است که خوب و بد را می‌فهمد، بنابر احتیاط واجب نگاه به او - خواه با قصد لذت یا بدون آن - جایز نیست. ۳۴۰
آیات عظام تبریزی، صافی و وحید: اگر دختری است که خوب و بد را می‌فهمد (و به حدی رسیده که مورد نظر

شهوانی است)؛ در این صورت نگاه به او - هر چند بدون قصد لذت - جایز نیست. ۳۴۱
آیات عظام فاضل، مکارم و نوری: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد؛ ولی بنابر احتیاط واجب به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می‌پوشانند، نگاه نکند. ۳۴۲

عکس کودکی

پرسش ۳۴۷. دیدن عکس دوران کودکی زن نامحرم، در صورتی که پوشش کافی نداشته باشند، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز سیستانی): اگر نگاه به آن باعث هتك وی و تحريك شهوت نشود، اشکال ندارد. ۳۴۳
آیه‌الله سیستانی: اگر عکس یاد شده، حکایت از وضع کنونی زن کند و او را نیز بشناسد، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. ۳۴۴

فیلم نامحرم

پرسش ۳۴۸. نگاه به عکس و فیلم برخی از فامیل‌ها و آشنایان که از نظر حجاب بی‌بند و بار و بی‌باک هستند، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری و وحید: اگر باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. ۳۴۵
آیات عظام بهجت و فاضل: بنابر احتیاط واجب، نگاه به عکس و فیلم آنان، جایز نیست. ۳۴۶
آیات عظام خامنه‌ای و صافی: نگاه به عکس و فیلم آنان جایز نیست. ۳۴۷

فیلم مجاز

پرسش ۳۴۹. نگاه به فیلم‌های مجاز داخلی و خارجی - که از سوی وزارت ارشاد اجازه داده شده است - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: [اگر در حد ابتدال نبوده] و بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد و باعث مفسد و انحرافات اخلاقی نشود، اشکال ندارد (خواه فیلم داخلی باشد یا خارجی). ۳۴۸

فیلم تحريك همسر

پرسش ۳۵۰. آیا زن و شوهر برای تحريك جنسی، می‌توانند به فیلم‌های سکس و مبتذل نگاه کنند؟
همه مراجع (به جز تبریزی): خیر، تحريك شهوت به وسیله فیلم‌های مبتذل و جنسی جایز نیست. ۳۴۹
آیه‌الله تبریزی: نگاه به فیلم‌هایی که باعث تحريك شهوت بر حرام و یا ترویج فساد در جامعه می‌شود، جایز نیست. ۳۵۰

فیلم تحريك کننده

پرسش ۳۵۱. اگر با مشاهده فیلم‌های شهوت‌انگیز، مقداری از شهوت انسان فروکش کند و در جلوگیری از ارتکاب حرام مؤثر باشد؛ آیا مشاهده آن جایز است؟
همه مراجع: نگاه به این فیلم‌های شهوت‌انگیز، جایز نیست و توجیه یاد شده، مجوز ارتکاب حرام دیگر نمی‌شود. ۳۵۱

فیلم مبتذل

پرسش ۳۵۲. نگاه به فیلم‌های مبتذل - که بیشتر زنان غیرمسلمان در آن بازی می‌کنند - در صورتی که موجب تحريك انسان نشود، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): با توجه به اینکه دیدن این گونه فیلم‌ها، شهوت برانگیز و مقدمه ارتکاب گناه است، نگاه به آنها حرام است. ۳۵۲
آیه‌الله تبریزی: نگاه به فیلم‌هایی که موجب تحريك شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه باشد، جایز نیست. ۳۵۳
آیه‌الله سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه نیز باشد، بنابر احتیاط واجب نگاه به زنان جایز نیست. ۳۵۴

عکس اینترنتی

پرسش ۳۵۳. در حین کار با شبکه اینترنت گاهی در کنار برخی از مقالات، عکس‌های مبتذل دیده می‌شود که ناگزیر

از دیدن آنها هستیم ؛ راهنمایی شما چیست؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و وحید: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد ؛ ولی نگاه به آن با قصد لذت حرام است و بنا بر احتیاط واجب، بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه، جایز نیست. ۳۵۵
آیات عظام بهجت، صافی، مکارم و نوری: اگر به طور اتفاقی چشمتان به آن بیفتد، اشکال ندارد ؛ ولی نگاه عمدی به آن (هر چند بدون قصد لذت) ، جایز نیست.

سانسور فیلم

پرسش ۳۵۴ . دیدن فیلم‌های مبتذل به منظور سانسور کردن آن، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و مکارم: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، برای مأموران نظارت در مقام عمل به وظیفه قانونی - به مقدار ضرورت - اشکال ندارد ؛ ولی باید از قصد لذت اجتناب کنند. واجب است افرادی که برای نظارت و بررسی گمارده می‌شوند، از جهت فکری و روحی زیر نظر راهنمایی مسئولان باشند. ۳۵۶
آیات عظام بهجت، صافی و وحید: نگاه به این فیلم‌ها - که همیشه با نگاه شهوت برانگیز همراه است - جایز نیست. ۳۵۷

آیه‌الله سیستانی: اگر با قصد لذت باشد، حرام است. اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، بنا بر احتیاط واجب، نگاه کردن به آن جایز نیست. ۳۵۸

ظهور فیلم

پرسش ۳۵۵ . ظهور فیلم‌های عکاسی و میکس به وسیله مرد، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر زن را نشانسد و باعث مفسده نشود، اشکال ندارد. ۳۵۹

فیلم برداری مجالس

پرسش ۳۵۶ . در حالی که می‌دانیم مردان فامیل و آشنا، فیلم ما را مشاهده می‌کنند ؛ آیا بر ما (زنان) جایز است بدون حجاب در مقابل فیلم بردار ظاهر شویم؟
همه مراجع: خیر، باید حجاب خود را رعایت کنید. ۳۶۰

نگاه به ورزشکاران

پرسش ۳۵۷ . حضور بانوان در میدانی ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیرپوش بازی می‌کنند، چه حکمی دارد؟
همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و سیستانی): نگاه زن به بدن نامحرم جایز نیست ؛ هر چند بدون قصد لذت باشد. ۳۶۱

آیه‌الله بهجت: نگاه به آنها بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و اگر باعث مفسده شود، حضور آنان حرام است. ۳۶۲
آیات عظام تبریزی و سیستانی: با توجه به اینکه حضور زنان در این گونه ورزشگاه‌ها، باعث مفسده است، جایز نیست. ۳۶۳

فیلم ورزشی

پرسش ۳۵۸ . حکم تماشای کشتی‌گیران و سایر ورزشکاران با بدن نیمه برهنه، از تلویزیون برای بانوان چگونه است؟
آیات عظام امام، فاضل، سیستانی، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد و باعث مفسده هم نشود، اشکال ندارد. ۳۶۴
آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: با توجه به اینکه نگاه به این نوع برنامه‌ها، باعث فساد و تهییج شهوت می‌شود، جایز نیست. ۳۶۵
آیه‌الله تبریزی: اگر به طور غیرزنده پخش شود و قصد لذت و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد. اما اگر به طور زنده پخش شود، در هر حال جایز نیست. ۳۶۶
آیه‌الله خامنه‌ای: اگر به طور غیر زنده پخش شود و قصد لذت و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد. و اگر به طور زنده پخش شود، در هر حال بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. ۳۶۷
تبصره. فرض مسأله، جایی است که مردان ورزشکار و کشتی‌گیر ناشناس باشند (یعنی او را از غیر طریق فیلم به

طور شخصی نشناسد) وگرنه به فتوای همه مراجع تقلید، تماشای آن حرام است.

احکام ازدواج

اهمیت ازدواج

پرسش ۳۵۹. درباره اهمیت ازدواج و فواید آن توضیح دهید؟

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»
«۳۶۸؛ «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و نیز غلامان و کنیزان شایسته را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است».

هیچ شالوده ای مقدس تر از بنای رفیع ازدواج نیست ۳۶۹ و هر ملتی در دین و آیین خود، به نوعی از آن بهره مند است. دین اسلام بیش از همه، بر آن تأکید فراوان دارد و آثار و فواید مهمی برای آن یاد کرده است. فقیهان، ازدواج را از مستحبات مؤکد بر شمرده و آن را برای کسی که به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته اند. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس ازدواج کند، به درستی که از نصف دینش پاسداری کرده است» ۳۷۰. ازدواج دارای چند فایده است:

۱. بقای نسل،

۳. آرامش و تعادل روحی و جسمی،

۳. سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه،

۴. ارضای حس محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن و

زن و مرد از سه راه به یکدیگر محرم می شوند: نسب (خویشاوندی)، رضاع (شیر خوردن) و ازدواج. راه سوم (ازدواج) بر دو قسم است: دائمی و موقت. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن تعیین نشود و عقد موقت آن است که مدت زناشویی در آن تعیین شود. برای مثال زن را به مدت یک ساعت، یک روز، یک ماه، یک سال و یا بیشتر عقد نمایند ۳۷۱. زنی را که به این قسم عقد کنند، متعه و صیغه نیز می نامند. هر دو ازدواج در بسیاری از احکام و مسائل مشترک است؛ به عنوان مثال در هر دو باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست. خود زن و مرد می توانند این صیغه را بخوانند و یا دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان بخواند. در پاره ای از مسائل نیز با یکدیگر تفاوت دارد؛ مانند:

۱. ذکر نشدن مهر در عقد دائم، عقد را باطل نمی سازد؛ بر خلاف عقد موقت.

۲. زن و شوهر در عقد دائم از یکدیگر ارث می برند؛ بر خلاف عقد موقت.

۳. جایز نیست زن و شوهر در عقد دائم شرط کنند که نزدیکی انجام نگیرد؛ بر خلاف عقد موقت.

۴. شوهر در عقد دائم باید نفقه زن را بپردازد؛ برخلاف عقد موقت.

۵. زن در عقد دائم بدون اجازه شوهر نمی تواند بیرون برود؛ ولی در عقد موقت می تواند؛ مگر آنکه باعث تضییع حق شوهر شود.

۶. ذکر مدت در عقد دائم لازم نیست؛ ولی در عقد موقت باید مدت ذکر شود.

شرایط عقد ازدواج

پرسش ۳۶۰. شرایط عقد ازدواج چیست؟

ازدواج دارای شرایطی است؛ از جمله:

۱. به صورت شفاهی صیغه خوانده شود، نه نوشتاری.

۲. قصد انشای عقد داشته باشند.

۳. بین ایجاب و قبول موالات رعایت شود.

۴. صیغه را به صورت صحیح بخوانند.

۵. خواننده صیغه عاقل و بالغ باشد.

۶. زن و مرد به ازدواج راضی باشند.

ازدواج های حرام

پرسش ۳۶۱. ازدواج های حرام کدام است؟

ازدواج با افراد زیر حرام است:

۱. محارم،
۲. زن شوهردار،
۳. خواهرزن،
۴. زن عده دار،
۵. خواهر لواط دهنده،
۶. کافر غیرکتابی (مانند کمونیست ها)،
۷. در حال احرام،
۸. ازدواج دائم با زن پنجم.

هم خوابی دوران عقد

پرسش ۳۶۲. آیا در زمان عقد (پیش از عروسی)، اجازه پدر عروس در مورد هم خوابی شرط است؟
همه مراجع: اگر دختر در خانه پدر باشد، رفت و آمد به آن خانه برای ارتباط زناشویی، باید با اجازه پدر او باشد. ۳۷۲

وجوب ازدواج

پرسش ۳۶۳. آیا ازدواج در اسلام واجب است، یا اینکه شخص می تواند تا پایان عمر خود مجرد بماند؟
همه مراجع: اصل ازدواج در اسلام واجب نیست و از مستحباتی است که به آن بسیار سفارش شده است؛ ولی اگر کسی به واسطه نداشتن همسر، به حرام بیفتد، ازدواج بر او واجب می گردد و حق ندارد تا پایان عمر مجرد باشد.

تأخیر ازدواج

پرسش ۳۶۴. اگر جوانی از نظر شغلی و مالی، قادر به ازدواج نباشد؛ آیا باز ازدواج بر او واجب است؟
همه مراجع: اگر امکانات ازدواج برای او فراهم نباشد، معذور است؛ ولی باید خود را از گناه حفظ کند. ۳۷۳

حلقه داماد

پرسش ۳۶۵. آیا خانواده عروس، می تواند برای داماد حلقه و انگشتر طلا تهیه کند؟
همه مراجع: خرید آن جایز نیست. ۳۷۴

طلای زرد

پرسش ۳۶۶. زینت مردان با طلای زرد چه حکمی دارد؟
همه مراجع: پوشیدن طلا - مانند آویختن زنجیر طلا به گردن و به دست کردن انگشتر و ساعت طلا - برای مرد حرام است. ۳۷۵

طلای سفید

پرسش ۳۶۷. طلای سفید برای مردان چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر از جنس طلا باشد، جایز نیست؛ هر چند به رنگ سفید باشد. ۳۷۶

حکم پلاتین

پرسش ۳۶۸. آیا در دست کردن و استفاده از پلاتین برای مرد اشکال دارد؟
همه مراجع: استفاده از پلاتین اشکال ندارد. ۳۷۷
تبصره. پلاتین طلا نیست و فلز دیگری است.

زمان عروسی

پرسش ۳۶۹. آیا مراسم عقد و عروسی در ماه محرم و صفر جایز است؟
همه مراجع: برگزاری این نوع مراسم، اگر توأم با معصیت و یا هتک حرمت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) نباشد، اشکال ندارد. اما برای مؤمنان سزاوار است که حرمت این ایام را پاس بدارند و از انجام کارهای شادی آفرین

دوران نامزدی

پرسش ۳۷۰. تفریح و رفتن به گردش با نامزد خود - که هنوز عقد نکرده است - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: تا زمانی که عقد شرعی خوانده نشده، جایز نیست. ۳۷۹

صیغه موقت

پرسش ۳۷۱. زن و مردی صیغه موقت جاری می‌کنند و بعد از آمیزش متوجه می‌شوند که عقدشان به جهتی باطل بوده است؛ آیا این کار آنان در حکم زنا است و بچه به دنیا آمده نامشروع است؟
همه مراجع: با توجه به اینکه به مسأله آگاه نبوده‌اند، عملشان زنا نبوده و بچه نیز حلال زاده است و اگر بخواهند به زندگی موقت ادامه دهند، باید دوباره صیغه عقد را جاری کنند. ۳۸۰

مدت عقد موقت

پرسش ۳۷۲. حداقل و حداکثر مدت در عقد موقت چه مقدار است؟
همه مراجع (به جز تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید): عقد موقت اندازه معینی ندارد و مقدار آن، با توافق دو طرف انجام می‌پذیرد. ۳۸۱
آیه‌الله سیستانی: ... باید مدت آن از مقدار عمر زن و شوهر و یا یکی از آنها بیشتر نباشد که در این صورت عقد باطل خواهد بود. ۳۸۲
آیات عظام تبریزی، مکارم و وحید: ... بنابر احتیاط واجب، باید مدت آن از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها بیشتر نباشد. در غیر این صورت، احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم را بر آن جاری سازند. ۳۸۳

عقد دائم

پرسش ۳۷۳. آیا جایز است پیش از تمام شدن مدت عقد موقت، زن را به عقد دائم خود در آورد؟
همه مراجع: خیر، جایز نیست؛ ولی می‌تواند مدت باقی مانده را به او ببخشد و سپس عقد دائم بخواند. ۳۸۴

صیغه عقد عربی

پرسش ۳۷۴. آیا در عقد ازدواج - خواه دائم یا موقت - عربی خواندن شرط است؟
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی و وحید: بنابر احتیاط واجب باید صیغه به عربی صحیح خوانده شود. ۳۸۵
آیه‌الله بهجت: خیر شرط نیست؛ بلکه می‌توانند به هر زبانی که خواستند بخوانند. اما احتیاط مستحب (بهتر) آن است که به عربی بخوانند. ۳۸۶
آیات عظام صافی، فاضل و نوری: باید صیغه به عربی صحیح خوانده شود. ۳۸۷

اشتباه صیغه عقد

پرسش ۳۷۵. اگر در خواندن عقد نکاح يك حرف یا بیشتر اشتباه شود، آیا عقد باطل است؟
همه مراجع: اگر معنای آن عوض شود، عقد باطل است. ۳۸۸

خواندن صیغه عقد

پرسش ۳۷۶. کسی که معنای لفظ عربی صیغه ازدواج را نمی‌داند، می‌تواند آن را بخواند؟
همه مراجع (به جز بهجت): خیر، جایز نیست؛ مگر آنکه معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و کلمات آن را صحیح ادا کند. ۳۸۹
آیه‌الله بهجت: بنابر احتیاط واجب، نمی‌تواند آن را به عربی بخواند؛ مگر آنکه بخواهد ترجمه آن را به زبان فارسی و یا زبان دیگری جاری کند. در این صورت احتیاط مستحب آن است که هر دو را بخواند (عربی و ترجمه آن). ۳۹۰

صیغه عقد فارسی

پرسش ۳۷۷. آیا زن و مرد می‌توانند خودشان صیغه ازدواج را به فارسی بخوانند یا اینکه باید وکیل بگیرند تا عربی

خوانده شود؟

آیات عظام امام، سیستانی، صافی، مکارم، نوری و وحید: اگر نمی‌توانند خودشان به صورت عربی صحیح بخوانند، می‌توانند به فارسی و یا هر زبان دیگری صیغه را اجرا کنند؛ ولی باید در همان زبان، لفظی را بگویند که معنای «زوجت» و «قبلت» را بفهماند و لازم نیست وکیل بگیرند. ۳۹۱

آیه‌الله بهجت: خواندن عقد نکاح به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری جایز است؛ هر چند توانایی بر خواندن زبان عربی هم داشته باشند و وکیل گرفتن لازم نیست. ۳۹۲

آیات عظام تبریزی و فاضل: اگر نمی‌توانند خودشان به صورت عربی صحیح بخوانند، چنانچه گرفتن وکیل برایشان ممکن باشد - بنابر احتیاط واجب - باید وکیل بگیرند و اگر ممکن نیست، می‌توانند خودشان به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری صیغه را اجرا کنند؛ ولی باید در همان زبان، لفظی را بگویند که معنای «زوجت» و «قبلت» را بفهماند. ۳۹۳

پرسش ۳۷۸. اگر دختر و پسری بخواهند خودشان صیغه عقد موقت بخوانند، کیفیت آن به چه شکل است؟ همه مراجع: پس از تعیین مهر و مدت عقد و رعایت شرایط عقد (مانند اجازه پدر دختر)، نخست دختر بگوید: **«رَوِّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»** و پس از آن بدون فاصله (طولانی) پسر بگوید: **«قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ»**. ۳۹۴

مجلس عقد

پرسش ۳۷۹. آیا زن و شوهر باید در مجلسی که صیغه عقد خوانده می‌شود، حضور داشته باشند؟ همه مراجع: خیر، لازم نیست. ۳۹۵

روابط مشروع

پرسش ۳۸۰. آیا هیچ راه شرعی و قانونی - به جز ازدواج - وجود دارد که دو جوان روابط مشروع با هم داشته باشند؟ آیا در اسلام چیزی به نام صیغه خواهر و برادری وجود دارد؟ همه مراجع: خیر، تنها راه، ازدواج - به طور دائم یا موقت - است و صیغه خواهر و برادری با نامحرم مشروع نیست. ۳۹۶

وکیل عقد ازدواج

پرسش ۳۸۱. آیا خود مرد می‌تواند از طرف زن، وکیل شود و عقد را بخواند؟ همه مراجع: آری، می‌تواند. ۳۹۷

ازدواج اجباری

پرسش ۳۸۲. اگر پدر و مادر فرزندان خود (پسر یا دختر) مجبور سازند با شخص غیر مورد علاقه خود ازدواج کنند، آیا عقد صحیح است؟ همه مراجع: خیر، در فرض یاد شده عقد باطل است. ۳۹۸

عقد در چت

پرسش ۳۸۳. آیا جایز است عقد ازدواج را از طریق چت و به صورت آنلاین و زنده، اجرا کرد؟ همه مراجع: اگر شرایط صحت عقد را رعایت کنند و صدای یکدیگر را بشنوند و بین جملات آنان فاصله طولانی نیفتد، اشکال ندارد و عقد صحیح است. ۳۹۹

عقد معاطاتی

پرسش ۳۸۴. آیا عقد و نکاح معاطاتی نیز جایز است؟ به عنوان مثال پسر انگشتری را در دست دختر کند به قصد اینکه همسر یکدیگر شوند، بی‌آنکه صیغه عقد بخوانند؟ همه مراجع: ازدواج معاطاتی، درست نیست و باید صیغه بخوانند. ۴۰۰

شاهد ازدواج

پرسش ۳۸۵. آیا در عقد ازدواج، شاهد گرفتن لازم است؟
همه مراجع: خیر، در عقد ازدواج - خواه دائم یا موقت - حضور شاهد لازم نیست. ۴۰۱

اجازه پدر

پرسش ۳۸۶. آیا در ازدواج با دختر باکره، اجازه پدر یا جد پدری واجب است و اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقدشان باطل است؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و نوری: آری، باید با اجازه پدر یا جد پدری دختر باشد و بدون اجازه او عقد باطل است. ۴۰۲
آیات عظام بهجت، فاضل: از نظر تکلیفی، احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر یا جد پدری باشد، ولی اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقد باطل نیست. ۴۰۳
آیات عظام خامنه‌ای، صافی و وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه او باشد و اگر بدون اجازه عقد بخوانند بنا بر احتیاط واجب، عقد باطل است. ۴۰۴

اجازه عقد موقت

پرسش ۳۸۷. آیا عقد موقت نیز مانند عقد دائم، احتیاج به اجازه پدر دارد؟
همه مراجع: آری، تفاوتی بین آن دو نیست. ۴۰۵

صیغه محرمیت

پرسش ۳۸۸. ما دو نفر همکار مجرد هستیم، برای آنکه روابط مان از نظر شرعی دچار مشکل نشود و به گناه کشیده نشویم، می‌توانیم بدون اجازه پدر دختر، ازدواج موقت کنیم؟
همه مراجع: روابط کاری و تحصیلی باعث نمی‌شود، اذن پدر یا جد پدری دختر از اعتبار بیفتد. ۴۰۶

تفاوت مرجع تقلید

پرسش ۳۸۹. اگر مرد مقلد مرجعی باشد که معتقد است ازدواج موقت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز نیست؛ ولی دختر مقلد کسی است که می‌گوید اجازه پدر لازم است؛ آیا مرد می‌تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟
همه مراجع: در این فرض نیز باید با اجازه پدر دختر باشد. ۴۰۷

رضایت قلبی پدر

پرسش ۳۹۰. اگر دختر گفت: پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند؛ آیا می‌توان به گفته او بدون اذن پدر با او ازدواج کرد؟
همه مراجع: در اذن پدر، اظهار لازم است و رضایت قلبی کافی نیست. ۴۰۸

ازدواج دختر

پرسش ۳۹۱. اگر دختر بکارنش را در دوران کودکی از دست داده باشد (البته نه از راه نامشروع؛ بلکه مثلاً با بازی و ورزش)، آیا در ازدواج با او، اجازه پدرش شرط است؟
همه مراجع: این دختر حکم دختر باکره را دارد. ۴۰۹

طلاق دختر

پرسش ۳۹۲. اگر دختر باکره‌ای شوهر کند و بدون اینکه با او نزدیکی شود، طلاق بگیرد؛ آیا ازدواج با او نیاز به اجازه پدر دارد؟
آیات عظام امام، سیستانی و نوری: آری، باید با اجازه او باشد. ۴۱۰
آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه او باشد. ۴۱۱

عقد مخفیانه نامزد

پرسش ۳۹۳. اگر پدر دختر به ازدواج دائم با جوانی اجازه دهد؛ آیا آنان می‌توانند برای آشنایی از خصوصیات

یکدیگر، بدون اطلاع خانواده او، عقد موقت بخوانند؟
همه مراجع: در این فرض نیز اعتبار اجازه پدر برای خواندن عقد موقت ساقط نمی‌شود ۴۱۲.

فوت پدر

پرسش ۳۹۴. دختر باکره رشیده‌ای که پدرش فوت کرده، اجازه چه کسی برای عقد او لازم است؟
همه مراجع (به جز مکارم): در ازدواج با دختر باکره به جز اجازه پدر و یا جد پدری، اجازه فرد دیگری لازم نیست. ۴۱۳
آیه‌الله مکارم: در صورت فوت پدر و جد پدری، عقد موقت دختر با اجازه حاکم شرع باشد.

روابط قبل عقد

پرسش ۳۹۵. آیا دختر و پسر عاقل و بالغ، می‌توانند بدون اطلاع خانواده برای ازدواج با هم صحبت کنند و سپس خانواده را مطلع سازند؟
همه مراجع: خواستگاری و گفت‌وگویی پیش از عقد، اگر مفسده نداشته و بدون قصد لذت و ترس افتادن در گناه باشد، اشکال ندارد. ۴۱۴

مخالفت پدر

پرسش ۳۹۶. در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند؛ ولی پدر دختر مخالف ازدواج آنها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است؟ (باید توجه داشت دختر بالغ و رشیده است و نیاز به ازدواج دارد)؟
همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و صافی): اگر پسر - شرعا و عرفا - کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست. ۴۱۵
آیات عظام بهجت و تبریزی: اگر پسر - شرعا و عرفا - کفو و همتای دختر باشد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، اجازه پدر لازم نیست. ۴۱۶
آیات عظام خامنه‌ای و صافی: اگر پسر - شرعا و عرفا - کفو و همتای دختر باشد و کفو دیگری نیز پیدا نشود، اجازه پدر لازم نیست. ۴۱۷

رضایت پدر

پرسش ۳۹۷. در صورتی که ولی دختر باکره، به اصل ازدواج دخترش با جوانی راضی است؛ ولی نسبت به خصوصیات ازدواج (مانند مقدار مهر و تعیین زمان عقد و عروسی و...) مخالف است و خود پسر و دختر توافق دارند؛ آیا در این صورت هم اجازه پدر لازم است؟
همه مراجع: اگر پدر با اصل ازدواج موافق است، ولی نسبت به خصوصیات آن مخالف باشد؛ در این صورت اجازه او لازم نیست و عقد صحیح است. ۴۱۸

ازدواج مجدد

پرسش ۳۹۸. آیا زن می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، شرط کند که شوهر او همسر دوم اختیار نکند؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، فاضل، مکارم و نوری: خیر، این شرط صحیح و نافذ نیست؛ ولی اگر شرط کند که: «زن وکیل شوهر باشد، چنانچه شوهر ازدواج مجدد نماید، خود را طلاق دهد»، صحیح است. ۴۱۹
آیات عظام تبریزی، سیستانی و صافی: آری، این شرط صحیح و نافذ است و اگر شوهر بعد از ازدواج، به این شرط عمل نکرد و ازدواج مجدد نمود، گناه کرده است. ۴۲۰
آیه‌الله وحید: بنابر احتیاط واجب، این شرط صحیح و نافذ نیست؛ ولی اگر شرط کند که: «زن وکیل شوهر باشد، چنانچه شوهر ازدواج مجدد نماید، خود را طلاق دهد»، صحیح است. ۴۲۱

زنان بدکاره

پرسش ۳۹۹. صیغه کردن زنان بدکاره چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای و صافی: ازدواج موقت با او کراهت شدید دارد و اگر با او ازدواج کرد، واجب است او را از کار زشتش باز دارد. ۴۲۲
آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: بنا بر احتیاط واجب پیش از توبه او، جایز نیست. ۴۲۳

ازدواج با بی‌نماز

پرسش ۴۰۰. آیا ازدواج با شخصی که نماز نمی‌خواند، جایز است؟
همه مراجع: ازدواج با او جایز است؛ ولی کراهت دارد. ۴۲۴
تبصره. ازدواج با فرد فاسق کراهت دارد و کسی که نماز نمی‌خواند، مصداق بارز فسق شمرده می‌شود.

ازدواج با اهل سنت

پرسش ۴۰۱. حکم ازدواج دختر شیعه با مردی از اهل تسنن چیست؟
همه مراجع (به جز بهجت، تبریزی و وحید): ازدواج دختر شیعه با مرد سنی، مکروه است؛ ولی اگر بترسد که بر اثر ازدواج با او به گمراهی بیفتد، جایز نیست. ۴۲۵
آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید: اگر بترسد که بر اثر ازدواج با او به گمراهی بیفتد، جایز نیست و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب، با او ازدواج نکند. ۴۲۶
تبصره. ازدواج با برخی از فرقه‌ها مانند: غلات، ناصبی‌ها و خوارج - که خود را مسلمان می‌پندارند، ولی در حقیقت محکوم به کفر هستند - جایز نیست.

زن شوهردار

پرسش ۴۰۲. هرگاه با زنی به صورت دائم یا موقت ازدواج کند، آن‌گاه معلوم شود که شوهر دارد، تکلیف چیست؟
همه مراجع: عقد باطل است و باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد. ۴۲۷

خواهر لواط دهنده

پرسش ۴۰۳. شخصی پس از بلوغ با پسر بچه‌ای نابالغ، وطی (لواط) کرده؛ بعد خواهر او را گرفته است. پس از ازدواج متوجه می‌شود که ازدواج با او حرام بوده؛ اکنون تکلیف چیست؟
همه مراجع (به جز تبریزی): در فرض یاد شده، آن زن بر مرد حرام است و باید از او جدا شود و نیاز به طلاق هم ندارد. ۴۲۸
آیه‌الله تبریزی: بنا بر احتیاط واجب زن بر مرد حرام است و باید از او جدا شود و بنا بر احتیاط طلاق هم بدهد. ۴۲۹
پرسش ۴۰۴. اگر لواط کننده و لواط دهنده هر دو نابالغ باشند، آیا باز ازدواج با خواهر لواط دهنده حرام می‌شود؟
آیات عظام امام، بهجت و نوری: آری، ازدواج با خواهر او حرام می‌شود. ۴۳۰
آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل و مکارم: خیر، ازدواج با خواهر او حرام نمی‌شود. ۴۳۱
آیات عظام سیستانی و وحید: بنابر احتیاط واجب، ازدواج با خواهر او حرام نمی‌شود. ۴۳۲

ازدواج در عده

پرسش ۴۰۵. اگر مردی با زنی که در عده است از روی جهل به مسأله، عقد دائم یا موقت بخواند؛ آیا این زن بر او حرام ابدی می‌شود؟
همه مراجع (به جز مکارم): اگر هر دو نمی‌دانستند که ازدواج با زن عده‌دار حرام است؛ چنانچه مرد (در زمان عده) با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود. اما اگر نزدیکی نکرده باشد، تنها عقد باطل است و می‌تواند پس از پایان عده، با یکدیگر ازدواج کنند. ۴۳۳
آیه‌الله مکارم: اگر وکیل عقد را در عده خوانده باشد حرام ابدی نمی‌شود.

پرداخت مهریه

پرسش ۴۰۶. اگر به اعتقاد اینکه، دختر باکره است با او ازدواج کند، آن‌گاه بعد از عقد متوجه شود که بکارتش از بین رفته؛ آیا عقد صحیح است؟ آیا از مهر چیزی کسر می‌شود؟
همه مراجع: آری، عقد صحیح است و باید مقدار تفاوت مهریه دختر باکره و غیرباکره‌ای که همانند و هم‌شان او هستند، در نظر گرفت و به نسبت آن از مهریه او کم کرد. به عنوان مثال اگر مهریه این دختر صد سکه و مهریه دختر باکره هم‌شان او، هشتاد سکه و مهریه دختر غیرباکره هم‌شان او، شصت سکه طلا باشد؛ در این صورت شوهر می‌تواند هفتاد و پنج سکه طلا به همسرش بدهد. ۴۳۴

پرسش ۴۰۷ . اگر مردی قصد پرداختن مهریه همسرش را نداشته باشد، آیا این عقد آنها باطل است؟
همه مراجع: عقد صحیح است و مرد باید مهریه را بپردازد. ۴۳۵

پرسش ۴۰۸ . اگر مرد هنگام اجرای عقد از دواج، مهریه‌ای را قرار دهد که می‌داند قدرت پرداخت آن را ندارد؛ آیا این عقد باطل است؟
همه مراجع: خیر، عقد صحیح است و باید مهریه‌ای را که تعیین کرده، به زن بپردازد. ۴۳۶

مهر السنه

پرسش ۴۰۹ . مقدار مهر السنه را بیان کنید؟
همه مراجع: «مهر السنه» مقدار مهری است که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) برای همسران خود و حضرت زهرا (علیها السلام) قرار داد. مقدار آن پانصد درهم است و هر درهم، معادل ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار است. در مجموع برابر ۶۳۰۰ نخود (یا ۲۶۲/۵ مثقال) می‌شود و قیمت آن در هر زمان، تابع نرخ همان زمان است. ۴۳۷

احکام زن و شوهر

حقوق زن و شوهر

پرسش ۴۱۰ . درباره حقوق زن و شوهر توضیح دهید؟
«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» ۴۳۸؛ «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید».
در زندگی زناشویی چندین حقوق متقابل - به عنوان حق و وظیفه - مطرح است. هر جا وظیفه هست، در برابرش حق قرار دارد؛ چنان که هر جا برای کسی حقی قرار داده شده، در مقابل وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته شده است. زن و شوهر نسبت به همدیگر، وظایفی دارند و بر همین اساس حقوق متقابلی متوجه آنان است که اگر هر دو به وظایف خود عمل کنند و به حقوق خود برسند، زندگی آنها درست و بر اساس عدالت استوار است و در نتیجه زندگی در سایه آن شیرین می‌گردد.

پایه و اساس خانواده، احترام و محبت و رعایت حقوق یکدیگر است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس زن گرفت، باید او را گرامی بدارد و به او احترام کند.» ۴۳۹ و امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «جهاد زن شوهرداری نیکو است.» ۴۴۰

حقوق زناشویی بر دو نوع است:

۱. حقوق واجب و قانونی،

۲. حقوق مستحب و اخلاقی.

حقوق قانونی، رعایت حداقل‌ها است که قانون و دادگاه از آن دفاع می‌کند. حقوق اخلاقی، رعایت حسن هم زیستی است که خوشی و شیرینی زندگی را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

الف. حقوق زن نسبت به مرد:

۱. تهیه غذا،

۲. تهیه پوشاک،

۳. تهیه وسایل مورد نیاز خانه،

۴. تهیه مسکن،

۵. حق آمیزش و همجواری،

ب. حقوق مرد نسبت به زن:

۱. خروج از منزل با اجازه شوهر،

۲. حق تمکین،

۳. رفع امور نفرت آور،

۴. آرایش و نظافت،

۵. نذر و قسم خوردن با اجازه شوهر.

نّفقه زن

پرسش ۴۱۱ . آیا بدهی های شرعی زن - از قبیل کفاره، خمس، رد مظالم و... - بر عهده شوهر است؟
همه مراجع: خیر، پرداخت این نوع بدهی ها بر شوهر واجب نیست و اگر زن مال دارد، باید خودش بدهد. در غیر این صورت، تکلیفی ندارد. ۴۴۱

مخارج اضافی

پرسش ۴۱۲ . آیا علاوه بر نفقه و نیازهای ضروری زن، نیازهای دیگر او نیز - از قبیل خرید کتاب، انفاق به فقیران، هدیه دادن، برپا کردن مجالس روضه خوانی و جشن ائمه (علیهم السلام) - بر شوهر واجب است؟
همه مراجع: خیر، تأمین نیازهای یاد شده، برای شوهر واجب نیست. ۴۴۲

مخارج زندگی

پرسش ۴۱۳ . چنانچه مردی نفقه همسرش را ندهد و یا از آن کم بگذارد، زن چگونه می تواند نفقه خود را از او استیفا نماید؟

آیات عظام امام، بهجت و فاضل: نخست باید به حاکم شرع مراجعه کند و با عدم دسترسی به او، با چند نفر از افراد عادل در میان بگذارد تا از این طریق، او را بر پرداخت نفقه ملزم کنند و اگر این راه ها ممکن نبود، می تواند مخارج زندگی خود را بدون اجازه از مال شوهر بردارد. ۴۴۳

آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم و نوری: اگر ممکن است، می تواند مخارج زندگی خود را بدون اجازه از مال شوهر بردارد. ۴۴۴

آیه الله وحید: می تواند از طریق متصدی امور حسبیه، شوهر را بر پرداخت نفقه ملزم کند و اگر ممکن نشد، می تواند خرجی خود را بدون اجازه، از مال شوهر بردارد و احتیاط واجب آن است که این کار با اجازه حاکم شرع باشد. ۴۴۵
تبصره. به فتوای آیه الله سیستانی و آیه الله مکارم شیرازی، در فرض یاد شده، تصرف در اموال شوهر باید با اجازه حاکم شرع باشد.

حق زن

پرسش ۴۱۴ . اگر زن درآمد کافی داشته باشد، آیا شوهر می تواند از پرداخت نفقه به همسر خود امتناع ورزد؟
همه مراجع: خیر؛ هر چند زن درآمد کافی نیز داشته باشد، باز نفقه او بر شوهر واجب است. ۴۴۶

نّفقه نامزد

پرسش ۴۱۵ . در دوران عقد تا عروسی - که دختر در خانه پدر به سر می برد - آیا تأمین نفقه او بر عهده شوهر است؟

آیات عظام امام، بهجت، خامنه ای، صافی، فاضل، مکارم و نوری: در فرض یاد شده اگر زن تمکین داشته باشد، نفقه او بر شوهر واجب است. ۴۴۷

آیات عظام تبریزی و وحید: خیر، در این فرض بر عهده شوهر نیست. ۴۴۸
آیه الله سیستانی: اگر در شهری که زندگی می کنند، متعارف این است که نفقه دختر را خانواده اش می دهد، بر عهده شوهر چیزی نیست. در غیر این صورت، پرداخت نفقه، وظیفه شوهر است. ۴۴۹
تبصره. اگر با مطالبه زن، مرد نفقه را در این مدت نپردازد (طبق فتوای کسانی که می گویند نفقه او بر عهده شوهر است)، زن می تواند در آینده قیمت نفقه پرداخت نشده در این دوران را، از شوهر مطالبه کند.

مسکن زن

پرسش ۴۱۶ . آیا زن حق دارد از زندگی کردن در خانه ای که پدر و مادر شوهر هستند، امتناع ورزد و منزل جداگانه ای درخواست کند؟

همه مراجع: بر شوهر واجب است مسکن مناسب شأن زن و متعارف محل، تهیه کند و منزل جداگانه لازم نیست؛ مگر آنکه داشتن منزل جداگانه، از شئون آن زن باشد. ۴۵۰

متابعت در سکونت

پرسش ۴۱۷. آیا زن بعد از عقد ازدواج، می‌تواند از سکونت در شهری خاص امتناع ورزد؟
همه مراجع: خیر، چنین حقی ندارد؛ مگر آنکه در ضمن عقد شرط کرده باشد [و یا عقد بر این توافق واقع شده باشد]. ۴۵۱.

مطالبه مهریه

پرسش ۴۱۸. اگر زن بعد از نزدیکی با همسرش، مهرش را از شوهر بطلد؛ ولی او قادر به پرداخت آن نباشد، تکلیف چیست؟
همه مراجع: اگر شوهر به جز خانه و اثاث آن و چیزهای دیگری که به آنها نیاز دارد و یا در شأن او است، چیز دیگری نداشته باشد، زن نمی‌تواند مهر خود را از او مطالبه کند؛ بلکه باید صبر کند تا او بتواند بدهی خود را بپردازد. ۴۵۲.

پرسش ۴۱۹. در جایی که بیرون رفتن زن با حق شوهر منافات نداشته باشد (مانند اینکه شوهر سر کار است)، آیا باز اجازه او لازم است؟
همه مراجع (به جز تبریزی و مکارم): آری، اجازه شوهر در این فرض نیز لازم است. ۴۵۳.
آیات عظام تبریزی و مکارم: بنابر احتیاط واجب، در این فرض نیز اجازه شوهر لازم است. ۴۵۴.

پی‌نوشت‌ها:

۱. توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۸۳.
۲. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۱، کفاره‌الصوم؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س ۸۲۲ و دفتر: همه مراجع.
۳. فاضل، جامع‌المسائل، ج ۲، س ۱۳۱۳؛ سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۳، م ۴۲۸ و دفتر: همه مراجع.
۴. توضیح المسائل مراجع، ۱۷۰۵، ۱۷۰۹؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۱۳، ۱۷۱۷.
۵. دفتر: همه مراجع.
۶. توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۲۱؛ مکارم، توضیح المسائل، م ۱۳۷۱؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱۶۱۸.
۷. وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۲۹ و صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۲۱.
۸. توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۳۲.
۹. تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۱، س ۱۰۷ و منهاج‌الصالحین، ج ۱، بعد از م ۱۰۰۴؛ وحید، منهاج‌الصالحین، ج ۲، بعد از م ۱۰۰۴؛ امام، استفتائات، ج ۱ روزه، س ۳۱؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۹۴؛ دفتر: مکارم و بهجت.
۱۰. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۱، بعد از م ۱۰۰۴؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۵۵۸؛ دفتر: صافی و وحید.
۱۱. نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۹.
۱۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۲۲.
۱۳. امام، استفتائات، ج ۱، روزه، س ۳۱؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۹۵؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۹؛ تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۱، س ۱۰۷؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۵۵۸؛ بهجت، وسیله‌النجاه، ج ۱، م ۱۰۸۹؛ سیستانی، تبریزی، منهاج‌الصالحین، م ۹۸۵؛ صافی، هدایة‌العباد، ج ۱، م ۱۲۸۲؛ دفتر: وحید و مکارم.
۱۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱۶۶۲؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۷۳.
۱۵. همان، م ۱۶۶۵؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س ۷۸۵.
۱۶. توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۵.
۱۷. امام، تحریر الوسیلة، ج ۱، فیما یترتب علی الافطار، م ۱، صافی، هدایة‌العباد، ج ۱، م ۱۳۱۱، ۱۳۱۸؛ نوری، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس.
۱۸. بهجت، وسیله‌النجاه، ج ۱، م ۱۱۰۹، ۱۱۱۷؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس؛ خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س ۸۱۷.
۱۹. تبریزی، وحید: منهاج‌الصالحین، کفارة‌الصوم، تنمیم.
۲۰. سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۱، کفارة‌الصوم، تنمیم.
۲۱. مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۵۸.

۲۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۱۵ و ۱۷۰۳ و العروة الوثقی، فصل ۶ م ۲۵ و فصل ۱۰، م ۵.
۲۳. فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۵۸۱؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۱۲۲؛ دفتر: همه مراجع.
۲۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۰.
۲۵. العروة الوثقی، ج ۲، الصوم، طرق ثبوت الهلال، م ۱.
۲۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، باب الغسل فی اللیالی المخصوصه، ص ۱۵۹.
۲۷. العروة الوثقی، ج ۲، الصوم، طرق ثبوت الهلال، م ۱.
۲۸. توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۶۱.
۲۹. تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۶۱؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۵۶۹.
۳۰. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۲؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۴۰.
۳۱. العروة الوثقی، ج ۲، فصل فی طرق ثبوت الهلال.
۳۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۵؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۸۳۷، ۸۳۹.
۳۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۵؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۴۳ و دفتر: فاضل.
۳۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۵؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۸۳۷، ۸۳۹.
۳۵. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۵؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۴۳.
۳۶. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۹؛ ۱۷۳۵؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۸۳۷ و ۸۳۹.
۳۷. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۵؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۴۳.
۳۸. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۱؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۸۴۲ و ۸۴۳؛ بهجت، وسیله النجاه، ج ۱، م ۱۱۶۲.
۳۹. سیستانی، توضیح المسائل، م ۱۷۳۱.
۴۰. وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۳۹.
۴۱. العروة الوثقی، ج ۲، الصوم، طرق ثبوت الهلال، م ۱.
۴۲. دفتر: همه مراجع.
۴۳. دفتر: فاضل و خامنه‌ای.
۴۴. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۰؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۳۸.
۴۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، باب الفطرة، ص ۱۸۳.
۴۶. همان، ص ۱۸۳.
۴۷. کافی، ج ۴، باب الفطرة، ص ۱۷۴.
۴۸. در روایتی در تفسیر آیه شریفه «قد افلح من زکیها» آمده است: منظور از تزکیه زکات فطره است. مستدرک وسائل الشیعه، ج ۷، ابواب زکاة الفطره، ص ۱۳۷.
۴۹. وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب زکاة الفطره، ص ۳۱۸.
۵۰. العروة الوثقی، ج ۲، زکات الفطره، فصل ۲، م ۲.
۵۱. امام، استفتائات، ج ۱، زکات، س ۱۷؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۳؛ فاضل، ج ۱، س ۸۷۶؛ تبریزی، استفتائات، س ۷۸۰ و ۷۸۱؛ دفتر: وحید، بهجت و سیستانی.
۵۲. استفتائات، ج ۲، س ۳۰۲.
۵۳. استفتائات، ج ۱، س ۳۶۹.
۵۴. جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۶۳.
۵۵. توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۰۸؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۰۰۴.
۵۶. العروة الوثقی، ج ۲، زکاة الفطره، فصل ۲، مسأله ۱۲.
۵۷. توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۴۸؛ نوری، توضیح المسائل، م ۹۴۴.
۵۸. توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۴۸؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱۹۴۴؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۸۰.
۵۹. بقره ۲، آیه ۱۲۵.
۶۰. «اعْتِكَافٌ عَشْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَغْدِلُ حَجَّيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتكاف و اللمعة الدمشقیه، كتاب الاعتكاف.
۶۱. مسجد جامع مسجدی است كه اقشار مختلف مردم در آن شرکت می‌کنند و اختصاص به محله یا صنف خاصی ندارد. مساجد چهار گانه عبارت است از: مسجد الحرام، مسجد نبوی مدینه، مسجد كوفه و مسجد بصره.
۶۲. دفتر: همه مراجع.

۶۳. اجوبه الاستفتائات، س ۸۴۹.
۶۴. نوری، استفتائات، ج ۲، س ۲۷۶؛ سیستانی، Sistani.org، اعتکاف؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۱۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۴۶۲ و دفتر: امام، خامنه‌ای، مکارم، تبریزی، وحید و بهجت.
۶۵. العروة الوثقی، شرائط الاعتکاف، م ۲۰.
۶۶. دفتر: همه مراجع.
۶۷. همان، کتاب الاعتکاف.
۶۸. دفتر: همه مراجع.
۶۹. العروة الوثقی، کتاب الاعتکاف، م ۴.
۷۰. همان.
۷۱. امام، نوری، مکارم و فاضل، تعلیقات علی العروة، الاعتکاف، م ۳۰؛ صافی، هدایه العباد، ج ۱، م ۱۴۱۲؛ بهجت، وسیله النجاة، ج ۱، م ۱۲۰۳؛ تبریزی، سیستانی و وحید، منهاج الصالحین، الاعتکاف.
۷۲. همان، م ۳۷.
۷۳. العروة الوثقی، شرائط الاعتکاف، م ۳۹.
۷۴. همان، م ۴۰.
۷۵. امام، تحریر الوسیلة، ج ۱، شروط الاعتکاف، م ۹؛ سیستانی، تعلیقات علی العروة، شرائط الاعتکاف، م ۳۰؛ بهجت، وسیله النجاة، ج ۱، م ۱۲۰۳؛ صافی، هدایه العباد، ج ۱، م ۱۴۱۲؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۴۹۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۶۱۹.
۷۶. وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، الاعتکاف، السادس و تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، الاعتکاف، السادس.
۷۷. دفتر: نوری.
۷۸. انفال ۸، آیه ۴۱.
۷۹. البته در مورد هدایا، جوایز و هر فایده‌ای که بدون کسب به دست می‌آید، میان مراجع بزرگوار تقلید اختلاف نظر است که در متن بدان اشاره شده است.
۸۰. العروة الوثقی، ج ۲، م ۷۲.
۸۱. خویی، سیدابوالقاسم، مستند العروة الوثقی، کتاب الخمس، ص ۱۹۶؛ هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۴۵ و مدرسی، محمدتقی، احکام الخمس، ص ۱۶.
۸۲. «لَا يَجِلُّ لِاحِدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئًا حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقًّا»: وسائل الشیعه، ج ۶، باب ۱، ح ۴.
۸۳. ر.ک: وسائل الشیعه، ابواب ما يجب فيه الخمس و ابواب الانفال.
۸۴. ناصر، مکارم شیرازی، يك صد و هشتاد پرسش و پاسخ، ص ۴۲۳ - ۴۲۵ و تعلیقات علی العروة، کتاب الخمس، ص ۳۹۲.
۸۵. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۶، کتاب الخمس، باب ۲، ح ۱۲.
۸۶. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۶، ابواب قسمة الخمس، باب ۱، ح ۴ و ۸.
۸۷. «فَمَا كَانَ بَلِّغُهُ لِرَسُولِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ شَاءَ»؛ «آنچه خاص خدا است، برای پیامبر اسلام است، هر جا صلاح بدانند قرار می‌دهد»: همان، ابواب الانفال، باب ۱، ح ۱۲.
۸۸. در مکاتبه امام رضا (علیه السلام) به یکی از یارانش آمده است: «إِنَّ إِخْرَاجَهُ خَمْسٍ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِیْصُ دُنُوبِكُمْ»؛ «پرداخت خمس کلید جلب روزی و وسیله آمرزش گناهان است»: همان، ابواب الانفال، باب ۳، ح ۲.
۸۹. در همان مکاتبه آمده است «إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا»؛ «خمس، کمک ما در پیاده کردن دین خداست»: همان، ابواب الانفال، باب ۳، ح ۲.
۹۰. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، م ۶۱.
۹۱. هزینه‌های زاید بر نیاز و شأن افراد، جزء مؤونه محسوب نمی‌شود. بنابراین اگر بیشتر از این مقوله صرف کند؛ به گونه‌ای که در عرف اسراف شمرده شود، باید سر سال، خمس آنها را بپردازد.
۹۲. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۵۷؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱۷۵۳؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۹۹۶؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۶۵.
۹۳. امام، استفتائات، ج ۱، س ۱۶۵؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۹۷۴؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۵۲۷؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۸۵۰؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۳۷۹؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۳۳۲؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۱۳۸۹؛ سیستانی، Sistani.org، خمس؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۷۲۷؛ دفتر: وحید.

٩٤. امام، استفتائات، ج ١، س ٨٩ ؛ خامنه‌ای، اجوبة، س ٨٩٩ ؛ تبریزی، استفتائات، س ٨٠٥ ؛ مکارم، توضیح المسائل، م ١٥٠٧ ؛ صافی، جامع الاحکام، ج ١، س ٧٣٨ و ٧٤٤ ؛ وحید، توضیح المسائل، م ١٧٨٣ ؛ دفتر: سیستانی .
٩٥. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٧٤٨ ؛ بهجت، توضیح المسائل، م ١٣٩١ ؛ نوری، استفتائات، ج ٢، س ٣٤١ .
٩٦. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٥٧ ؛ نوری، توضیح المسائل، م ١٧٥٣ ؛ العروة الوثقی، ج ٢، م ٨٣ ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ٩٩٧ ؛ دفتر: وحید.
٩٧. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٥٢ ؛ نوری، توضیح المسائل، م ١٧٤٨ ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ٩٩٥ و وحید، توضیح المسائل، م ١٧٦٠ .
٩٨. العروة الوثقی، ج ٢، م ٥٩ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٧٠٨ ؛ مکارم، استفتائات، ج ٢، س ٥٤٣ ؛ سیستانی، المسائل المنتخبة، م ٥٨٨ ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ١، م ١٢١٣ .
٩٩. نوری، استفتائات، ج ١، س ٢٧١ ؛ تبریزی، التعليقة على منهاج الصالحین، م ٣٢ ؛ تبریزی، استفتائات، س ٩٤٨ و بهجت، توضیح المسائل، م ١٤٠١ .
١٠٠. دفتر: خامنه‌ای، صافی و وحید.
١٠١. ر.ک: خمس هديه.
١٠٢. س ٢٣ .
١٠٣. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٩٣ ؛ وحید، توضیح المسائل، م ١٨١٠ ؛ دفتر: خامنه‌ای.
١٠٤. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٩٣ .
١٠٥. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٥٣ ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ٨٥٠ ؛ نوری، توضیح المسائل، م ١٧٤٩ .
١٠٦. همان، م ١٧٥٣ .
١٠٧. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٥٣ و وحید، توضیح المسائل، م ١٧٦١ .
١٠٨. توضیح المسائل مراجع، م ١٧٥٣ .
١٠٩. امام، استفتائات، ج ١، س ٢٤ ؛ تبریزی، استفتائات، س ٨٥٦ ؛ سیستانی، sistani.org، خمس، ش ٨ ؛ مکارم، استفتائات، ج ٢، س ٥١٦ ؛ دفتر: وحید.
١١٠. بهجت، توضیح المسائل، م ١٣٩١ .
١١١. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٧٤٨ ؛ نوری، استفتائات، ج ٢، س ٣٣٠ .
١١٢. خامنه‌ای، اجوبة، س ٩٨٧ و ٨٦٠ .
١١٣. صافی، جامع الاحکام، ج ١، س ٧٣٨ .
١١٤. مکارم، استفتائات، ج ٢، س ٥٣٣ ؛ تبریزی، استفتائات، س ٨٨٩ ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ٩٠٨ ؛ سیستانی، Sistani.org، خمس، ش ١٠ ؛ دفتر: امام و وحید.
١١٥. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٦٧٧ ؛ بهجت، توضیح المسائل، م ١٣٩١ ؛ نوری، استفتائات، ج ٢، س ٣٢٨ .
١١٦. صافی، جامع الاحکام، ج ١، س ٧٠٦ .
١١٧. دفتر: همه مراجع.
١١٨. دفتر: بهجت.
١١٩. استفتائات، ج ٣، س ٣٣٦ .
١٢٠. امام، استفتائات، ج ١، س ٤١ ؛ صافی، جامع الاحکام، ج ١، س ٧٤٠ ؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ٩٢٢ و ٩٠٤ ؛ نوری، استفتائات، ج ١، س ٢٦٧ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٧٠٢ ؛ بهجت، توضیح المسائل، ١٣٧٦ ؛ تبریزی، استفتائات، س ٨٨٨ و ٨٢٦ ؛ مکارم، توضیح المسائل، م ١٥٠٧ .
١٢١. دفتر: سیستانی.
١٢٢. دفتر: وحید.
١٢٣. امام، استفتائات، ج ١، س ٢٣ ؛ نوری، استفتائات، ج ١، س ٢٨٣ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٦٧٥ ؛ بهجت، توضیح المسائل، م ١٣٩١ ؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ١، م ١٢١٩ ؛ صافی، جامع الاحکام، ج ١، س ٧١٩ و خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ٩٠٢ و ٩٥٦ .
١٢٤. تبریزی، استفتائات، س ٨٠٤ ؛ دفتر: وحید.
١٢٥. مکارم، استفتائات، ج ٢، س ٥١٤ .
١٢٦. امام، استفتائات، ج ١، س ١١٦ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٦٨٧ ؛ دفتر: سیستانی.
١٢٧. بهجت، توضیح المسائل، م ١٣٩٦ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٦٨٧ و ٦٨٨ ؛ دفتر: وحید و تبریزی.

١٢٨. اجوبة الاستفتائات، س ٨٩٧ و ٩٤٥.
١٢٩. مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٥٢٤ و توضيح المسائل، م ٥٠٦؛ صافى، جامع الاحكام، ج ١، س ٧٠٧.
١٣٠. استفتائات، ج ٢، س ٣٤٤.
١٣١. امام، استفتائات، ج ١، س ٢٤؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٥١٦؛ تبريزى، استفتائات، س ٨٨٠؛ صافى، جامع الاحكام، ج ١، س ٧٤٧؛ سيستاني، sistani.org، خمس، ش ٨.
١٣٢. بهجت، توضيح المسائل، م ١٣٩١.
١٣٣. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٧٤٨؛ نورى، استفتائات، ج ٢، س ٣٣٠.
١٣٤. خامنه‌اى، اجوبة، ٨٦٠، ٩٧٨.
١٣٥. نورى، استفتائات، ج ٢، س ٣٢٨؛ دفتر: همه مراجع.
١٣٦. امام، استفتائات، ج ١، س ٩٨؛ دفتر: سيستاني، تبريزى و وحيد.
١٣٧. بهجت، وسيله النجاة، م ١٣٨٩؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٧٠٤؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ٨٨٣؛ دفتر: نورى.
١٣٨. دفتر: مكارم.
١٣٩. امام، استفتائات، ج ١، س ٩٦؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٨٣٣؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٣١٩؛ بهجت، توضيح المسائل، م ١٣٧٩؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ١، م ١٢٥١؛ نورى، استفتائات، ج ٢، س ٣٧٢؛ تبريزى، استفتائات، س ٩٤٦؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ٨٧٠؛ صافى، جامع الاحكام، ج ١، س ٦٢١؛ دفتر: وحيد.
١٤٠. العروة الوثقى، ج ٢، كتاب الخمس، م ٧١.
١٤١. العروة الوثقى، ج ٢، م ٨٣؛ توضيح المسائل مراجع، م ١٧٥٧؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ٩٩٨؛ وحيد، توضيح المسائل، م ١٧٨٣.
١٤٢. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٦٤٩؛ العروة الوثقى، ج ٢، م ١؛ صافى، جامع الاحكام، ج ١، س ٦٢٨؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ٩٥٢.
١٤٣. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤.
١٤٤. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤؛ نورى، توضيح المسائل، م ١٨٣٠؛ وحيد، توضيح المسائل، م ١٨٤٣.
١٤٥. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤.
١٤٦. همان.
١٤٧. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١٠٠٤ و ١٠٠٢.
١٤٨. همان.
١٤٩. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤؛ نورى، توضيح المسائل، م ٨٣٠؛ وحيد، توضيح المسائل، م ١٨٤٣؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١٠٠٣ و ١٠٠٤.
١٥٠. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤؛ نورى، توضيح المسائل، م ١٨٣٠؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١٠٢٠؛ وحيد، توضيح المسائل، م ١٨٤٣.
١٥١. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤؛ خامنه‌اى، اجوبة، س ١٠١٧.
١٥٢. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٣٥٥؛ نورى، توضيح المسائل، م ١٨٣٠ و ١٨٣٩؛ وحيد، توضيح المسائل، م ١٨٤٣ و ١٨٥٢.
١٥٣. توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤.
١٥٤. مكارم، توضيح المسائل، م ١٥٨٢ و دفتر: همه مراجع.
١٥٥. امام، تحرير الوسيله، ج ١، الخمس، م ١١؛ بهجت، وسيله النجاة، ج ١، م ١٤٢٠؛ نورى و فاضل، توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١٠٠٢ و ١٠٠٤.
١٥٦. تبريزى، منهاج الصالحين، ج ١، م ١٢٦٩.
١٥٧. سيستاني، منهاج الصالحين، ج ١، م ١٢٦٩؛ توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤.
١٥٨. صافى، هداية العباد، ج ١، ١٦٧٤؛ توضيح المسائل مراجع، م ١٨٣٤.
١٥٩. مكارم، توضيح المسائل مراجع، م ١٨٥٠.
١٦٠. وحيد، منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٢٦٩.
١٦١. امام، استفتائات، ج ١، س ١٣٥؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ٩٩٥؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٨٠٦ و ٨١٤؛ بهجت، وسيله النجاة، م ١٣٨٢؛ صافى، توضيح المسائل، م ١٧٧٤ و جامع الاحكام، ج ١، س ٦٠٨.

۱۶۲. نوری، استفتانات، ج ۲، س ۳۱۰؛ تبریزی، التعلیقة علی منهاج الصالحین، م ۱۲۱۸؛ مکارم، توضیح المسائل، م ۱۴۸۶.
۱۶۳. سیستانی، المسائل المنتخبه، م ۵۹۳ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۷۳.
۱۶۴. فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۸۰۷؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، س ۹۹۶؛ مکارم، استفتانات، ج ۱، س ۳۰۸؛ دفتر: امام، تبریزی، صافی، سیستانی و وحید.
۱۶۵. نوری، استفتانات، ج ۲، س ۳۱۸؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۴۰۰.
۱۶۶. مکارم، توضیح المسائل، م ۱۵۶۸؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۷۷۳؛ دفتر: همه مراجع.
۱۶۷. البته در آغاز سال خمسی میان مراجع اختلاف نظر هست. رك: زمان سال خمسی
۱۶۸. العروة الوثقی، ج ۲، باب الخمس، م ۶۷.
۱۶۹. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۶۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱۷۶۱؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۷۳.
۱۷۰. امام، استفتانات، ج ۱، خمس، س ۲۰۱؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۳۷۶؛ دفتر: بهجت، سیستانی و نوری.
۱۷۱. مکارم، استفتانات، ج ۱، س ۳۵۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۷۸۹؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۱۰۲۶؛ دفتر: وحید.
۱۷۲. جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۹۸.
۱۷۳. امام، استفتانات، ج ۱، س ۱۷۷؛ نوری، استفتانات، ج ۲، س ۳۵۲؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۸۳۰؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، س ۵۸۰؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۸۵۶؛ دفتر: سیستانی، بهجت و صافی.
۱۷۴. استفتانات، ج ۲، س ۵۸۰.
۱۷۵. امام، نوری، مکارم و فاضل: تعلیقات علی العروة، ج ۲، م ۷۶؛ تبریزی، استفتانات، س ۹۲۴؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۹۸۳؛ وحید و سیستانی، منهاج الصالحین، م ۱۲۵۶؛ دفتر: صافی.
۱۷۶. دفتر: بهجت.
۱۷۷. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۹۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱۷۹۱؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۴۰۸؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۹۳۲، ۹۳۳؛ وحید، توضیح المسائل، م ۱۸۰۳.
۱۷۸. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۹۵.
۱۷۹. توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۶۲، وحید؛ توضیح المسائل، م ۱۷۷۹؛ دفتر: خامنه‌ای.
۱۸۰. تبریزی و سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۶۲.
۱۸۱. انسان ۷۶، آیه ۷.
۱۸۲. فقه القرآن، ج ۲، ص ۲۷۵.
۱۸۳. آل عمران ۳، آیه ۳۶.
۱۸۴. انسان ۷۶، آیه ۷.
۱۸۵. وسائل الشیعه، ج ۲۳، باب ۶؛ میزان الحکمه، ح ۱۰، ص ۴۸.
۱۸۶. توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۱؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۰۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۳۹ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۶۰ و ۱۱۰۰.
۱۸۷. توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۵۱؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۱۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۴۹ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۷۲.
۱۸۸. توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۵۲؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۵۰؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۱۶ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۱۱۶.
۱۸۹. امام، تحریر الوسيلة، ج ۲، النذر، م ۱۱، ۱۲ و ۲۴؛ تبریزی، استفتانات، س ۱۷۲۹ و توضیح المسائل مراجع، ۲۶۵۳؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، النذر، م ۱۱، ۱۲ و ۲۴؛ سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۷ و ۲۶۵۳؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۷۴ و دفتر: فاضل، نوری، مکارم، وحید، بهجت.
۱۹۰. خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۱۰۹، فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۳۲۹ و دفتر: همه مراجع.
۱۹۱. فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۱۷۳؛ تبریزی، استفتانات، س ۱۷۳۱؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، س ۱۱۰۹ و دفتر: همه مراجع.
۱۹۲. توضیح المسائل، مراجع، م ۲۶۵۴؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۵۲.
۱۹۳. تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۵۶۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۷۴۶؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۱۴۹ و ۱۱۰۹؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۵۶۴.

۱۹۴. امام، تحریر الوسيله، ج ۲، النذر، م ۳ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۶۷.
۱۹۵. دفتر: بهجت.
۱۹۶. توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۶؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۴۴؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۱۰.
۱۹۷. توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۶.
۱۹۸. توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۶.
۱۹۹. امام، استفتائات، ج ۲، نذر، س ۱۰ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۹۳.
۲۰۰. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴.
۲۰۱. مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴ و تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۵۵۱.
۲۰۲. صافی و سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴ و وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۰۸.
۲۰۳. فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴.
۲۰۴. استفتائات، ج ۱، س ۷۵۹.
۲۰۵. نوری، استفتائات، ج ۱، س ۲۳۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۵۸۴؛ دفتر: وحید، تبریزی، امام و صافی.
۲۰۶. دفتر: خامنه‌ای، سیستانی و بهجت.
۲۰۷. مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۴۸۲ و ۴۷۵.
۲۰۸. لقمان ۳۱، آیه ۶.
۲۰۹. ر.ک: امام خمینی، مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۲۴؛ حسینی، علی، الموسیقی، ص ۱۷ و ۱۶؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۷۴ و ۹۷۸ و ۹۷۹.
۲۱۰. ر.ک: لقمان ۳۱، آیه ۶؛ فرقان (۲۵)، آیه ۷۲؛ مؤمنون (۲۳)، آیه ۳؛ حج (۲۲)، آیه ۳۰؛ قصص (۲۸)، آیه ۵۵.
۲۱۱. عده‌ای از فقیهان دین در کتب استدلالی خود و برخی از نویسندگان در نوشته‌های فارسی اظهار می‌دارند که دو تن از فقیهان شیعی فیض کاشانی و محمد باقر سبزواری قائل به حلیت غنا هستند؛ ولی با کمی تأمل و درنگ در کلام آنان، در خواهیم یافت که آنان نیز در اصل حرمت غنا تردیدی ندارند و تنها در برخی ویژگی‌ها و خصوصیات با آنان اختلاف نظر دارند. ر.ک: سیدابوالقاسم، خویی، مصباح الفقاهه، ج ۱، باب الغناء؛ امام خمینی، مکاسب المحرمه، ج ۱، باب الغناء.
۲۱۲. در حدیثی از نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است: «الْغِنَاءُ رُفِیَّةُ الزَّانَا»؛ «غنا نردبان زنا است»؛ بحار الانوار، ج ۷۶، باب ۹۹، الغناء.
۲۱۳. در آیه ۶ از سوره «لقمان» یکی از عوامل گمراهی از سبیل الهی «لهو الحدیث» دانسته شده و «لهو» آن چیزی است که انسان را به خودش آنچنان مشغول کند که باعث غفلت و بازماندن از کارهای مهم‌تر شود، و در روایات اسلامی از آن به «غنا» تفسیر شده است. وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۹۹، ابواب مایکتسب به.
۲۱۴. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴.
۲۱۵. مکاسب المحرمه، ج ۱، باب الغناء.
۲۱۶. آیات عظام سیستانی، تبریزی، وحید و مکارم، موسیقی لهوی را حرام می‌دانند؛ اگرچه طرب‌انگیز نباشد.
۲۱۷. آیه‌الله بهجت و آیه‌الله صافی، استفاده از هر نوع آلات موسیقی را حرام می‌دانند.
۲۱۸. امام، استفتائات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۳۰؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات س ۱۱۶۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۹۲؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۵۲۴ و ۵۲۵ و ج ۲، س ۷۰۷ و ۷۱۰؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۰۵۴ و ۱۰۶۵ و صراط النجاة، ج ۱، س ۱۰۰۵؛ دفتر: سیستانی، وحید و نوری.
۲۱۹. صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۰۳ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۸؛ دفتر: بهجت.
۲۲۰. صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۰۲؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۲۷ و ۱۱۴۶؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۵۲۷؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۰۴۳؛ سیستانی، Sistani.org، موسیقی، ش ۲۶ و ۲۲ و ۵؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۵۴۸ و دفتر: بهجت، وحید، امام، فاضل.
۲۲۱. امام، استفتائات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۲۷ و ۲۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۹۵ و ۹۹۹ و ۱۰۰۵؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۴۰؛ نوری، توضیح المسائل، مسائل مستحدثه.
۲۲۲. صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۱۸؛ بهجت: دفتر.
۲۲۳. تبریزی، استفتائات، س ۱۰۴۶ و ۱۰۶۵؛ سیستانی، Sistani.org، موسیقی، ش ۵؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۷۰۸؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۷.

٢٢٤. امام، استفتائات، ج ٣، سوالات متفرقه، س ١١٠؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٦٩٤ و ٦٩٨؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠٠٣ و ١٠١٧؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٣١ و ١١٣٥ و ١١٥٥؛ سيستاني، Sistani.org، موسيقي، ش ١٥؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٣٩؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٩٦؛ دفتر: بهجت، وحيد و نوري.
٢٢٥. امام، استفتائات، ج ٢، مكاسب محرمة، س ٢٥؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٥٧؛ بهجت، وسيله النجاة، ج ١، م ١٤٤٩؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠٠٣؛ نوري، توضيح المسائل، مسائل مستحدثة؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٨ و ١٧؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٩٩؛ تبريزي، صراط النجاة، ج ١، س ١٠٠٨ و ١٠٢٥؛ سيستاني، Sistani.org، موسيقي، ش ٥؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٧٠٨.
٢٢٦. امام، استفتائات، ج ٢، مكاسب محرمة، س ٢٧ و ج ٣، سوالات متفرقه، س ١٠٧ و تحرير الوسيلة، ج ١، مكاسب محرمة، م ١٣؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٠٠٥ و ٩٨٧ و ٩٨٨ و ٩٧٤؛ نوري، توضيح المسائل، مسائل مستحدثة؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٢٧ و ١١٣٢.
٢٢٧. صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ٩٩٥ و ١٠١٨ و دفتر: بهجت.
٢٢٨. سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٢، م ٢٠؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٧؛ تبريزي، التعليقة على منهاج الصالحين، المكاسب المحرمة، م ١٧؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥١٩ و ٥٢٠.
٢٢٩. خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٤٣ و ١١٥٧ و ١١٤٧؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ٩٩٩ و ١٠٠٥؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٢٠؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٨٨؛ تبريزي، صراط النجاة، ج ١، س ١٠١٤ و ج ٥، س ١١٤٩؛ دفتر: بهجت، وحيد، نوري، سيستاني و امام.
٢٣٠. خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٥٢ و ١١٥٥؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ٩٩٩ و ١٠٠٥؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٨٣ و صراط النجاة، ج ٥، س ١١٤٩؛ دفتر: امام، بهجت، وحيد، مكارم، نوري، سيستاني و فاضل.
٢٣١. مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٧١٤؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠٠٤؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٥١؛ دفتر: بهجت، وحيد، نوري، امام، تبريزي، سيستاني و فاضل.
٢٣٢. دفتر: همه مراجع.
٢٣٣. مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٧١٩ و ج ١، س ٥٣٧؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠١١ و ١٠١٣ و ج ٢، س ١٤٦٦ و ١٤٧٥؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٤٥ و ١٠٧١ و ١٠٧٤؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٤٨ و ٩٤٦ و ٩٥٠ و ج ٢، س ٩٤٧؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٤٢٧ و ١٤٢٩ و ١١٥٤؛ دفتر: بهجت، وحيد.
٢٣٤. مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٦٥٩؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ٩٩٤ و ١٠١٨ و ١٠٢٠؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٧٧ و ١٠٥٠ و ١٠٥٩؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٩٦؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٥٤ و ١١٢٧؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٢، م ٢٠؛ نوري، استفتائات، ج ١، س ١٠٠٨ و وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٧.
٢٣٥. خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١٢١٠ و ١١٦٥؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٨١٢ و ج ١، س ٥١٨؛ توضيح المسائل، مراجع م ٢٠٥٥ و ٢٠٦٧ و ٢٠٦٨؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٠٥١ و ٢٠٦٢ و ٢٠٦٣؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٠٦٣ و ٢٠٧٥ و ٢٠٧٦.
٢٣٦. امام، استفتائات، مكاسب محرمة، س ٢٥؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٣٤ و دفتر: فاضل.
٢٣٧. دفتر: بهجت، صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠٠٦ و ١٠٠٩.
٢٣٨. تبريزي، استفتائات، س ١٠٥٤؛ سيستاني، Sistani.org، موسيقي، ش ٢ و منهاج الصالحين، ج ٢، م ٢٠؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٥٧١؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٢٥ و ٥٢٨؛ دفتر: وحيد.
٢٣٩. مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٣٥؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠٢٣؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٣٦ و ١٧٣٧؛ دفتر: سيستاني، امام، نوري، وحيد و بهجت.
٢٤٠. تبريزي، صراط النجاة، ج ٦، س ١٤٥٦ و ١٤٤٨ و ١٤٤٤.
٢٤١. اجوبة الاستفتائات، س ١١٣٣ و ١١٣٤ و ١١٦٦.
٢٤٢. مكارم، استفتائات، ج ١، س ١١٦٠ و ج ٢، س ١٣٨٨ و ٧١٩؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠١٣ و ١٠١١ و ج ٢، س ١٤٨٢ و ١٤٥٩ و ١٠١٠ و ١٤٧٥؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٧١ و ١٠٧٤ و ١٠٤٥؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٤٨ و ٩٤٦ و ٩٥٠؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٦٧ و ١١٧٤ و ١٠٦٤ و ١١٩٣ و ١٤٢٩ و ١١٥٤؛ سيستاني، Sistani.org، موسيقي، ش ١٣؛ دفتر: امام، بهجت، وحيد، نوري.
٢٤٣. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٢٩؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٤٠؛ امام، تحرير الوسيلة، ج ١،

القول في شرايط وجوبهما، م ٢ ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٢٧١، الرابع ؛ تبريزي، منهاج الصالحين، ج ١، م ١٢٧١، الرابع ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ١، م ١٢٧١، الرابع ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٤٧٥ ؛ دفتر: بهجت، نوري، مكارم.

٢٤٤. امام، تحرير الوسيله، ج ١، م ١٣ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٣٤ ؛ بهجت، توضيح المسائل، متفرقه، م ٢٠ و وسلية النجاة، ج ١، م ١٤٤٩ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٩٧ ؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٢، م ٢٠ ؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٧ ؛ تبريزي، استفتائات، ١٠٥٧ و التعليقة على منهاج الصالحين، المكاسب المحرمة، م ١٧ ؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٢٨ ؛ صافي، هداية العباد، ج ١، م ١٦٩٨ و جامع الاحكام، ج ٢، س ١٥٨٥ ؛ دفتر: نوري.

٢٤٥. مكارم، استفتائات، ج ١، س ١١٦٠ ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ١، س ١٠١٦ ؛ تبريزي، صراط النجاة، ج ١، س ١٠٠٤ و استفتائات، س ١٠٧١ و ١٠٧٤ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩٣٣ و ٩٤٧ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٣٨ و ١١٥٨ و ١٠٦٤ ؛ دفتر: بهجت، وحيد، امام و نوري.

٢٤٦. مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٥٣٨ و ٥٣٩ ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٥٨١ ؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٥١ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٨١ و ١١٨٠ ؛ بهجت، توضيح المسائل، متفرقه، م ٣٠ ؛ دفتر: امام.

٢٤٧. تبريزي، استفتائات، س ١٠٥١ ؛ سيستاني، Sistani.org، موسيقى ش ٥. ٢٤٨. استفتائات، ج ٢، س ٥٨٤.

٢٤٩. دفتر: وحيد.

٢٥٠. مكارم، ج ١، س ٥٣٩ و ٥٣٨ ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٥٨٣ و ١٥٨١ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٨١ ؛ بهجت، توضيح المسائل، متفرقه م ٣٠ و فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٣٦ و ١٧٣٥. ٢٥١. تبريزي، استفتائات، س ١٠٣٧ و صراط النجاة، ج ١، س ١٠٢٠ ؛ سيستاني، Sistani.org، كف زدن ش ٣ و ٤.

٢٥٢. استفتائات، ج ٢، س ٥٤٨.

٢٥٣. دفتر: وحيد.

٢٥٤. خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٦٨ ؛ دفتر: امام.

٢٥٥. دفتر: بهجت.

٢٥٦. استفتائات، س ١٠٤٢.

٢٥٧. سيستاني، Sistani.org، رقص ش ٧ ؛ دفتر: وحيد.

٢٥٨. مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٣٤ و ٥٣٥ ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٥٨٠ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٣٦ و ١٧٣٨ ؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٥٧٤.

٢٥٩. تبريزي، استفتائات، س ١٠٤٢ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٧٤ و ١١٧١ ؛ امام، استفتائات، ج ٢، س ٣٥ و ٢٥ ؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٥٧٤ و توضيح المسائل، مسائل مستحدثة ؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٣٤ و ٥٣٥ ؛ دفتر: وحيد ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٥٨٠ و ١٥٨٥ ؛ فاضل، ج ١، س ١٧٣٧ و ٩٨٩ ؛ سيستاني، Sistani.org، رقص، ش ٢.

٢٦٠. دفتر: بهجت.

٢٦١. مكارم، استفتائات، ج ١، س ٨٢١ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٦٩ ؛ دفتر: همه مراجع.

٢٦٢. صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٦٧١ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٢٤ ؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٧٠٩ و ج ١، س ٥٢٦ ؛ دفتر: بهجت، امام و وحيد.

٢٦٣. تبريزي، استفتائات، س ١٠٥٨ و ١٠٤٩ و ١٠٧٥ ؛ سيستاني، Sistani.org، غناء، ش ٦ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٤٥ ؛ نوري، استفتائات، ج ١، س ٤٤٤ و ٤٤٢ و ٤٤٩ و ٥٤٩.

٢٦٤. امام، استفتائات، ج ٣، نظر، س ٦٤ ؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٥٨ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٤٥ ؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٥٤٤ و ٥٤٥ و ٥٤٩ ؛ سيستاني، Sistani.org، غناء، س ٦ ؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٢٢ و ٩٧٧ و دفتر: امام، سيستاني و وحيد.

٢٦٥. مكارم، استفتائات، ج ١، س ٥٢٢ ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٦٧٤ و ١٦٧٥ ؛ دفتر: بهجت.

٢٦٦. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٢١٨٢ ؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٦٨١ ؛ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتائات، س ١١٤٥ ؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٥٤٥ ؛ امام، استفتائات، ج ٣، احكام نظر، ٥٧ و ٦٥ ؛ تبريزي، استفتائات، س ١٠٥٨ ؛ دفتر: وحيد، بهجت و سيستاني.

٢٦٧. مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٧٦٤ و ج ١، س ٧٨٥ و دفتر استفتائات.

۲۶۸. نور ۲۴، آیه ۳۱.
۲۶۹. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص ۲۱.
۲۷۰. باید توجه داشت که هر چند سال نزول آیات حجاب و پوشش، در کتب تفسیر و تاریخ ثبت نشده است؛ ولی با توجه به اینکه از یک سو این آیات در سوره‌های احزاب و نور آمده و سوره احزاب از نظر ترتیب نزول پیش از سوره نور و بعد از سوره آل عمران قرار دارد و از سوی دیگر طبق نقل تفسیر نمونه سوره آل عمران در بین سالهای دوم و سوم نازل گردیده است، می‌توان به خوبی حدس زد که سوره احزاب در سال‌های چهارم و پنجم نازل گردیده است. بنابر این آیه حجاب در این سال‌ها تشریح گردیده است. محتوای این سوره نیز مؤید این مسأله می‌باشد.
۲۷۱. نور ۲۴، آیه ۳۱ و احزاب (۳۳)، آیه ۵۹ و ۳۳.
۲۷۲. نور ۲۴، آیه ۳۱ و احزاب (۳۳)، آیه ۵۹.
۲۷۳. «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحَمَالِهَا»: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۷۰.
۲۷۴. احزاب ۳۳، آیه ۵۹.
۲۷۵. امام، استفتائات، ج ۳، احکام حجاب، س ۲۷؛ سیستمی، Sistani.org، حجاب، س ۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۸؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۵۳ و ۱۰۲۳؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۷۹؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۹۰۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۹۴ و ۱۷۲۹؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۱۸ و ۵۵۹ و دفتر: وحید و بهجت.
۲۷۶. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵، وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۴؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۳۱.
۲۷۷. بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۷.
۲۷۸. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵.
۲۷۹. سیستمی، Sistani.org، حجاب، س ۳؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۸۷۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۹۶؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۴۳۸؛ دفتر: امام، بهجت، نوری، وحید.
۲۸۰. دفتر: مکارم.
۲۸۱. تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۲۷۵ و استفتائات، س ۱۶۱۴.
۲۸۲. مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۳۴ و تعلیقات علی العروة، النکاح، م ۵۱؛ امام، استفتائات، ج ۳، احکام حجاب، س ۱۴؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲، النکاح، م ۵۱؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۹۱ و صراط النجاة، ج ۱، س ۱۴۸۷؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۵۱ و دفتر: سیستمی.
۲۸۳. نوری، استفتائات، ج ۱، س ۴۸۳.
۲۸۴. دفتر: وحید.
۲۸۵. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۲۲؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷.
۲۸۶. مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۱۹؛ امام، تعلیقات علی العروة، النکاح، م ۵۱ و استفتائات، ج ۳، احکام حجاب، س ۳۰ و ۲۹؛ فاضل و نوری، تعلیقات علی العروة، النکاح، م ۵۱؛ سیستمی، منهاج الصالحین، ج ۳، النکاح، م ۱۸.
۲۸۷. تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۲۶۲؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۴؛ دفتر: بهجت.
۲۸۸. دفتر: صافی.
۲۸۹. مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۷۹۷؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۶۱۶؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۶۷ و ۶۲۱؛ نوری، استفتائات، ج ۱، س ۱۰۳۳؛ دفتر: وحید، صافی، بهجت، امام، فاضل و سیستمی.
۲۹۰. امام، تعلیقات علی العروة، الستر، م ۱ و استفتائات، ج ۳، (احکام حجاب)، س ۳۶؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۴۳؛ فاضل، توضیح المسائل، م ۷۹۶ و جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۷؛ دفتر: صافی، بهجت و وحید.
۲۹۱. تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴.
۲۹۲. سیستمی، تعلیقات علی العروة، الستر، م ۱.
۲۹۳. مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۰۱ و توضیح المسائل، م ۷۲۹؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۶۹ و ج ۱، س ۵۴۲.
۲۹۴. دفتر: امام و استفتائات، ج ۳، احکام حجاب، س ۳۴.
۲۹۵. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۸۳ و دفتر: بهجت و صافی.
۲۹۶. تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۸۸۲ و ۸۸۳ و ج ۵، س ۱۲۳۸.
۲۹۷. سیستمی، Sistani.org، زینت؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۳۴ و ۱۵۱ و ج ۱، س ۸۰۲ و نوری، استفتائات، ج ۱، س ۴۹۱ و ۵۴۲ و ۵۰۰.
۲۹۸. خامنه‌ای، استفتاء، س ۴۷۷ و ۵۶۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۷ و دفتر: وحید.

۲۹۹. امام، استفتائات، ج ۳، نظر، س ۵۲؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۶؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۱۹؛ تبریزی، استفتائات، ۱۶۲۲؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، ص ۱۶۷۳؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۵۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ۱۷۱۸؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۴۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، النکاح م ۳؛ سیستانی، Sistani.org، اینترنت، س ۲۰ و ۱۹؛ دفتر: وحید.
۳۰۰. خامنه‌ای، استفتاء، س ۷۸۲ و دفتر: همه مراجع.
۳۰۱. سیستانی، Sistani.org، اینترنت؛ تبریزی، tabrizi.org، اینترنت؛ دفتر: همه مراجع.
۳۰۲. دفتر: همه مراجع.
۳۰۳. همه، العروة الوثقی، ج ۲، النکاح، م ۴۹؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۹۲ و ۱۵۹۴؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۴۶؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۱۳ و ۸۰۵؛ امام، استفتائات، ج ۳، وظایف اجتماعی زنان، س ۱۹؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۵۶ و ۱۶۵۸؛ دفتر: سیستانی، بهجت، وحید، فاضل و نوری.
۳۰۴. دفتر: همه مراجع.
۳۰۵. العروة الوثقی، ج ۲، النکاح، م ۳۹ و ۴۱.
۳۰۶. همان، م ۳۱ و ۳۹؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۲۰ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۷۸۲.
۳۰۷. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۷۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، النکاح، م ۲۹؛ نوری، مکارم و امام، تعلیقات علی العروة، النکاح، م ۳۹؛ دفتر: وحید، تبریزی، بهجت و خامنه‌ای و فاضل.
۳۰۸. خامنه‌ای، استفتاء، س ۷۷۹ و ۶۵۱ و دفتر: همه مراجع.
۳۰۹. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۴۱ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۳۹ و ۶۲۷.
۳۱۰. همان، م ۲۴۴۵ و وحید، توضیح المسائل، م ۲۵۹۰.
۳۱۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵.
۳۱۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵.
۳۱۳. همان، م ۲۴۴۵.
۳۱۴. خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۴۵ و ۱۵۸۶؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۱۶۶۵؛ نوری، استفتائات، ج ۱، س ۱۰۳۱؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، س ۱۱۵۲؛ العروة الوثقی، ج ۲، النکاح، م ۴۷؛ دفتر: وحید، بهجت، فاضل، سیستانی و صافی.
۳۱۵. خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۱۵ و ۴۷۹؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۶۰۶؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۵۵؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۱۸؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۶۰؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۱۷؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۱۶؛ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، النکاح، م ۲۰؛ دفتر: وحید.
۳۱۶. خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۹۶؛ سیستانی، Sistani.org، متفرقات، س ۷؛ دفتر: همه مراجع.
۳۱۷. امام، استفتائات، ج ۳، سوالات متفرقه، س ۱۲۷؛ دفتر: همه مراجع.
۳۱۸. نور ۲۴، آیه ۳۰.
۳۱۹. همان، آیه ۳۱.
۳۲۰. «النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامٍ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً»: بحار، ج ۴۰/۱۰۱.
۳۲۱. از نظر برخی مراجع آیات عظام بهجت و مکارم شیرازی.
۳۲۲. جاهایی که به طور معمول نمی‌پوشانند مانند موها، گردن و دست‌ها.
۳۲۳. به جز جاهایی که به طور معمول می‌پوشانند.
۳۲۴. با استفاده از منابعی که در عنوان «نگاه خواستگاری» آمده است.
۳۲۵. مکارم، تعلیقات علی العروة، م ۲۶، و استفتائات، ج ۱، س ۸۱۶؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲، النکاح، م ۲۶؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، النکاح، م ۲۸؛ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، النکاح م ۲۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۲۸؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، م ۹۴۸؛ دفتر: وحید.
۳۲۶. توضیح المسائل، مراجع، م ۲۴۳۳؛ العروة الوثقی، ج ۲، النکاح، م ۲۶؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۲۹ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۴۰۲.
۳۲۷. امام، تحریر الوسیله، ج ۲، النکاح، م ۲۸؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲، النکاح، م ۲۶ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۲۵.
۳۲۸. مکارم، تعلیقات علی العروة، النکاح، م ۲۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۲۸؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۸۰؛ النکاح، م ۲۸؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۴۴.

٣٢٩. صافى، هداية العباد، ج ٢.
٣٣٠. نورى، تعليقات على العروة، النكاح، م ٢٦.
٣٣١. ر.ك: امام، استفتائات، ج ٣، احكام حجاب، س ٢٧؛ سيستاني، Sistani.org، حجاب، س ٥؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٠٨؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ١٥٣ و ١٠٢٣؛ نورى، استفتائات، ج ٢، س ٦٧٩؛ تبريزى، صراط النجاة، ج ١، س ٩٠٧؛ صافى، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٦٩٤ و ١٧٢٩؛ خامنه‌اى، استفتاء، س ٦١٨ و ٥٥٩؛ العروة الوثقى، ج ١، م ١٦ و دفتر: وحيد و بهجت.
٣٣٢. مكارم، استفتائات، ج ١، س ٧٩٩؛ تبريزى، صراط النجاة، ج ٥، س ١٢٧٤؛ دفتر: همه مراجع.
٣٣٣. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٣؛ نورى، توضيح المسائل، م ٢٤٢٩؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٤٤٢؛ دفتر: خامنه‌اى.
٣٣٤. صافى، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٣، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٧٠٠ و هداية العباد، ج ٢، النكاح م ١٨.
٣٣٥. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٣، ٢٤٣٦؛ نورى، توضيح المسائل، م ٢٤٢٩ و ٢٤٣٢؛ العروة الوثقى، ج ١ الستر م ٢ و (احكام التخلّى) م ٨؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٤٤٢ و ٢٤٤٥ و خامنه‌اى، استفتاء، س ٤٨١.
٣٣٦. صافى، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٧١٢، امام، استفتائات، ج ٣، نظر، س ٦ و ٣٩ و خامنه‌اى، استفتاء، س ٤٨٧.
٣٣٧. بهجت، توضيح المسائل، م ١٩٣٣.
٣٣٨. مكارم، استفتائات، ج ٢، م ١٠٤٣؛ تبريزى، استفتائات، س ١٥٩١؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٤٤٢؛ دفتر: فاضل و سيستاني.
٣٣٩. امام، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٣ و تحرير الوسيله، ج ٢، النكاح، م ٢٥؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، النكاح م ٢٣.
٣٤٠. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٣.
٣٤١. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٣؛ تبريزى، التعليقه على منهاج الصالحين، م ١٢٣٢، و صراط النجاة، ج ١، س ٨٩٢؛ دفتر: وحيد.
٣٤٢. همان، م ٢٤٣٣؛ نورى، توضيح المسائل، م ٢٤٢٩.
٣٤٣. تبريزى، صراط النجاة، ج ١، س ٨٨٩؛ دفتر: همه مراجع.
٣٤٤. دفتر: سيستاني.
٣٤٥. نورى، توضيح المسائل م ٢٤٣٥؛ امام، سيستاني، وحيد، مكارم، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٣٩؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٤٤٨؛ تبريزى؛ صراط النجاة، ج ٢، س ١١٥٨.
٣٤٦. فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٢٨ و ١٧٣٢ و دفتر: بهجت.
٣٤٧. صافى، توضيح المسائل، م ٢٤٤٨ و خامنه‌اى، استفتاء، س ١٤٢٧ و ٤٨٣.
٣٤٨. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١١٩٤ و ١٢٠٦؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٢٦ و ١٧٢٧؛ بهجت، توضيح المسائل، مترقره، م ٢، مكارم، استفتائات، ج ١، س ٧٧٥ و ٧٧٢؛ نورى، استفتائات، ج ١، س ٤٥٠ و ٤٥٢؛ امام، استفتائات، ج ٣، (نظر)، س ١٥ و ١٩؛ سيستاني، Sistani.org، فيلم، س ٨؛ تبريزى، استفتائات، س ١٠٨١ و ١٦٠٣؛ صافى، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٧٠٨ و ١٧١٩؛ دفتر: وحيد.
٣٤٩. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١٢٠٣؛ صافى، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٣٢٩؛ نورى، استفتائات، ج ٢، س ٥٥٤؛ سيستاني، Sistani.org، فيلم، س ٣؛ دفتر: وحيد، بهجت، امام، فاضل، مكارم.
٣٥٠. تبريزى، صراط النجاة، ج ٥، س ١١٢٩ و ج ١، س ٨٩٤ و ٨٩٥.
٣٥١. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١١٩٢؛ تبريزى، صراط النجاة، ج ٥، س ١١٢٩؛ سيستاني، Sistani.org، تصوير، س ٤؛ دفتر: همه مراجع.
٣٥٢. خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١١٨٧؛ صافى، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٧١٧ و ١٦٠٥؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٢٩ و ١٧٣١؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٧٧٨ و ٧٨٢؛ دفتر: امام، بهجت، وحيد و نورى.
٣٥٣. تبريزى، استفتائات، س ١٦٠٣ و ١٦٠٥ و صراط النجاة، ج ٥، س ١١٢٩.
٣٥٤. سيستاني، Sistani.org، فيلم، س ٤.
٣٥٥. امام، تعليقات على العروة، احكام التخلّى، م ٢؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ١٠٣٣ و تعليقات على العروة، (احكام التخلّى)، م ٢؛ صافى، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٧٠٧؛ نورى، التعليقات على العروة، (احكام التخلّى)، م ٢؛ دفتر: بهجت؛ سيستاني، تعليقات على العروة، (احكام التخلّى)، م ٢ و Sistani.org، تصوير، س ١ و ٢؛ تبريزى، صراط النجاة، ج ٣، س ٧٧٨؛ خامنه‌اى، اجوبة الاستفتائات، س ١٣١٤؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٧٣١ و

- تعلیقات علی العروة، ج ۱، (احکام التخلی)، م ۲؛ دفتر: وحید.
۳۵۶. خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۰۱؛ دفتر: امام، فاضل، مکارم.
۳۵۷. دفتر: بهجت، صافی، وحید.
۳۵۸. دفتر: سیستانی.
۳۵۹. امام، استفتائات، ج ۳، نظر، س ۲۵؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۸؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۸۲؛ نوری، استفتائات، ج ۱، س ۴۵۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۲؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۸۸، صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۱۹، و توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۹؛ بهجت، توضیح المسائل، (متفرقه)، م ۲؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۴۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۲۳.
۳۶۰. مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۷۹۸ و ۸۳۸؛ امام، استفتائات، ج ۳، احکام حجاب، س ۱۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۲ و ۱۷۳۰؛ دفتر: بهجت، وحید، خامنه‌ای، صافی، سیستانی، تبریزی و نوری.
۳۶۱. امام، استفتائات، ج ۳، س ۶ و ۳۹؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲؛ مکارم، تعلیقات علی العروة، النکاح م ۵۱؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۴۸۲ و دفتر: فاضل.
۳۶۲. بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۳ و دفتر استفتائات.
۳۶۳. دفتر: سیستانی و تبریزی.
۳۶۴. نوری، استفتائات، ج ۱، س ۴۵۸؛ امام، استفتائات، ج ۳، نظر، س ۱۲ و دفتر: سیستانی، وحید.
۳۶۵. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۰۷ و ۱۶۲۲؛ بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۲ و دفتر: مکارم.
۳۶۶. صراط النجاة، ج ۲، س ۸۹۷ و ج ۱، س ۱۴۸۷.
۳۶۷. اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۸۹.
۳۶۸. نور ۲۴، آیه ۳۲.
۳۶۹. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ما بُنِيَ بِنَاءً فِي الْأَسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ «هیچ بنایی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند بنا نشده است»؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.
۳۷۰. «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.
۳۷۱. البته برخی از مراجع تقلید آیات عظام: مکارم، وحید و تبریزی معتقدند: اگر مدت عقد موقت از عمر طبیعی زن و شوهر یا یکی از آن دو بیشتر باشد، احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم را بر آن جاری سازند و آیه الله سیستانی می‌فرماید: این عقد موقت باطل است و به عقد دائم تبدیل نمی‌شود. ر.ک: سیستانی، وحید و تبریزی، منهاج الصالحین، فی عقد المتعة و مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۰۸.
۳۷۲. تبریزی، استفتائات، س ۱۶۵۶؛ دفتر: همه مراجع.
۳۷۳. امام، استفتائات، ج ۳، احکام ازدواج، س ۹؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۵۱۳؛ دفتر: همه مراجع.
۳۷۴. فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۷۰ و ۹۷؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۵۳۲؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۴۴۷؛ امام، استفتائات، ج ۲، کسب‌های حرام، س ۱۴ و ۱۳؛ صافی، هدایه العباد، ج ۱، س ۱۶۸۹؛ تبریزی، منهاج الصالحین، (المکاسب المحرمه)، م ۸؛ بهجت، وسیله النجاة، ج ۱، م ۱۴۴۱ و ۱۴۴۲.
۳۷۵. توضیح المسائل مراجع، م ۸۳۲؛ نوری، توضیح المسائل، م ۸۳۳؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۴۴۴؛ وحید، توضیح المسائل، م ۸۳۸.
۳۷۶. تبریزی، استفتائات، س ۲۱۹۴؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۵۱۷؛ امام، استفتائات، ج ۱، لباس نمازگزار، س ۵۲؛ سیستانی، Sistani.org، (زینت)، س ۲؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۳۷؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۴۴۳؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۱۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۶۹؛ دفتر: بهجت، وحید.
۳۷۷. مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۸۱۱؛ تبریزی، استفتائات، س ۲۱۹۳؛ امام، استفتائات، ج ۱، س ۵۰؛ لباس نمازگزار؛ سیستانی، Sistani.org، زینت، س ۳۳؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۶۹؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۴۴۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۳۹؛ دفتر: وحید، بهجت، نوری.
۳۷۸. تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۵۲۱؛ دفتر: همه مراجع.
۳۷۹. مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۹۵ و دفتر: همه مراجع.
۳۸۰. مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۱۲؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۳۴؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، عقد المتعة و م ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۲۳۳ و ۹۲؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، عقد المتعة و م ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶؛ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، النکاح المنقطع، م ۵ و النسب، م ۲؛ صافی، هدایه العباد، ج ۲، النکاح المنقطع، م ۵ و النسب، م ۲ و دفتر: خامنه‌ای، بهجت و فاضل.
۳۸۱. امام، بهجت، صافی و نوری، توضیح المسائل مراجع، احکام نکاح؛ فاضل و جامع المسائل، ج ۱، س ۱۵۴۴ و

- نوری، توضیح المسائل، احکام نکاح.
۳۸۲. سیستانی، توضیح المسائل مراجع، احکام نکاح.
۳۸۳. مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۱۰۰۸؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، عقدالمتعہ؛ و تبریزی، منهاج الصالحین، ۲، عقدالمتعہ.
۳۸۴. خامنه‌ای، استفتاء، س ۴۰؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، ۱۳۱۱؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۳۱۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۲۴۹؛ امام، تحریر الوسيلة، ج ۲، النکاح المنقطع، م ۱۱؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، النکاح المنقطع، م ۱۱؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۹۴؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۲۵۵؛ دفتر: بهجت و مکارم.
۳۸۵. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۴ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۴۰.
۳۸۶. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰.
۳۸۷. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۶.
۳۸۸. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۱؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۷ و وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۵.
۳۸۹. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۳۶ و ۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۲؛ وحید، توضیح المسائل، ۲۴۳۶؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۸.
۳۹۰. بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۸۴.
۳۹۱. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۴؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۶.
۳۹۲. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰.
۳۹۳. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰.
۳۹۴. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۶۸؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۴ و وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۲؛ دفتر: خامنه‌ای.
۳۹۵. دفتر: همه مراجع.
۳۹۶. دفتر: همه مراجع.
۳۹۷. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۶۷؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۳؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۱؛ دفتر: خامنه‌ای.
۳۹۸. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۴؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۲۶۷ و ۱۲۶۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۴۴ و ۱۴۴۵؛ خامنه‌ای، استفتاء، ۷۰.
۳۹۹. امام، نوری، و فاضل، تعلیقات علی العروة، باب العقد و احکامه، م ۱۰ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۸۹۸؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۸۴۴؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۳۰؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، م ۱۲۵۸؛ دفتر: وحید، بهجت و سیستانی.
۴۰۰. تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۱۴۷۹؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۲۴۹؛ امام، نوری، فاضل و مکارم، التعلیقات علی العروة، باب العقد و احکامه، م ۱؛ دفتر: سیستانی، بهجت، وحید و خامنه‌ای.
۴۰۱. وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، ۱۲۲۹؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۸۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۳؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۲۹؛ امام، نوری، مکارم و فاضل، التعلیقة علی العروة، النکاح، م ۵، صافی، هداية العباد، ج ۲، النکاح، م ۵؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۲.
۴۰۲. امام، استفتائات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۴ و ۲۷؛ تبریزی، استفتائات، ص ۱۵۴۷ و ۱۵۱۲ و ۱۵۵۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۷۰؛ مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۲؛ دفتر: نوری.
۴۰۳. بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۳۸ و تعلیقات علی العروة، ج ۲، النکاح، فصل فی اولیاء العقد، م ۱.
۴۰۴. خامنه‌ای، استفتاء، س ۷۹۸؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۳۷ و دفتر: صافی.
۴۰۵. امام، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۱ و استفتائات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، اولیاء العقد، م ۶۹؛ مکارم و فاضل، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۱؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲، تبریزی، استفتائات، س ۱۵۱۱ و منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۳۷؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۳۷؛ نوری، استفتائات، ج ۱، س ۶۲۷ و توضیح المسائل، م ۲۳۷۲.
۴۰۶. خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۶؛ امام، استفتائات، ج ۳، اولیاء عقد، س ۱۰؛ سیستانی، Sistani.org، عقد موقت، ش ۱۶؛ منهاج الصالحین، کتاب النکاح، اولیاء العقد، م ۶۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۳۱۱؛ مکارم،

استفتائات، ج ۱، س ۷۶۱؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۴۷۹؛ فاضل و بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۳۸۵؛ دفتر: نوری.

۴۰۷. امام، استفتائات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۳؛ سیستانی، تعلیقات علی العروة، التقليد م ۵۵ و توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۱۴۶۷ و منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۳۷؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۶۹۴ و تعلیقات علی العروة، التقليد، م ۵۵؛ فاضل، تعلیقات علی العروة، التقليد، م ۵۵ و توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱ و وسیله النجاة، ج ۱، م ۳۵؛ صافی، هداية العباد، ج ۱، التقليد، م ۳۶ و توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ دفتر: وحید؛ نوری، تعلیقات علی العروة التقليد، م ۵۵.

۴۰۸. تبریزی، استفتائات، س ۱۴۵۷ و صراط النجاة، ج ۱، س ۸۲۶؛ سیستانی، Sistani.org، موقت، س ۳۳؛ امام، استفتائات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۱۹؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۷؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۹۱۷؛ دفتر: بهجت، فاضل، وحید، صافی و نوری.

۴۰۹. امام، فاضل، نوری و مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۲؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۳۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، اولیاء العقد، م ۷۰؛ تبریزی، منهاج الصالحین، اولیاء العقد، م ۱۲۳۷؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۴؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱؛ دفتر: صافی.

۴۱۰. امام، استفتائات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۲۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۷۰؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۲ و ۲۳۷۳..

۴۱۱. خامنه‌ای، استفتاء، س ۷۹۸؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۳۸؛ مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۲، وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۳۷؛ تبریزی، منهاج الصالحین، اولیاء العقد، م ۱۲۳۷؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱؛ دفتر: صافی.

۴۱۲. دفتر: همه مراجع.

۴۱۳. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۳۷؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۰ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۵.

۴۱۴. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۷۶۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۱۹؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۲؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۳۸۵.

۴۱۵. نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۳؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲؛ امام، فاضل و مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۱؛ سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۷؛ دفتر: وحید.

۴۱۶. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۷؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۴۵۶ و صراط النجاة، ج ۲، س ۱۱۳۰.

۴۱۷. خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۴؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲ و جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۲۶۰.

۴۱۸. امام، استفتائات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۱۹ و دفتر: همه مراجع.

۴۱۹. امام، استفتائات، ج ۳، احکام ازدواج، س ۵۵؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۹۰۷؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۷؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۵۳۳؛ نوری، استفتائات، ج ۲، س ۶۳۷ و توضیح المسائل، م ۲۵۳۴؛ دفتر: بهجت.

۴۲۰. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۳۳۳؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۳۹۵؛ صافی، جامع الاحکام، ۲، ۱۲۵۵.

۴۲۱. وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۳۵۹.

۴۲۲. امام، تحریر الوسيلة، ج ۲، النکاح المنقطع، م ۱۸؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۶۴؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، النکاح المنقطع، م ۱۸.

۴۲۳. نوری و فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲، النکاح، فصل ۴، م ۱۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، ۲۶۱؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۳۰۳؛ مکارم، استفتائات، ج ۲، س ۹۲۷ و تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۳۰۳.

۴۲۴. امام، نوری، مکارم و فاضل، العروة الوثقی، ج ۲، م ۷؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۹۸؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۹۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲؛ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتائات، س ۲۰؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، م ۴؛ دفتر: بهجت و خامنه‌ای.

۴۲۵. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۱۵؛ مکارم، استفتائات، ج ۱، س ۷۰۸؛ امام، تحریر الوسيلة، ج ۲، القول فی الکفر، م ۸؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، القول فی الکفر، م ۸؛ نوری، استفتائات، ج ۱، م ۶۶۸؛ دفتر: فاضل.

۴۲۶. وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۹۸؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۹۸ و دفتر: بهجت.

۴۲۷. العروة الوثقی، ج ۲، النکاح، فصل ۱۱، السابعة و الثامنة.

٤٢٨. امام، نوری و مکارم، تعليقات على العروة، النكاح، فصل ٤، م ٢١؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٤٥٦؛ صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٣٧٠ و ١٣٨٨؛ دفتر: سيستاني، بهجت، وحيد و خامنه‌اي.
٤٢٩. منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٢٥٩ و توضيح المسائل، م ٢٤١٤.
٤٣٠. امام و بهجت، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٠٥؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٤٠١.
٤٣١. مكارم، تيريزي و صافي، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٠٥؛ فاضل، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٠٥ و جامع المسائل، ج ١ س ١٤٥٥ و ١٤٥٦.
٤٣٢. سيستاني، توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٠٥؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٦٩٢٤.
٤٣٣. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٠١؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٤٦٥؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٣٦٧؛ امام، تحرير الوسيلة، ج ٢، النكاح في العده، م ١؛ صافي، هداية العباد، ج ٢ النكاح في العده، م ١؛ خامنه‌اي، استفتاء، س ١٢٢.
٤٣٤. وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٣٤٩؛ تيريزي، منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٣٤٩؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٢٨٥؛ امام، تحرير الوسيلة، ج ٢، العيوب، م ١٦؛ صافي، هداية العباد، ج ٢، العيوب، م ١٧؛ دفتر: بهجت، خامنه‌اي، فاضل، مكارم و نوري.
٤٣٥. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٤٦؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٤٤٢؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٥١٠؛ دفتر: خامنه‌اي.
٤٣٦. دفتر: همه مراجع.
٤٣٧. تيريزي، استفتائات، س ١٦٣١؛ امام، استفتائات، ج ٣، احكام مهریه، س ٣١؛ مكارم، استفتائات، ج ١، ٧٣٢؛ فاضل، جامع المسائل، ج ٢، س ١٢٨٤؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٢، م ٢٨٧؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٦٢٨؛ صافي، هداية العباد، ج ٢، فصل في المهر، م ١ و دفتر: خامنه‌اي، بهجت، وحيد.
٤٣٨. روم ٣٠، آيه ٢١.
٤٣٩. «مَنْ اتَّخَذَ الْمَرْأَةَ فُلُكْرُمَهَا»: وسائل الشيعة، ج ٥، باب ٣.
٤٤٠. «جِهَادُ الْمَرْءِ حُسْنُ النَّبْعِ»: فروع كافي، ج ٥، ص ٩.
٤٤١. فاضل، جامع المسائل، ج ٢، س ١٣١٣؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٤٢٨ و دفتر: همه مراجع.
٤٤٢. امام، استفتائات، ج ٣، احكام نفقه، س ١٥؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٦٩٣ و ج ٢، س ١٣١٠ و ١٣١١؛ مكارم، استفتائات، ج ١، س ٨٤٦؛ تيريزي، منهاج الصالحين، ج ٢، النفقات؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، النفقات؛ صافي، هداية العباد، ج ٢، النفقات، م ٨؛ بهجت، توضيح المسائل، م ١٨٩٧؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٤٠٨؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٤٢٠؛ دفتر: خامنه‌اي.
٤٤٣. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤١٦.
٤٤٤. همان، م ٢٤١٦ و نوري، توضيح المسائل، م ٢٤١٢.
٤٤٥. وحيد، توضيح المسائل، م ٢٤٨٠.
٤٤٦. امام، تحرير الوسيلة، ج ٢، النفقات، ١٩؛ صافي، هداية العباد، ج ٢، م ١٩؛ تيريزي، منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٤١٨؛ وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٤١٨؛ فاضل، جامع المسائل، ج ٢، س ١٣١٠؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٤٣٣ و دفتر: خامنه‌اي، نوري، مكارم و بهجت.
٤٤٧. صافي، جامع الاحكام، ج ٢، س ١٣٣٣؛ امام، استفتائات، ج ٣، احكام نفقه، س ١٤؛ نوري، استفتائات، ج ٢، س ٦٦٢؛ فاضل، جامع المسائل، ج ٢، س ١٣١٢؛ مكارم، استفتائات، ج ٢، س ١٠٥١ و ج ١، س ٨٣٩؛ دفتر: بهجت و خامنه‌اي.
٤٤٨. تيريزي، منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٣٩٩ و وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٣٩٩.
٤٤٩. سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٤١٥.
٤٥٠. خامنه‌اي، استفتاء، س ٣٠؛ فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ١٦٨٧ و دفتر: همه مراجع.
٤٥١. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤٥١؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٤٤٧؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٥١٥؛ دفتر: خامنه‌اي.
٤٥٢. توضيح المسائل مراجع، م ٢٢٧٧؛ نوري، توضيح المسائل، م ٢٢٧١؛ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٣٢٩؛ دفتر: خامنه‌اي.
٤٥٣. توضيح المسائل مراجع، م ٢٤١٢؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٢، م ٣٣٧ و ٣٣٨. وحيد، منهاج الصالحين، ج ٣، م ١٤٠٧ و نوري، استفتائات، ج ٢، س ٦٧٥.
٤٥٤. تيريزي، منهاج الصالحين، ج ٢، م ١٤٠٧ و مكارم، استفتائات، ج ٢، س ٩٦٤.

